دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۶
اول ربیع‌الاول ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۲۵
۱۲ صفحه

صبح صادق

هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
www.sobhesadeghweekly.ir

امام خامنه‌ای:
بسیج یعنی
نیروی کارآمد کشور
برای همه میدان‌ها

هفته بسیج
گرامی باد

گزارش اختصاصی خبرنگاران اعزامی صبح صادق به مناطق زلزله‌زده کرمانشاه

چشم امید مردم به سپاه است

همین صفحه

فرماندهان میدانی سپاه در مناطق زلزله‌زده در گفت‌وگو با صبح صادق

سپاه سخت‌ترین بخش امدادرسانی را برعهده گرفت

صفحه۱۰

با تفاهم قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) و بنیاد مسکن

احداث مسکن موقت زلزله‌زدگان به قرارگاه سازندگی واگذار شد

صفحه۱۱

سرمقاله

منافقین به مرصاد بازگشته‌اند!

□ فرهاد مهدوی / برخی از شبکه‌های اجتماعی در اوج بحران زلزله غرب کشور رفتاری متفاوت از فعالیت رسانه‌ای خود به نمایش گذاشته‌اند و اخبار و گزارش‌های تصویری خود را به گونه‌ای منتشر می‌کنند که گویا جنگ دیگری در منطقه چهارزبر شکل گرفته که یک طرف آن نیروهای انقلابی سپاه، ارتش و مردم هستند و در طرف دیگر گروه‌های تروریستی منافقین قرار دارند!

در روزهای گذشته به موازات کمک‌های مردم و گسیل نیروهای مسلح برای خدمت‌رسانی به مردم زلزله‌زده، جریان‌های ضد انقلاب در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تاکتیک‌هایی را به اجرا گذاشته‌اند که نشان‌دهنده عمق هراس آنها از ارتباط نزدیک مردم با نیروهای انقلابی است که به برخی از روش‌های اطلاع‌رسانی آنها اشاره می‌شود:

۱ـ تفرقه مذهبی: در حالی که موکب‌های متعدد عزاداران اربعین در مسیر برگشت از اربعین با زلزله کرمانشاه روبه‌رو می‌شوند، در همانجا خدمت به مردم را بر برگشت به منزل ترجیح داده و سرگرم پخت غذای گرم برای زلزله‌زدگان و کمک به مردم می‌شوند. جریان ضد انقلاب که از همگرایی شیعه و سنی و کرد و فارس نگران است، بلافاصله خبرهای کذب و شایعات بی‌اساس منتشر می‌کند تا غیورمردان کرد را که با انقلاب اسلامی رابطه دیرینه دارند، وارد یک جنگ تفرقه‌انگیز مذهبی کند.

۲ـ سرمایه اجتماعی: دانشمندان سرمایه اجتماعی را منابع و انرژی‌های نهفته در جامعه می‌دانند که سبب فعال شدن ارتباطات میان مردم می‌شود. این منابع از اعتماد، همدلی و تفاهم در ارزش‌های مشترک نشئت می‌گیرد. یکی از خصوصیات انقلاب اسلامی از میان برداشتن اختلافات و شکاف‌های قومی و نژادی بوده که سبب اعتماد و همدلی بین مردم و حاکمیت شده است؛ هنگامی که حوادثی از این قبیل روی می‌دهد، همبستگی و همگرایی نمایان‌تر می‌شود. جریان‌های ضد انقلاب با مشاهده این همبستگی همواره سعی در چیدن جورچین ناقص دارند تا ضلع گم شده را اولاً به نظام نسبت دهند و ثانیاً آن را ناشی از عدم مدیریت و ضدیت با مردم قلمداد کنند.

شبکه‌های اجتماعی در این بحران با پنهان کردن نقش نیروهای انقلابی در برخی از عرصه‌ها یا نمایش تصویری معوج به دنبال آن هستند که سرمایه اجتماعی این بحران را به مباحثی چون بی‌اعتمادی به نظام، بی‌توجهی به مردم و... ارتباط دهند.

۳ـ مقابله با نیروهای مسلح: جریان ضد انقلاب که شکست‌های متعددی را از نیروهای ارتش، سپاه و بسیج در سالیان دفاع مقدس و پس از آن متحمل شده است، بحران اخیر را وسیله‌ای برای تسویه‌حساب خود قرار داده‌اند؛ در این بحران آنها با تمام توان برای اهدافی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که امکان دستیابی به آن تاکنون وجود نداشته است؛ زیرا آنها معتقدند این تنها عرصه‌ای است که می‌توان در هم‌افزایی با آمریکا و برخی از جریان‌های داخلی، محبوبیت نیروهای نظامی ایران را به چالش کشید.

اما در تبیین راهکارهای مقابله باید گفت، جریان رسانه‌ای رسمی کشور و نیروهای مسلح باید بدون توجه به جریان‌سازی رسانه‌ای شبکه‌های عنکبوتی عمده هدف خود را خدمت به مردم قرار دهند و از جنگ روانی ایجاد شده به دست جریان ضد انقلاب هراسی به خود راه ندهند؛ زیرا «از پس ظلمت دو صد خورشیدها است» و مردم خوب می‌دانند که چه کسانی به آنها کمک می‌کنند و چه کسانی در کنار گود دائم ایراد و اشکال می‌گیرند. جریان ضد انقلاب در این حادثه نیز خود را افشا خواهد کرد؛ همان‌گونه که در حوادث سوریه و عراق جریان مقاومت رشد کرد، این رفتارهای ضد انقلاب سبب رشد نسل جدیدی از مقاومت خواهد شد که بعدها توان جریان معاند نظام را به فرسایش می‌برد. تاریخ نشان داده است، راهبرد هم‌گرایی سپاه و ارتش در این منطقه برای نظام برکت‌هایی داشته است و همان‌گونه که در عملیات مرصاد نیروهای سپاه و ارتش در منطقه چهارزبر، با یک خط دفاعی مستحکم در انتظار نشستند و جریان ضد انقلاب منافقین را از هستی ساقط کردند، این کمینگاه یک بار دیگر در مسیر خط تهاجمی دشمن در عرصه رسانه‌ای قرار خواهد گرفت و بدخواهان و کینه‌توزان را رسوا خواهد کرد.

گزارش اختصاصی خبرنگاران اعزامی صبح صادق به مناطق زلزله‌زده کرمانشاه

چشم امید مردم به سپاه است

□ علیرضا جلالیان /

۵۰ساعت پس از وقوع زلزله، در نیمه‌های شب از تهران با اتوبوس عازم مناطق زلزله‌زده شدیم. از قبل با لشکر نبی‌اکرم(ص) کرمانشاه هماهنگ کرده بودیم. مقصد اولیه ستاد لشکر نبی‌اکرم(ص) بود؛ اما نکته مهم در مسیر ما تا کرمانشاه حجم زیاد خودروهای شخصی و وانت‌ها و کامیون‌های پر از تجهیزات برای زلزله‌زدگان بود که عمده رانندگان آنها هم در کنار جاده نیمه‌شب را استراحت می‌کردند تا دقایق اولیه صبح مسیر را ادامه بدهند. با ورود به ستاد لشکر، ابتدا به دفتر فرماندهی رفتیم و در آنجا تنها با معاون هماهنگ‌کننده لشکر مواجه شدیم. فرمانده، جانشین لشکر و عمده نیروهای عملیاتی در قرارگاه‌های تاکتیکی در مناطق حضور داشتند. معاون هماهنگ‌کننده می‌گفت از دقایق اولیه فرماندهان و نیروها در منطقه مستقر شده‌اند و تا الآن آنجا مانده‌اند. حتی فرمانده لشکر به وی سپرده بود تا لباس برایش بفرستند؛ چون لباسش خاکی و پاره شده بود. قرار بود با سردار ریحانی و سردار احمدی‌پور ملاقات کنیم. به همراه دو نفر از مسئولان معاونت‌های لشکر از ستاد لشکر عازم منطقه شدیم. سرهنگ کارخانه از وضعیت منطقه توضیح داد. مقصد اولیه ما شهر سرپل‌ذهاب، مقر تکاوران لشکر نبی‌اکرم(ص) بود؛ اما در این میان باید از مکان‌های مهمی، همچون تنگه چهار زبر معروف به «مرصاد» و تنگه پاطاق می‌گذشتیم.

تنگه پاطاق شروع ماجرا

حضور مردم این مناطق در چادر و سالم بودن ساختمان‌ها

عکس: حامد گودرزی

نشان می‌داد، به مرکز زلزله نزدیک نیستیم و تنها لرزه‌ها سبب ترس مردم این مناطق شده و آنها را مجبور کرده است شب را در خارج از خانه بگذرانند؛ اما زمانی که در مسیر به پاسگاه بالای طاق و سپس تنگه پاطاق رسیدیم، ریزش سنگ‌های بزرگ از کوه روی جاده و فعالیت‌های ماشین‌های مهندسی راهداری نشان می‌داد که به مرکز زلزله نزدیک می‌شویم.

همراهان ما که از مسئولان معاونت‌های لشکر بودند، می‌گفتند که از پاطاق به بعد ترافیک سنگینی وجود دارد و در مسیر هم به سبب مشکلات زیاد، مردم زلزله‌زده به کامیون‌ها و وانت‌های کمک‌های مردمی هجوم برده‌اند؛ به همین دلیل سپاه از تنگه پاطاق به بعد کاروان‌های کمک‌های مردمی را اسکورت می‌کند تا به شکل بهتری بتوانند کمک‌ها را به مردم برسانند. البته زمانی که ما رسیدیم، نیروی انتظامی مستقر شده بود و کار اسکورت و برقراری امنیت را انجام می‌داد؛ از ترافیک سنگین هم خبری نبود و این یعنی منطقه تا حدودی از وضعیت اضطراری خارج شده است.

از پاطاق به بعد دیگر ساختمان‌های تخریب شده دیده می‌شد؛ اما اوج تخریب را در خود شهر سرپل‌ذهاب مشاهده کردیم.

سر پل ذهاب ویران شده

وضعیت بدی بود. برخی خانه‌ها ظاهر سالمی داشتند؛ اما از کنار که نگاه می‌کردیم می‌دیدیم که خراب شده‌اند، آوار روی برخی ماشین‌ها ریخته بود؛ برخی ساختمان‌های بلند ریخته بودند که بیشتر کشته‌ها هم از این ساختمان‌ها بود؛ البته اوج فاجعه در خیابان اصلی شهر پیدا نبود، کمی از خیابان اصلی که خارج شدیم، خانه‌های قدیمی‌تر را دیدیم که صد درصد تخریب شده بودند؛ در این میان مسکن مهر در خیابان اصلی نمایان بود. جالب اینکه هیچ یک از ساختمان‌های مهر نریخته بودند و تنها دیوارهای قسمت پایین ساختمان‌ها در اثر حرکت شلاقی ساختمان تخریب شده بودند؛ از همین رو مشخص بود تلفات زیادی هم نداشته است؛ اما ساختمان‌های جدید با قدمت کمتری وجود داشت که یا ریخته بود یا اینکه محکم ایستاده بود و خم به ابرو نیاورده بود. تأسف‌بارتر از همه بیمارستان نوساز شهر بود که خراب شده بود و در زمانی که به آن نیاز بود، دیگر نبود.

چیزی که پس از دو روز از گذشت زلزله در شهر جلوه داشت، آوارگی و چادرهایی بود که مردم در کنار خانه‌های خود یا بوستان‌ها زده بودند. حضور پر رنگ نیروهای مسلح در کنار مردم خیلی ملموس بود. گویا ارتش چند تیپ خود در منطقه را به میدان سرپل‌ذهاب آورده بود، نیروهای بسیج و سپاه هم در شهر حضور داشتند و با نیروهای ارتش همکاری می‌کردند. تنها چند ساختمان دولتی و چند خانه در خیابان اصلی شهر سالم مانده بود و مابقی یا تخریب شده بود یا دیگر امکان زندگی در آن با توجه به پس لرزه‌ها وجود نداشت.

سپاه از جنس مردم

در مسیر داخل شهر زمانی که با خودروی سپاه و با دو نفر از برادران سپاه در حرکت بودیم، تازه متوجه شدیم که مردم منطقه چه نگاهی به سپاه دارند. با اینکه شهر در اختیار ارتش بود و نیروی انتظامی هم در شهر مستقر بود، مردم مشکلات را به همراهان پاسدار ما منتقل می‌کردند. یکی از توزیع بد امکانات می‌گفت و دیگری از حضور افراد غریبه در شهر که برای سوءاستفاده و دریافت امکانات آمده بودند، یکی هم درخواست چادر و پتو داشت. یکی احساس ناامنی می‌کرد و از دزدها صحبت می‌کرد و...؛ ما هم تماشاچی بودیم. معلوم بود در کنار همه کسانی که زحمت می‌کشند، چشم امیدشان به سپاه است.

ادامه در صفحه۲

یادداشت

نعل وارونه عدالت با بست‌نشینی!

□ مهدی سعیدی / داستان تلاش برای تحقق عدالت و مبارزه با ظلم و بیداد، داستانی به درازای طول عمر تمدن بشری است. در طول تاریخ همواره جریان عدالت‌خواه در برابر زیاده‌خواهان و تجاوزکاران ایستاده و مساوات و برابری و انصاف را طلب کرده است. گاه این جریان با پرچمداری امام عدالت، آنچنان قدرت یافته که توانسته است بساط نابرابری را برچیند و با غلبه بر جریان فاسد برای مدت زمانی تجلیاتی از حکومت عدل و داد را محقق کند؛ اما در اکثریت روزگار، داستان فراگیری ظلم و جور و حاکمیت طاغوت غلبه داشته و عدالت‌خواهان در رنج و مبارزه و تلاش برای رسوا کردن جباران به سر برده‌اند.

بی‌شک، نهضت عدالت‌خواهی در مکتب تشیع علوی در عالی‌ترین سطح خود تجلی یافته است. مکتبی که تحقق عدالت را از طریق سپردن امور جامعه به دست شایستگان و صالحان و متقین دنبال می‌کند و در دوران غیبت حجت الهی این امر را در قامت فقیه صاحب عدالت و درایت می‌یابد. این الگو توانسته است پس از چندین قرن، بر نظام طاغوت زمانه فایق آید و به برکت مجاهدت ملت، حکومت اسلامی را با شعار اقامه عدالت به پا دارد و در مسیر تحقق عینی عدالت با همه مصائب و مشکلات پیش رو قدم بردارد.

بی‌شک، نظام جمهوری اسلامی عاری از کاستی‌ها، ناتوانی‌ها و ناکارآمدی‌ها نیست و اقامه عدل علوی نیز دشوارترین کارهاست که هزاران لانه فساد و فاسد در برابر آن صف‌آرایی کرده‌اند؛ از این رو تا تحقق عدالت مطلوب فرسنگ‌ها فاصله است و انقلاب برای تحقق عدالت باید همچنان تداوم یابد؛ اما آنچه نظام اسلامی را از غیر اسلامی متمایز می‌کند، جهت‌گیری کلانی است که در جهت تحقق و گسترش عدالت در جامعه است. هرچند سرعت این حرکت به دلیل عوامل متعدد با کندی دنبال شود یا حتی خواسته یا ناخواسته ظلمی به مثابه خروجی این سیستم ثبت شود! در این صورت، باید راه هرگونه تظلم‌خواهی باز باشد و آنان که احساس می‌کنند در حقوق‌شان اجحاف شده، باید بتوانند برای اعاده حقوق‌شان مفری بیابند و امیدوار به تحقق عدالت باشند.

اما در نگاهی دیگر باید به این حقیقت توجه کرد که تظلم و عدالت‌خواهی در ذیل حکومت اسلامی و آنجا که نائب بر حق علی(ع) حکمران است، با عدالت‌خواهی در نظام ستمشاهی تفاوت ماهوی و بنیادین دارد و به اقتضای آن، تفاوت در روش‌ها و شیوه‌ها نیز وجود خواهد داشت. طبیعی است که فرهنگ تظلم‌خواهی از طریق بست‌نشینی، حضور نیافتن در دادگاه و... و همچنین با نفی اعتبار و سلامت و مشروعیت دستگاه قضایی محقق نخواهد شد! متهم کردن دستگاه قضایی به تبدیل شدن به ابزار فشار گروه‌های قدرت و ثروت بر مردم و عدالت‌خواهان! ادبیات و مرام عدالت‌خواهان واقعی نخواهد بود. چنین مدعیان عدالت‌خواهی نه تنها با تحریک عواطف و احساسات و فریب افکار عمومی گامی در جهت تحقق عدالت برنمی‌دارند، بلکه بزرگ‌ترین ظلم را که ظلم به نظام اسلامی و رهبری آن است، محقق کرده‌اند.

جالب آن است که همه این ادعاها در پس پرونده‌ای است که دستگاه قضایی برای یکی از هم‌حزبی‌ها و هم‌جناحی‌های‌شان ایجاد کرده و این‌گونه عدالت‌خواهان بدلی را برآشفته است! همین تندخویی‌ها به خوبی اغراض سیاسی پشت پرده بست‌نشینی را برملا می‌کند و آن را در حد یک مانور سیاسی بی‌اثر تقلیل می‌دهد.

سخن پایانی آنکه نباید فراموش کرد انحراف از حقیقت همواره با نام‌ها و شعارهای عوام‌فریب صورت می‌گیرد و همواره مذهب علیه مذهب علم شده تا راه هدایت و عدالت واقعی تیره و تار شود! پرچمدار واقعی عدالت در نظام اسلامی امام است که در دوران غیبت این پرچم به دست فقیه جامع‌الشرایط عادلی سپرده شده است که خود بیش از دیگران بر ضعف‌ها و قوت‌های نظام اسلامی واقف است و همو برای انتقاد و اعتراض به عملکرد دستگاه قضایی راه را باز گذاشته است؛ اما به خوبی و هوشمندانه تکرار کرده است که این حق اعتراض باید منصفانه و از طریق راهکارهای قانونی و فارغ از جنجال و فریب و شعبده‌بازی‌های سیاسی ـ رسانه‌ای دنبال شود.

طریقی که برخی از مدعیان عدالت در پیش گرفته‌اند، بیراهه‌ای است که پایانی جز انحراف و انفعال و دشمنی با عدالت و صد البته سوءاستفاده دشمنان نخواهد داشت، هر چند با شعارهای پرطمطراق و شیوه‌های پوپولیستی و عوام‌فریبانه صورت گیرد.

سؤال تریبون ۱۶
چرا عده‌ای به دنبال کم‌رنگ جلوه دادن نقش سپاه در امدادرسانی هستند؟
همراه با ۳ جایزه
پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
صفحه۱۱
آخرین فرصت پاسخ به تریبون ۱۶
۸ آذر ۹۶

دوره عرضی ـ تخصصی مدیران و کارشناسان دفاتر تأیید محتوای محصولات فرهنگی سپاه
زمان: ۱۸ آذر تا ۲۲ آذر مکان: قم ـ دانشکده شهید محلاتی(ره)

آزمون الهی و میدان ادای وظیفه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام فرمودند: «این حادثه تلخ، آزمایشی الهی و میدانی برای ادای وظیفه مسئولان است. امیدواریم این همدردی‌ها در عرصه عمل و کمک به مردم نیز با قوت ادامه یابد و از مشکلات و درد و رنج مردم با توجه به هوای سرد و در پیش‌بودن فصل دشوار سرما بکاهد. امیدواریم در اثر این محبت و برادری، برکات الهی شامل حال مردم دلاورِ سرزمین پهلوان‌پرور کرمانشاه و همه ملت ایران شود.»

گزارش

ادامه از صفحه اول

آتش به اختیار

حرکت ما در شهر ادامه پیدا کرد و ترافیکی را که ناشی از حضور نیروهای کمکی و امدادی و ماشین‌های کمک‌های خودجوش مردمی که بیشتر هم برای مناطق کردنشین اطراف و احتمالاً برخی تماشاچیان شهرهای اطراف بود، پشت سر گذاشتیم تا اینکه به محل گردان تکاور لشکر نبی‌اکرم(ص) رسیدیم. دیوارهای مقر ریخته بود و جای دیوارها سیم خاردار کشیده بودند. قسمت‌هایی از ساختمان اداری مقر هم ترک خورده بود. چند سوله در این مقر ساخته شده بود که یکی مربوط به سالن ورزشی و دیگری مربوط به استراحتگاه کاروان‌های راهیان نور بود که سالم مانده بود. مدیریت همه اتفاقات منطقه در این مقر رقم می‌خورد و همه فرماندهان سپاه هنگام حضورشان در منطقه حتماً به این محل سری می‌زنند. همه دهیاران روستاهای اطراف هم جمع بودند تا برای ادامه روند کمک‌رسانی و بهبود وضعیت امداد توجیه شوند.

افزون بر این، در این مقر تعداد زیادی از نیروهای پیشقراول گروه‌های جهادی حضور دارند که منتظر گرفتن دستور از فرماندهان برای استقرار و شروع خدمات هستند. یکی می‌گوید با نیروهای‌مان در کرمانشاه منتظر هستیم و دیگری با تیم برآورد وضعیت آمده است تا نیازها را بسنجند و بعد اعلام کنند که نیرو و امکانات بیاید. کاملاً آتش به اختیار ۳۶ ساعت پس از وقوع زلزله به منطقه آمده‌اند.

پاسداران زلزله‌زده در مأموریت

اما در مقر همه تکاوران گردان نگرانند. خیلی‌ها برای روستاها یا شهرهای اطراف هستند. برخی هم ساکن سر پل ذهابند و نگران خانواده خود هستند. بعضی‌ها تماس می‌گیرند و از وضعیت خانواده جویا می‌شوند. عده زیادی از نیروهای گردان هم در مناطق در عملیات امداد شرکت دارند. اینها اینجا در نگهبانی از مقر و دیگران در عملیات امداد به جز هم‌وطن بودن با زلزله‌زدگان یک وجه مشترک دیگر هم دارند و آن هم مصیبت زلزله‌زدگی و آوارگی خانواده است؛ اما یک فرقی هم وجود دارد، اینها به زلزله‌زدگان کمک می‌کنند، اما مطمئن نیستند آیا کسی هست که به خانواده زلزله‌زده آنها هم کمک کند.

یکی از اینها می‌گوید همسرم شش روز دیگر زایمان دارد، دیگری می‌گوید فرزندش چند روزی است به دنیا آمده، آن یکی می‌گوید من حتی نمی‌توانم ماشینم را ببرم سمت منزل تا خانواده‌ام که بدون چادر دیشب در سرما خوابیده‌اند، بتوانند در آن استراحت کنند.

همه اینها را آن لحظه از ذهن گذراندم و در کنارش تمام آن چیزی که یک عده از خدا بی‌خبر درباره سپاه و ارتش می‌گویند از خاطرم گذشت.

فاجعه در روستاها بود

کار ما در قرارگاه سپاه تمام شد و قرار شد بعد از دیدن شهر به مناطق روستایی برویم. واقعاً فاجعه را می‌شد در دشت ذهاب دید. روستاها صد درصد تخریب شده بودند. در یکی از روستاها ایستادیم. حجم انبوهی از آجر و آهن مقابل چشمان‌مان بود، اما این همهٔ مصیبت نبود؛ چرا که این کوه انبوه تنها یک خانه بود که مانع می‌شد مابقی روستا را ببینیم. وقتی از اینها گذر کردیم تازه با روستای تخریب شده مواجه شدیم. دستگاه‌های سپاه مشغول بودند. فرمانده پایگاه بسیج منطقه می‌گفت در این روستاها ۱۰۳ نفر را از زیرآوار بیرون آوردیم و تاجایی که امکان داشت غسل و کفن کردیم و نماز خواندیم و کنار هم چیدیم و با لودر بر روی آنها خاک ریختیم. تقریباً قبرها نامشخص و دسته‌جمعی است. از خانواده خود او هم در میان کشته شده‌ها بود. پدری ۹ نفر از خانواده‌اش را از دست داده بود و دیگری همه سرمایه‌اش که گوسفندانش بود تلف شده بود، لودرها بعد از آواربرداری مشغول دفن احشام بودند.

سوءاستفاده تبلیغی وهابی‌ها

این روستاها کنار جاده و نزدیک سرپل بودند و حجم زیادی کمک‌های مردمی که عمدتاً هم از شهرهای نزدیک و کردنشین رسیده بود به آنها داده می‌شد، اما باز اینجا مشکل چادر داشتند. یکی از اهالی که همراهان پاسدار ما را دید، آمد و گفت دیشب عده‌ای از وهابی‌ها آمده بودند و با تبلیغ وهابیت بین مردم کمک پخش می‌کردند.

از این روستا گذر کردیم، در مسیر، کامیون‌ها و وانت‌های بسیاری پر از بار در حرکت بودند، یکی از همراهان ما توضیح می‌داد که این منطقه سنی‌نشین است و جلوتر که می‌رویم اهل حق هستند و درباره خصوصیات آنها توضیح می‌داد. او می‌گفت این جاده‌ها تا به حال چنین شلوغی را به خود ندیده‌اند. آن هم با این حجم بالا از کمک‌های مردمی. اما مشکل اصلی به درستی مدیریت نشدن کمک‌های مردمی بود. از قضا به مسیرهای فرعی وارد شدیم و وضعیت روستا را بررسی کردیم. تعداد زیادی روستا در مسیر وجود داشت که هنوز کمک‌ها به دست آنها نرسیده بود، ماشین‌های کمک‌های مردمی پر از اقلام در جاده اصلی سرگردان بودند. وضعیت روستاها هم خوب نبود پتو و چادر به اندازه کافی نداشتند. فوری تصمیم گرفتیم که از جاده اصلی برویم و ماشین‌های کمک‌های مردمی را هدایت کنیم. اینجا بود که به جز پوشش رسانه‌ای حادثه وارد بخش امدادرسانی هم شده بودیم.

سوءاستفاده فرقه‌ها

در یک مسیر فرعی در کوهستان‌های مسیر به روستایی برخوردیم که حجم زیادی از امکانات و اقلام را از کامیون‌ها و وانت‌های کمک‌های مردمی در روستای خود دپو کرده بودند. این برای من سؤال شده بود. وقتی به روستاهای بعدی رفتیم و دیدیم هنوز به آنها هیچ کمکی نرسیده، متوجه شدیم روستاهای اول مانع از رسیدن کمک‌ها شده‌اند. ادامه در صفحه۱۲

نکته‌ونظر

چه چیزی را قسمت می کنی؟!

نکته: مردی برای خود خانه‌ای بزرگ و زیبا خرید که حیاطی بزرگ با درختان میوه داشت. در همسایگی او خانه‌ای قدیمی بود که صاحبی حسود داشت که همیشه سعی می‌کرد اوقات او را تلخ کند و با گذاشتن زباله کنار خانه‌اش و ریختن آشغال، آزارش می‌داد. یک روز صبح خوشحال از خواب برخاست و همین که به ایوان رفت، دید یک سطل پر از زباله در ایوان است. سطل را تمیز کرد، برق انداخت و آن را از میوه‌های تازه و رسیده حیاط خود پر کرد تا برای همسایه ببرد. وقتی همسایه صدای در زدن او را شنید خوشحال شد و پیش خود فکر کرد این بار برای دعوا آمده است. وقتی در را باز کرد، مرد به او یک سطل پر از میوه‌های تازه و رسیده داد و گفت: «هرکس آن چیزی را با دیگری قسمت می‌کند که از آن بیشتر دارد.»

نظر: شبکه‌های اجتماعی معاند در روزهای گذشته با مشاهده رفتار کریمانه مردم ایران با زلزله‌زدگان درصدد به حاشیه بردن این حرکت ملی بزرگ که نشئت گرفته از توصیه‌های اسلام است، هستند و به هر شکلی درصدد صدمه زدن به این رفتار نوعدوستانه ایرانیان می‌باشند، آنها با شگردهای مختلف به دنبال این هستند که مردم را با هم درگیر کرده تا مشکلات زلزله‌زدگان فراموش شود؛ اما مردم و مسئولان بدون توجه به رفتار خبیثانه آنها با بی‌اعتنایی به این جریان رسانه‌ای، به گونه‌ای کمک‌رسانی کرده‌اند که مسئولان اعلام کرده‌اند که دیگر نیازی به کمک‌های مردمی نیست. این جمله «هرکس آن چیزی را با دیگری قسمت می‌کند که از آن بیشتر دارد» در این بحران نمود واقعی یافت. مردم نوعدوستی خود را قسمت کردند و منافقان خباثت و دشمنی‌ها را.

نمایندگان شاخص دو جریان سیاسی در گفت‌وگو با صبح صادق

اشتباه محاسباتی همیشه خطرناک است

مجتبی برزگر / اولین اقدام دشمن برای به اشتباه انداختن مردم، مسئولان و نخبگان ایجاد رعب و وحشت است تا با این حربه آنها را دچار اشتباه محاسباتی کند. دشمن در تحریم‌ها به دنبال این است که ما را بی‌جهت بترساند تا در تصمیم‌گیری‌ها دچار اشتباه شویم. فضای سیاسی ـ اجتماعی کشور در چند سال اخیر به صورتی آشکار تحت تأثیر مذاکرات هسته‌ای قرار گرفته است، این مسئله بیش از هر موضوعی معلول نگاه خاص اتاق فکر دولت به مسائل و مشکلات کشور و راه‌حل‌های پیش رو برای رفع آنهاست. غرب و در رأس آن آمریکا می‌خواهد با استفاده از ابزارهای نرم و سختی که در اختیار دارد، ارزش‌های بنیادین خود را به تمامی ملت‌های جهان سرایت دهد تا آنها را غربی کند! در مقابل، انقلاب اسلامی نیز مدعی گسترش افکار و سبک زندگی موردنظر خود در سطح جهان است. در واقع، مشکل غرب و انقلاب اسلامی بیش از آنکه بر سر تحریم‌های اقتصادی یا انرژی هسته‌ای باشد؛ تضادی هویتی و بنیادی است. با این مقدمه به سراغ محمد دهقان عضو کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی و محمدعلی وکیلی عضو اصلاح‌طلب هیئت‌رئیسه مجلس رفتیم و با آنها درباره موضوع مهم و حساس «اشتباه محاسباتی» که به ویژه در حوزه سیاست خارجی شاهد آن هستیم به گفت‌وگو نشستیم، مشروح این گفت‌وگو را می‌توانید در ادامه بخوانید.

***در مقدمه اشتباه محاسباتی را تعریف کنید و در ادامه بفرمایید این موضوع در حوزه‌های مختلف به ویژه سیاست خارجی چه ابعادی دارد؟**

دهقان: اشتباه محاسباتی اصطلاحی است که چند سالی در ادبیات سیاسی کشور ما جا افتاده است! و به این معناست که طرف خارجی(یا دشمن) برای اینکه طرف مقابلش را به عقب‌نشینی وادار کند، فشارهایی به او وارد می‌کند تا او را در برآوردها و محاسباتش دچار اشتباه کند. این موضوع به نوعی بازتعریف استفاده از سیاست «چماق و هویج» است؛ سیاستی قدیمی که مستکبران و استعمارگرانی چون کشورهای اروپایی و آمریکایی‌ها در دستور کارشان داشتند. تا به واسطه این ترفند غیر بشری مقامات کشورهای ضعیف‌تر را تحت فشار قرار دهند و آنها در یک دوراهی یا تسلیم و عقب‌نشینی را بپذیرند یا اینکه فشارهای بیشتری را قبول کنند؛ چرا که در سال‌های اخیر، آمریکایی‌ها تلاش کردند از یک سو از طریق تحریم و فشارهای بین‌المللی بر ایران و از سویی دیگر حمایت از یک جریان غرب‌زده و واگرا در داخل کشور فشار وارد کنند تا برخی از انقلابیونی که مقاومت‌شان را از دست داده‌اند، یا در مسیر مبارزه خسته شده‌اند در اثر فشارهای آمریکا محاسبات‌شان تغییر کرده و عقب‌نشینی را بر مقاومت ترجیح دهند.

وکیلی: اشتباه محاسباتی در هر موضوعی می‌تواند به هدررفت منابع منجر شود و در عین حال می‌تواند زمینه از دست رفتن فرصت‌ها را فراهم کند. طبیعتاً در حوزه سیاست خارجی اشتباه محاسباتی می‌تواند خسارت دو چندانی داشته باشد؛ چرا که جبران اشتباهات محاسباتی در حوزه سیاست خارجی مانند صحنه جنگ است، همان‌طور که در صحنه جنگ، اشتباه محاسباتی جبران‌ناپذیر است، در صحنه سیاست خارجی هم به همین ترتیب می‌تواند سبب عقب نشستن یک ملت از آرزوهای خود و پیشروی دشمن و رقیب باشد؛ در واقع، موجبات تسلط سلطه‌گران را فراهم کند. به هر حال اشتباه محاسباتی در همه حوزه‌ها خسارت‌بار و در حوزه سیاست خارجی (مثل اشتباه محاسباتی در صحنه جنگ) خسارت‌بارتر است.

*** زمینه‌ها و عوامل ایجادکننده اشتباه محاسباتی چیست و چه عواقب و پیامدهایی دارد؟ آیا اشتباه محاسباتی قابل جبران است؟**

دهقان: در کشور ما بحمدالله با وجود ساختار نظام ولایت‌فقیه و حضور شخصیتی همچون رهبر معظم انقلاب که در صدر کشور قرار دارند، جلوی خسارت‌های فاحش ناشی از اشتباه محاسباتی گرفته می‌شود، اما واقعیت این است که بخشی از مسئولان دیپلماسی و بخشی از سیاستمداران ما که همواره اعلام کرده‌اند و الان اعتقادی به آن ندارند؛ در گذشته می‌گفتند ما نسبت به مذاکره خوش‌بین هستیم و از خیلی از سیاستمداران و مسئولان آمریکایی با اشتیاق یاد می‌کردند و آنها را انسان‌هایی مؤدب و باهوش می‌دانستند. حتی یک ادبیاتی هم مطرح بود که باید کدخدا را ببینیم! این خوش‌بینی‌هایی که در برخی از مسئولان ما وجود داشت به سوءاستفاده دشمن منجر شد و آمریکایی‌ها از این فضای خوش‌بینی حاکم بر برخی از مسئولان ما سوءاستفاده کردند و فشارها بر کشور که از چند سال پیش اعمال کرده بودند را افزایش دادند. از سویی هم کشور را در یک دو راهی قرار دادند که یا عقب‌نشینی از صنعت هسته‌ای را بپذیرند، یا اینکه فشارهای اقتصادی بیشتر را تحمل کنند. برخی از مسئولان خوش‌بینانه معتقد بودند که ما می‌توانیم بر روی میز مذاکره هم صنعت هسته‌ای را حفظ کنیم و هم اینکه وضعیت اقتصادی‌مان را بهبود ببخشیم. مسئولان ما به این اشتباه محاسباتی وادار شدند؛ زیرا فکر می‌کردند هم اقتصاد ما رونق پیدا می‌کند و هم صنعت هسته‌ای‌مان حفظ می‌شود. امروز همه، چه منتقدان و چه مدافعان برجام به یک نقطه رسیده‌اند و آن اینکه مذاکره با کشوری مثل آمریکا «دیوانگی» است. حتی رئیس‌جمهور کشورمان هم چندی پیش در مجلس اعلام کردند که دیگر مذاکره با آمریکا دیوانگی است. امیدواریم واقعاً ایشان به این نقطه رسیده باشند که این اشتباه محاسباتی آنقدر کشور را معطل کرد که هیچ دستاوردی نداشته باشیم. بالاخره بعضی مواقع این اشتباهات جبران‌پذیر نیست. بزرگ‌ترین دستاورد توافق هسته‌ای این بود که ما بار دیگر به بدعهدی آمریکا پی بردیم و ملت ایران به این موضوع رسید که آمریکایی‌ها واقعاً قابل اعتماد نیستند. اما خسارت‌هایی که به کشور وارد شد جبران‌پذیر نیست مانند آن اتفاقی که در زمینه تعطیلی رآکتور هسته‌ای اراک یا از دست رفتن فرصت چندساله افتاد.

وکیلی: همان‌طور که اشاره کردم اشتباه محاسباتی در حوزه سیاست خارجی شبیه اشتباه محاسباتی در میدان جنگ است. در میدان جنگ گاهی اشتباه محاسباتی در پرتو تشخیص به موقع و تدبیر لازم برای جبران می‌تواند دامنه خسارت را محدود کند، یا گاهی عدم تمکین به اشتباه محاسباتی می‌تواند جبران خسارت را تقریباً محال کند. تشخیص اینکه آیا اشتباه در محاسبات صورت گرفته، مهم است؛ اگر زودهنگام باشد قابل جبران و اگر دیرهنگام باشد می‌تواند فرصت‌ها را به تهدید تبدیل کند.

***با این اوصاف هزینه این اشتباهات با کیست؛ با مردم یا مسئولان؟**

دهقان: به طور معمول هزینه را مردم پرداخت می‌کنند و مسئولان هزینه اشتباهات‌شان را نمی‌پردازند. چون بالاخره مردم به این مسئولان رأی داده‌اند و در واقع هزینه اعتماد خودشان را پرداخت می‌کنند و مسئولان تنها رأی و جایگاه مردمی خودشان را از دست می‌دهند.

وکیلی: طبیعی است که سیبل پرداخت هزینه‌های این اشتباهات محاسباتی ناخواسته به سمت ملت می‌رود. برای اینکه از سرمایه ملی برای این اشتباهات هزینه می‌شود.

*** مسلم است که سرزدن این اشتباهات از مسئولان عملاً با مبانی دینی، انقلابی و امنیت ملی مغایرت دارد و سبب تضعیف جنبه‌های بازدارندگی کشور می‌شود. بر اساس این، باید چه برخوردی با خاطیان صورت بگیرد؟**

دهقان: به نظر من، نباید فضا را تند کنید! این فضا به ضرر نیروهای انقلابی تمام می‌شود. هزینه‌ای که نظام پرداخت کرد، برای این بود که ملت ما به سخنان رئیس‌جمهور اعتماد کرد و این باور شکل گرفت که اگر به ایشان رأی بدهند، هم سانتریفیوژها می‌چرخد و هم زندگی مردم! اما مردم امروز به این نتیجه رسیدند که اشتباه صورت گرفته است؛ حال اگر فضا را تند کنند، این مردم با وجود اینکه می‌دانند اینها اشتباه محاسباتی کرده‌اند، باز هم اعتماد می‌کنند. امروز نیازمند آن هستیم که به صورت خیلی نرم، گفت‌وگوها و انتقادات مطرح بشود و اینکه با خطاکاران چه کنیم و از این دست ادبیات، به ضرر نیروهای انقلاب است. الآن فضای کشور به نفع نیروهای انقلاب است، مشروط بر اینکه از افراط‌گری و تندروی بکاهیم.

وکیلی: اینها همه فرض‌های نظری است که شما مطرح می‌کنید. فرض بر فرض نظری همه اینها قابل طرح است. در فرض نظری اگر اشتباهی در محاسبات ناشی از تقصیر باشد، باید برای خاطی در مقیاس تقصیرش دادگاه و محاکمه و تنبیهی وجود داشته باشد؛ اما اگر اشتباه محاسباتی ناشی از تقصیر نباشد و متغیرهای فراسازمانی و فراتشکیلاتی باشد و عمدی هم در کار نباشد، یک نوع برخورد می‌طلبد و در حال عادی هم نوعی دیگر، اما در کل اشتباه در محاسبات به عنوان امر بشری رخ داده که نمی‌توان از آن چشم پوشید.

***چرا برخی از چهره‌ها و گروه‌های سیاسی از ابتدای انقلاب به دنبال تکیه به غرب هستند و با وجود شکست چندباره باز هم راه برون‌رفت مشکلات کشور را در تعامل و مذاکره و امتیازدهی به غرب می‌دانند؟**

دهقان: نظام با همه فرازونشیب‌ها به این نتیجه رسید که با اروپا و آمریکا در زمینه هسته‌ای مذاکره شود. هدف این بود که همه ملت‌های جهان و کشور ایران بدانند حرف‌هایی که آمریکایی‌ها می‌زنند، دروغ است و ما اهل منطق و مذاکره هستیم و بمب هسته‌ای هم نساختیم و نمی‌سازیم که این هدف تحقق پیدا کرد و ما توانستیم به جهان ثابت کنیم آمریکایی‌ها بسیار بدعهد هستند. از سوی دیگر تجربه‌ای به دست آوردیم که ملت ما را منسجم کرد و همه دانستند در همه زمینه‌هایی که رهبر معظم انقلاب سخن گفتند، نباید به غرب و آمریکا خوش‌بین بود. خطری که امروز کشور را تهدید می‌کند، این است که تعدادی بگویند آمریکایی‌ها بدند، ولی اروپایی‌ها خوبند! در صورتی که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تقسیم کاری انجام دادند؛ این‌گونه که آمریکایی‌ها نقش پلیس بد را ایفا می‌کنند و اروپایی‌ها کماکان ایران را پای برجام نگه می‌دارند؛ از این رو در این شرایط مذاکره مجدد با آمریکا و اروپا به طور حتم دیوانگی است.

وکیلی: در کشور ما دو نگرش وجود دارد؛ یک نگرش این است که ما با پایداری حداکثری بر اصول و حفظ روحیه انقلابی نه تنها می‌توانیم اقتدارمان را حفظ کنیم؛ بلکه می‌توانیم اقتدارمان را دوچندان کنیم. این نگرش از ابتدای انقلاب بوده و تقریباً با الهام از نظریات امام(ره) می‌توان گفت، این نظر امام بوده و بعد در رهبری انقلاب این نگرش هم وجود داشت. نگرش دوم معتقد است، ما به مرور زمان باید با دیپلماسی و سیاست‌ورزی اهداف انقلابی‌مان را در قواره سیاست‌ورزی پیش ببریم. هر دوی این نگرش در این سه چهار دهه، فرصت میدان‌داری داشتند که برخی با دستاورد روبه‌رو بود و برخی با ناکامی. می‌توان گفت، عصر کنونی عصر سیاست‌ورزی است و بدون سیاست‌ورزی در جهان پیچیده کنونی نمی‌توان آرمان‌های انقلابی را پیش برد؛ در عین حال سیاست‌ورزی بدون تعهدات انقلابی یک سیاست‌ورزی عرفی و سکولار است و تفاوتی با سیاست‌ورزی در یک سیستم غیر دینی ندارد.

***آیا اشتباه محاسباتی با پروژه نفوذ ارتباطی دارد؟ راه‌های جلوگیری از به وجود آمدن اشتباه محاسباتی در بین مسئولان چیست؟**

دهقان: کار آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها از ابتدا برای تسلط بر کشورها و اعمال سیاست‌شان در کشورها این بوده که افرادی را با چند حلقه واسطه بگمارند و با نفوذ اینها در کنار مسئولان و افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده بتوانند خواسته‌های خودشان را به مرحله اجابت برسانند. در کشور ما با وجود منافع اقتصادی و مادی که با غرب داریم، اختلافات وسیعی در ایدئولوژی و اعتقادی وجود دارد. طبیعی است که برای سیطره پیدا کردن بر کشوری، مانند ایران از همه ابزارها، به ویژه نفوذ استفاده می‌کنند؛ از جمله اینکه کسانی را پرورش می‌دهند و با عناوین مختلف در کنار مسئولان می‌گمارند تا اینها مرتب با مسئولان حرف‌هایی بزنند و مسیر سیطره غربی‌ها را بر کشور هموار کنند. دشمنان ما به ویژه آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، در پروژه نفوذ کار عمیق انجام دادند و جاسوسان گوناگونی به دستگاه‌های زیادی راه پیدا کردند و حتی در تیم هسته‌ای ما هم نفوذ کردند. در این شرایط نیازمند هوشیاری و مراقبت بیشتر مسئولان هستیم.

وکیلی: نمی‌توان ضرورتاً این دو را به هم ارتباط داد. می‌توان گفت، گاهی یک انقلابی اشتباه محاسباتی می‌کند و گاهی این اشتباه محاسباتی از یک نفوذی سر می‌زند که این لزوماً به این معنا نیست که انقلابی‌ها اشتباه محاسباتی ندارند یا نفوذی‌ها حتماً اشتباه محاسباتی خواهند داشت. نفوذی‌ها به عمد منابع را هدر می‌دهند؛ اما انقلابی‌ها گاهی ناخواسته و بدون آگاهی منابع را هدر می‌دهند. ملازمه‌ای بین این دو گزاره وجود ندارد. اینها می‌تواند تا حدود بسیاری جلوی تشدید و افزایش میزان تأثیرگذاری اشتباه محاسباتی در میان مسئولان را بگیرد.

از کودتا تا توافق با رژیم صهیونیستی برای مقابله با ایران

محمد سیروس / محمدبن‌سلمان، ولی‌عهد جوان و بی‌تجربه سعودی برای قبضه قدرت و کسب مقام پادشاهی این کشور از حدود دو سال گذشته اقدامات وسیعی انجام داده است؛ از جنگ با یمن و عقد قرارداد ۵۰۰ میلیارد دلاری با آمریکا تا آشکار کردن اتحاد با رژیم صهیونیستی و ورود به بحران‌های منطقه‌ای، از جمله با قدرتی همچون ایران.

در این راه پشتیبانی بی‌قید و شرط آمریکا، رژیم صهیونیستی و اروپا مستمسکی برای سرکشی هرچه بیشتر بن‌سلمان شد تا جایی که دست به کودتا زد و همه مخالفان و منتقدان سیاسی داخلی خود را نیز با حبس و شکنجه و حتی کشتن و بالا کشیدن اموال آنان نواخت؛ اما آمریکا و اروپا پس از آنکه دریافتند حوادث منطقه، به ویژه در موضوع لبنان به نفع آنها نیست، از موضع خود بازگشته و بر آن شدند تا حدودی را برای تحرکات هم‌پیمان عربستانی‌شان تعیین کنند.

آمریکایی‌ها از بی‌پروایی سعودی به شدت نگران شدند تا آنجا که وزیر مشاور عربستان، ثامرالسبهان، طی سفر اخیر خود به واشنگتن، توبیخ سختی از سوی مسئولان آمریکایی دریافت کرد؛ آمریکایی‌ها رفتار سعودی‌ها در برابر لبنان را شتابزده و بدون فکر خواندند که به منافع ایالات متحده در لبنان آسیب می‌زند!

اما برگ اصلی این ماجراجویی‌ها، اقدامات سعودی علیه کشورمان است که پشت صحنه‌هایی دارد. روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» در این باره نوشت: «رویکرد آل‌سعود علیه ایران بر راهبرد امنیتی اسرائیل هم غلبه می‌کند؛ برای توقف نفوذ ایران به یمن حمله کرد، به حماس هشدار داد روابطش با ایران را احیا نکند و حتی به واشنگتن فشار آورد که علیه تهدیدات ایران اقدامی انجام دهد. هیچ کشوری جز آمریکا این چنین در تقابل با ایران قدم برنمی‌دارد.»

اما پایگاه خبری سعودی «ایلاف» به تازگی گفت‌وگویی با رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی انجام داد که در نوع خود بی‌سابقه بوده و نشان از بیچارگی و تکیه کامل سعودی به صهیونیست‌ها دارد. وی در این مصاحبه از آمادگی رژیم صهیونیستی برای همکاری‌های اطلاعاتی با عربستان خبر داد و گفت: «عربستان سعودی و اسرائیل منافع مشترکی در ضدیت با ایران دارند.» گادی آیزنکوت افزود: «توافق کاملی میان ما و عربستان سعودی وجود دارد، حتی یک روز هم میان ما دشمنی نبوده و نه آنها با ما جنگیده‌اند و نه ما با آنها جنگیده‌ایم.» وی تأکید کرد: «ما توافق کاملی با عربستان سعودی درباره ایران و ضرورت مقابله با آن در منطقه داریم.» او با میانه‌رو خواندن رژیم‌های مرتجع و سازشکار عربی، همچون حکومت سعودی افزود: «آمادگی داریم تجارب خود را به کشورهای عربی میانه‌رو منتقل کرده و اطلاعات خود را برای مقابله با ایران با آنها مبادله کنیم.»

اخبارویژه

انتقاد از عملکرد فراکسیون امید

نماینده مجلس ششم و عضو شورای شهر تهران با انتقاد شدید از عملکرد فراکسیون امید مجلس، گفت: «در اقلیت بودن بهتر از فراکسیونی است که به نام اصلاحات و به کام دیگران تشکیل شده است.»

شهربانو امانی که احتمالاً هنوز در فضای مجلس ششم است، افزود: «فعالان اصلاح‌طلب عنوان کردند چرا لیست امید در مجلس رفتار حزبی و فراکسیونی نکرد و به سمت فردگرایی تمایل یافت؟»

جذب گردشگر به شیوه صهیونیستی

بر اساس گزارش پایگاه آمریکایی «carbonated»، رژیم صهیونیستی پایگاه‌هایی آموزشی برای جذب هزاران گردشگر از طریق شبیه‌سازی کشتار فلسطینی‌ها احداث کرده است! صهیونیست‌ها این شیوه را فرصتی قلمداد می‌کنند تا گردشگران، نقش نظامیان صهیونیستی را ایفا کنند و وارد تجارب جنگی آنها برای سرکوب فلسطینی‌ها شوند و از آن لذت ببرند.

افزایش کمک نظامی آمریکا به اروپا

روزنامه روسی «نیزاویسیمایا گازیتا» نوشت: «آمریکا تصمیم گرفته است بودجه‌ای معادل ۴/۶ میلیارد دلار برای مقابله با «تهدیدات روسیه» در چارچوب برنامه «ابتکار عمل‌های اروپایی برای بازدارندگی روسیه» با هدف ایجاد ستادهای فرماندهی مضاعف و همچنین مرکز اجرای عملیات سایبری، با کمک ناتو هزینه کند.» این سند در پایگاه رسمی کمیته نیروهای مسلح مجلس سنای کنگره آمریکا منتشر شده است. از این مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار آن تنها برای کشورهای منطقه «بالتیک» اختصاص دارد.

روی خط خبر

وصیت‌نامه هاشمی کجاست؟!

در شرایطی که تعداد زیادی از هموطنان‌مان در کرمانشاه در انتظار امدادرسانی هستند و دغدغه اصلی افکار عمومی، یافتن راهی برای کمک‌رسانی به حادثه‌دیدگان است، رسانه‌های اصلاح‌طلب به دنبال وصیت‌نامه هاشمی هستند. در همین رابطه «روزنامه اعتماد» در گزارشی با عنوان «وصیت‌نامه آیت‌الله کجاست؟» نوشت: «هنوز نتوانسته‌ایم وصیت‌نامه اصلی ایشان را که خبر داریم نوشته و در جایی گذاشته بود، پیدا کنیم!»

یک فعال سیاسی معتقد است: واقعیت‌های محاط بر شخصیت وی مؤید آن است که هیچ وصیت‌نامه‌ای وجود ندارد و هاشمی‌رفسنجانی اساساً چندان دغدغه وصیت‌نامه‌نویسی در عداد وصیت‌نامه‌های شخصیت‌های برجسته سیاسی نداشته‌اند. کما اینکه یگانه وصیت‌نامه موجود از ایشان نیز تنها یک صفحه A۴ را شامل می‌شده که آن هم به اجمال ناظر بر احوالات و املاک خصوصی ایشان بوده است.

آقای وزیر دقیقاً کجایی؟!

با گذشت چندین روز از حادثه تلخ زمین‌لرزه در کرمانشاه، برخی روزنامه‌ها در اقدامی غیراخلاقی همچنان مشغول موج‌سواری سیاسی بر اندوه مردم هستند. این در حالی است که بیش از ۴ سال از حضور ضعیف‌ترین وزیر کابینه یازدهم و دوازدهم می‌گذرد و او باید درباره کارنامه خود در خصوص مسکن پاسخگو باشد، اما در روزهای اخیر هیچ خبری از وی نیست.

بی‌صداقتی این روزنامه‌ها در واکنش به زلزله کرمانشاه آنجا نمایان می‌شود که این جماعت به هیچ عنوان از دستگاه و وزارت مربوطه مطالبه‌گری نمی‌کنند. اکنون باید «وزیر» درباره عملکرد خود پاسخگو باشد.

با وجود تکذیب تأئید شد!

گرچه توافق بر سر تغییر در کابینه در جلسه اخیر سران قوا، از سوی دولت به شدت تکذیب شد اما رئیس دفتر رئیس‌جمهور، تلویحاً توافق میان رئیسان دولت و مجلس برای تغییر ساختار دولت را تأیید اما به جای کلمه توافق از تفاهم استفاده کرد. محمود واعظی در این باره گفت: این موضوع که میان رئیس‌جمهور و رئیس مجلس بحثی صورت گرفته باشد امری طبیعی است و توافقی صورت نگرفته است چرا که این موضوع به تمامی نمایندگان مجلس بازمی‌گردد که باید درباره آن اظهار نظر کنند پس در اینجا توافق میان رؤسای مجلس و دولت معنا ندارد بلکه باهم تفاهم می‌کنند که کارها چگونه پیش رود چرا که تصمیم در این زمینه با مجلس است.

افزایش ۷۶ هزار میلیاردی بدهی دولت به بانک‌ها

دولت بزرگ‌ترین بدهکار بانکی است و در حالی این بدهی‌ها روزبه‌روز افزایش می‌یابد که مجموع این رقم با روندی فزاینده به بیش از ۲۳۷ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به دو سال گذشته در حدود ۴۷ درصد رشد داشته است. براساس تازه‌ترین آماری که بانک مرکزی، مجموع بدهی بخش دولتی به بانک‌ها و بانک مرکزی از حدود ۱۶۱ هزار میلیارد تومان در پایان شهریورماه ۱۳۹۴، به بیش از ۲۳۷ هزار میلیارد تومان در پایان شهریورماه سال جاری رسیده که نشان از رشد حدود ۷۶ هزار میلیاردی طی این دو سال دارد.

گاف بزرگ ضدانقلاب

یک کانال ضدانقلاب در ادامه دروغ‌پراکنی‌های خود، این بار با انتشار یک ادعای دروغین، گاف بزرگی داد. پس از انتشار کلیپی در کانال ضدانقلاب «آمدنیوز» و ادعای نمایشی بودن صحبت‌های فرمانده کل سپاه در برابر دوربین‌های رسانه ملی که طی مستندی پخش شد، مردم به صورت خودجوش با انتشار یک فیلم کوتاه و توضیحات بسیار ساده، سیاست تخریب سپاه و ایجاد تفرقه منافقین را به چالش کشیدند.

رخداد

خلع سلاح حزب‌الله، فتنه جدید آل‌سعود

□ **محمدرضا مرادی /** شکست‌های متعدد عربستان در منطقه سبب شده است این کشور به دنبال نوعی جبران باشد. عربستان تلاش زیادی در شش سال گذشته برای غلبه بر محور مقاومت به عمل آورد؛ اما در نهایت در همه جبهه‌ها بازنده شد. حمله برق‌آسا و دو هفته‌ای یمن در سال ۹۴ اکنون ۳۲ ماه به طول انجامیده است و آل‌سعود در تیررس موشک‌های انصارالله قرار گرفته است. بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه امروز بیش از هر زمان دیگری موفق به شکست تروریست‌ها در سوریه شده و شهر البوکمال، آخرین شهر سوریه که در اشغال داعش بود، به تازگی آزاد شد و تلاش برای ایجاد موج تجزیه در عراق نیز با شکست مواجه شد.

عربستان دلیل اصلی همه این شکست‌ها را به ادعای خود، ایران می‌داند و از همین رو به دنبال آن است که با ایران مقابله کند. ریاض به خوبی می‌داند هرگز توان رویارویی با ایران را ندارد؛ بنابراین به دنبال فشار وارد کردن بر متحدان ایران است.

در این میان، حزب‌الله لبنان جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چرا که حزب‌الله توانسته است هم در عرصه داخلی و هم در عرصه منطقه‌ای پروژه صهیونیستی- سعودی را با شکست مواجه کند. در عرصه داخلی پس از آنکه سال گذشته عربستان مجبور به عقب‌نشینی در برابر حزب‌الله شد و با گزینه حزب‌الله برای ریاست‌جمهوری موافقت کرد، تصمیم داشت از طریق سعد حریری نخست‌وزیر لبنان به نوعی حزب‌الله را به حاشیه براند؛ اما موفق نشد. از سوی دیگر، در عرصه خارجی نیز اقدامات حزب‌الله علیه تروریسم در سوریه و مقابله با تروریست‌ها در داخل لبنان نیز برخلاف نقشه‌های عربستان بود؛ به همین دلیل عربستان برای جبران شکست‌های خود سعی دارد لبنان را وارد آشوب و بی‌ثباتی کند. در همین راستا، «سعد حریری» نخست‌وزیر لبنان شنبه (۱۳ آبان ماه) به صورت کاملاً ناگهانی و در ریاض از سمت خود استعفا کرد. استعفای حریری دقیقاً بلافاصله پس از دو سفر متوالی وی به عربستان سعودی و دیدار با مسئولان این کشور اعلام شد.

نشریه بریتانیایی «ایندیپندنت» با انتشار مقاله‌ای به قلم «رابرت فیسک» اعلام کرد، استعفای سعد حریری از نخست‌وزیری لبنان نه به میل خود، بلکه به اجبار عربستان سعودی بود. پس از این استعفا، رسانه‌ها از اقامت اجباری و حصر خانگی سعد حریری گزارش‌هایی را منتشر کردند و در نهایت سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان هم اعلام کرد، حریری در زندان سعودی‌ها است.

عربستان سعی دارد با ملتهب کردن اوضاع لبنان، زمینه‌های درگیر کردن حزب‌الله در داخل کشور را فراهم کند تا این جنبش از بازیگری در منطقه باز داشته شود. در واقع، عربستان می‌کوشد از این طریق به نوعی زمینه را برای خلع سلاح حزب‌الله فراهم کند. در اولین سخنرانی زنده سعد حریری نیز که یک‌شنبه شب منتشر شد، وی در شرایطی که به نظر می‌رسید به شدت تحت کنترل است و کلماتی را تحت فشار به زبان می‌راند، از لزوم تبدیل شدن حزب‌الله به یک حزب سیاسی سخن گفت. در واقع، این همان هدف اصلی عربستان است تا با تقلیل جایگاه حزب‌الله به یک حزب سیاسی زمینه خلع سلاح آن را فراهم کند. در اوضاع کنونی، عربستان از تبدیل شدن حزب‌الله به یک الگوی منطقه‌ای به شدت هراس دارد؛ چرا که ریاض بارها اعلام کرده است هدف اصلی تشدید حملات در یمن مقابله با ایجاد حزب‌الله دوم (انصارالله) در مرزهای جنوبی عربستان است. از این رو فتنه جدید عربستان با این هدف صورت گرفته است که زمینه‌های خلع سلاح حزب‌الله فراهم شود. تشدید تحریم‌های حزب‌الله از سوی آمریکا نیز که به تازگی صورت گرفت، در همین راستا ارزیابی می‌شود، اما نکته‌ای که آل‌سعود در این زمینه فراموش کرده، این است که حزب‌الله در جامعه لبنان نهادینه شده و این حزب دیگر جزئی از هویت لبنان شده است؛ بنابراین تلاش‌ها برای حذف آن بی‌فایده خواهد بود.

دیدگاه

ترکش‌های برکان بر قلب ریاض و مرعوبان داخلی

□ **حسین عبداللهی‌فر /** وقتی موشک «برکان ۲» از سوی ارتش یمن شلیک شد و پس از طی هزار کیلومتر سالن‌های اصلی فرودگاه بین‌المللی پایتخت عربستان را تخریب کرد، واکنش‌های تند سیاسی و روانی مقامات سعودی که باخت خود را در برابر سلاح راهبردی انصارالله حتمی می‌دیدند، پیش‌بینی می‌شد؛ اما موج تخریبی ترکش‌های آن بر امنیت ملی و مسائل سیاسی داخل ایران باورناپذیر به نظر می‌رسید.

منازعه سیاسی ناشی از شلیک این موشک از آنجا آغاز شد که روزنامه «کیهان»، خرسندی خود از این برتری نظامی را نشان داد و وعده داد ابوظبی هدف بعدی است.

این در حالی بود که مقامات عربستان که نتوانسته بودند اصابت موشک انصارالله را پنهان کنند، این شلیک را به ایران نسبت داده و مدعی محفوظ بودن حق دفاع از خود شدند.

ادعای واهی و البته قابل پیش‌بینی دولتمردان ناپخته آل‌سعود سبب شد تا برخی در داخل کشور احساس خطر کرده و با نابخردانه خواندن تیتر کیهان، خواستار توقیف این روزنامه شوند. خواسته‌ای که برای چند روز محقق شد؛ اما ماجرا به اینجا ختم نشد و عده‌ای که به دنبال گرفتن ماهی خود از این آب گل‌آلود بودند، با به صدا درآوردن ناقوس جنگ در منطقه تنها راه جلوگیری از جنگ را آغاز «برجام موشکی» قلمداد کردند.

نقیب‌زاده، کارشناس روابط بین‌الملل در سرمقاله «آرمان» نوشت: «بهتر است ما هم با آغاز مذاکره خطر جنگ و تحریم را از سر بگذرانیم. اگر مذاکره نکنیم ممکن است که اروپایی‌ها مواضع تند و تیز آمریکایی‌ها را در این مورد همراهی کنند.

عربستان نیز یکی از کشورهایی است که به طور مستقیم می‌تواند از سامانه‌های موشکی ایران آسیب و لطمه جدی ببیند. بنابراین عربستان هم از این موضوع حمایت می‌کند. البته عربستان همچون آمریکا مواضع تندوتیزی در قبال این موضوع دارد. اروپایی‌ها کار خودشان را خواهند کرد و سیستم تدافعی ایران را خواهند پذیرفت؛ اما این سؤال هم برای آنها وجود دارد که هدف این موشک‌ها دقیقاً چیست؟ چون دامنه و برد موشک‌های ایران ممکن است به اروپا هم برسد.»

وی افزون بر گذاشتن موشک‌های دفاعی ایران روی میز مذاکره با اروپا، به خواسته دیگر غرب در زمینه محدودسازی قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی نیز اشاره کرد و نوشت: «البته نکته دیگری که در مذاکرات هست، آن چیزی است که آنها مداخلات ایران در منطقه می‌نامند. آن‌گونه که از فحوای کلام مطبوعات و رسانه‌های اروپایی بر می‌آید، آنها برای ایران منافعی را در عراق و افغانستان به رسمیت می‌شناسند؛ ولی به طور مثال برای ایران منافعی در یمن قائل نیستند. بیش از این را مداخله‌آمیز می‌دانند و خواهان مذاکره در این زمینه هستند.»

وی در نتیجه این یادداشت خود می‌نویسد: «همان‌گونه که اروپایی‌ها دیگر شرط‌های قبلی خود را در مورد آینده سوریه تکرار نمی‌کنند و منافع ایران در سوریه را به رسمیت شناخته‌اند، به خوبی از نقش ایران در مبارزه با داعش آگاهند و البته به این نتیجه هم رسیده‌اند که رفتن بشار اسد به بهتر شدن اوضاع سوریه منجر نخواهد شد، در مقابل ایران هم می‌تواند در صورتی که منافعش ایجاب کند، منافع متحدان اروپایی را در مناطقی نظیر یمن به رسمیت بشناسد.»

البته این عجیب نیست که این وادادگی و چراغ سبز به غرب خطری برای امنیت ملی قلمداد نمی‌شود و کسی سخنی از توقیف روزنامه‌های منتشر کننده این مطالب به میان نمی‌آورد؛ اما تعجب‌آور این است که در هنگامه‌ای این پیشنهادهای مرعوبانه مطرح می‌شود که برجام یک بدون هیچ موفقیتی در بن‌بست قرار گرفته و برای کان لم یکن شدن روزهای برزخی خود را می‌گذراند. عده‌ای به خود جرئت می‌دهند با همان بهانه «کم کردن سایه جنگ»، موضوع مذاکرات موشکی را با وقاحت تمام در حالی مطرح کنند که از سوی همه مسئولان کشور خط قرمز و غیر قابل مذاکره اعلام شده است.

تبیین

شاخصه‌های هندسهٔ اقتدار علمی از منظر امام خامنه‌ای

□ **حسن خدادی /** رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار پرشور هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم در شهریور ماه سال ۱۳۹۴، با هشدار درباره تلاش‌های فریبکارانه آمریکا برای نفوذ از برخی روزنه‌ها، «اقتصاد قوی و مقاوم»، «توسعه روزافزون علم» و «حفظ و تقویت روحیه انقلابی‌گری به خصوص در جوانان» را راه‌های دستیابی به اقتدار ملی و سه دلیل مقابله مقتدرانه با دشمنی‌های پایان‌ناپذیر شیطان بزرگ اعلام کردند. در واقع معظم‌له بر روی «اقتدار اقتصادی»، «اقتدار علمی» و «اقتدار انقلابی» تأکید داشتند. در این مقاله برآنیم شاخصه‌ها و سنجه‌های این هندسهٔ اقتدار علمی را در اندیشهٔ رهبری تبیین کنیم.

۱ـ مرجعیت علمی و عزت علمی/ یکی از دلایل موفقیت کشورهای غربی، تکیه بر علم است. به عبارتی، دلیل موفقیت آنها در بسیاری از زمینه‌ها علم است، همانطور که دلیل بسیاری از مشکلات آنها دوری از خداوند است؛ اما با همه این اوصاف، رهبر معظم انقلاب ما را به انصاف در تحلیل دعوت می‌کنند و به همین دلیل منصفانه به تحلیل پیشرفت‌های غربی می‌نشینند. به نظر ایشان سلطه و سیادت غرب و آمریکا (اصطلاحاً هژمونی آمریکا) ناشی از علم است. ایشان همچنین علم را مبنای تولید ثروت غرب می‌دانند. اگرچه مقداری از کسب ثروت ناشی از فریبکاری و خباثت و سیاست‌ورزی ماکیاولیستی است؛ بنابراین رهبر معظم انقلاب تأکید دارند: «کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا»(۱۳۸۷/۹/۲۴)

۲ـ جهاد علمی/ جهاد یکی از مفاهیم اساسی مکتب اسلام است. به عبارتی، واژه جهاد حکایت از امری مقدس و پر اجر و ثواب دارد. از منظر رهبر معظم انقلاب تولید علم امر مقدسی است. «من امروز به شما عرض می‌کنم... امروز تولید علم... یک جهاد است. مجاهد فی سبیل‌الله تولیدکننده است؛ باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم.»(۱۳۸۵/۱/۱)

۳ـ علم به مثابه قدرت/ اندیشمندان مختلف سازوکارها و ابزارهای مختلفی را برای کسب قدرت برتر در سطح بین‌الملل متصور هستند. گروهی قائل به قدرت نظامی‌اند. گروهی هم روی مسئله انباشت ثروت تأکید دارند؛ اما نکته مهم این است که علم پایه و اساس بسیاری از قدرت‌ها است. به ویژه اینکه امروزه در عرصه نظامی هم تحولات و تغییرات اساسی با علم رخ خواهد داد و از طریق علم می‌توان انباشت ثروت را به درستی مدیریت کرد؛ از این رو رهبر معظم انقلاب معتقد است: «هر کسی که علم را پیدا کند، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند.» ایشان به حدیثی از امام علی(ع) اشاره می‌کنند: «العلم‌سلطان، من وجده صال و من لم یجده صیل علیه»؛ یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت. (۱۳۸۵/۱۱/۱۳)

۴ـ چرخه علم و فناوری/ زنجیره علم و فناوری دارای اجزایی است که عبارتند از؛ ایده و فکر، علم، فناوری، تولید و سپس بازار. رهاسازی هر یک از این حلقه‌ها زیان‌هایی را به دنبال دارد. یکی از تفاوت‌های اساسی کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته (اعم از غربی و غیر غربی) در تکمیل این زنجیره نهفته است. به عبارتی در کشورهای پیشرفته زنجیره علم و فناوری به درستی تکمیل می‌شود. از این رو فعالیت علمی در نهایت سبب سوددهی به کلیت اجتماع می‌شود؛ اما در کشورهای در حال توسعه عموماً این زنجیره ناقص باقی می‌ماند. بنابراین رهبر معظم انقلاب روی تکمیل زنجیره علم و فناوری تأکید دارند. «... زنجیره علم و فناوری... یعنی این زنجیره از ایده و فکر و سپس علم و سپس فناوری و سپس تولید و سپس بازار را ما باید تکمیل بکنیم والّا اگر چنانچه ما کار تحقیقاتی را کردیم، به فناوری هم رسیدیم، امّا مثلاً تولید انبوه نشد، یا بازار برایش پیش‌بینی نشد، این ضربه خواهد خورد؛ همه اینها بایستی مورد توجّه قرار بگیرد و این زنجیره کار علمی، تا تولید و بازار بایستی دنبال بشود؛ یعنی نگاه‌ها باید روی مجموع این زنجیره باشد.»(۱۳۹۲/۶/۶)

یادداشت

اربعین پدیده‌ای هویت‌ساز در جهان اسلام

□ **دکتر یدالله جوانی /** پدیده عظیم و اعجاب‌برانگیز اربعین با حضور عاشقان و زائران حضرت اباعبدالله الحسین(ع) از حدود یک‌صد کشور جهان، پدیده‌ای نیست که بتوان به راحتی از کنار آن عبور کرد. راه‌پیمایی بزرگ اربعین در مسیر نجف تا کربلا، پدیده منحصر به فردی است که ابعاد و زوایای گوناگونی برای بررسی دارد. عجیب آن است که هرکس با وجود برخی از سختی‌های سفر، موفق به حضور در این راه‌پیمایی بزرگ می‌شود، از خدا می‌خواهد همه سال توفیق زیارت اربعین سالار شهیدان و شرکت در این اجتماع عظیم انسانی را نصیبش بگرداند. اجتماع بزرگ و راه‌پیمایی بی‌نظیر اربعین را می‌توان از بعد فردی و تأثیر آن بر معنویت‌افزایی و تهذیب نفس، از بعد بین‌المللی و ارتباط میان ملت‌های مسلمان و حتی پیروان ادیان توحیدی و همچنین از بعد سیاسی و فرهنگی مطالعه کرد. مختصات مراسم اربعین، به گونه‌ای است که می‌توان به درستی آن را یک پدیده هویت‌ساز در جهان اسلام دانست. جهان اسلام و مسلمانان برای عبور از وضعیت کنونی، نیازمند کسب هویت واقعی خود براساس تعالیم و آموزه‌های اسلام ناب هستند. شواهد، قراین و مطالعات اولیه انجام شده بر روی راه‌پیمایی عظیم اربعین در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد این پدیده شگفت‌انگیز از ظرفیت‌های لازم برای هویت‌سازی در جهان اسلام برخوردار است. مسلمانان برای رهایی از چنگال مستکبران عالم به سرکردگی آمریکا، برای رهایی از دست دولت‌های مستبد، فاسد و وابسته به قدرت‌های شیطانی و برای پایان‌بخشی به نفوذ صهیونیسم بین‌الملل در برخی از سرزمین‌های اسلامی، نیازمند مؤلفه مبارزه در وجود خود هستند.

مسلمانان تنها در پرتو مبارزه می‌توانند به عظمت واقعی و در شأن اسلام دست یابند. اربعین آن پدیده منحصر به فردی است که می‌تواند روح مبارزه در راه خدا و کسب عزت اسلامی را در مسلمانان عالم زنده کنند. رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مسئولان و فعالان فرهنگی استان‌های آذربایجان شرقی و قم در هفته گذشته، با تجلیل از پدیده باشکوه و حیرت‌انگیز راه‌پیمایی اربعین، این راه‌پیمایی عظیم را نشانه گسترش روح مبارزه و مجاهدت در راه خدا و آمادگی برای شهادت در همه جهان اسلام دانستند و فرمودند: «حضور این جمعیت عظیم از نقاط مختلف دنیا با وجود تهدیدهای تروریستی، پدیده‌ای عظیم و نشان‌دهنده اوج گرفتن تفکر مبارزه در راه خدا و آمادگی عمومی و همگانی در این راه است.»

مراسم راه‌پیمایی بزرگ اربعین، به دلیل ظرفیت‌های فراوانی که برای تعالی‌بخشی به مسلمانان دارد، به شدت مورد بایکوت خبری رسانه‌های غربی قرار دارد. رسانه‌های غربی که برخی حوادث جهان اسلام را با آب و تاب گزارش داده و درباره آن تحلیل و تفسیر می‌کنند، نسبت به پدیده شگفت‌انگیز اربعین سکوت پیشه کرده‌اند. سکوت غربی‌ها در این زمینه، خود دلیل مستقلی برای عظمت این پدیده و ظرفیت‌های آن برای هویت‌سازی صحیح و رهایی‌بخش در جهان اسلام است. البته محل تردیدی نیست و نباید تردید داشت که دشمنان اسلام و مسلمانان، برای از بین بردن ظرفیت‌ها و قابلیت‌های این پدیده عظیم، از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد؛ از این رو مسلمانان و دست‌اندرکاران این حرکت فوق‌العاده راهبردی در عصر حاضر، باید مراقب مکرها و حیله‌های شیطانی دشمنان باشند.

شرط لازم برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های اربعین به منظور هویت‌سازی، شناخت درست و درک عمیق از این پدیده است. پدیده‌ای که از اساس یک حرکت فرهنگی و تولیدکننده قدرت نرم برای مسلمانان به شمار می‌آید. این پدیده ابعاد کیفی و کمّی داشته و اساساً بعد کیفی آن بر بعد کمّی‌اش غلبه دارد.

ادامه در صفحه ۱۲

اخبار

علوم انسانی افرادی خودخواه و سودجو تحویل جامعه می‌دهد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه شاکله علوم انسانی در ایران را جریان‌های فراماسونر پایه‌گذاری کرده‌اند، گفت: «این گروه‌ها به دنبال این هستند که استقلال کشور را از بین ببرند.» شهریار زرشناس با اشاره به پیوند شدید علوم انسانی با نئولیبرالیسم در سه دهه اخیر، اذعان داشت: «جریانی که با محوریت عبدالکریم سروش پس از انقلاب فرهنگی شکل گرفت، تماماً آموزه‌های غربی را سرلوحه کار خود قرار داد.» وی حاصل علوم انسانی کنونی را سبک زندگی‌ای دانست که با مبانی مردم ما کاملاً در تضاد خواهد بود و در ذات خود افرادی خودخواه و سودجو تحویل جامعه می‌دهد.»

این استاد دانشگاه، علوم انسانی شبه‌مدرن فعلی را مقلدانه و نسبت به علوم انسانی مدرن کشورهای متروپل ناکارآمدتر عنوان کرد و افزود: «علوم انسانی کنونی ما را به سمت بی‌عدالتی، فقر و مدیریت رانت‌خوار خواهد برد.» دکتر زرشناس تحول در ساختار اقتصادی و علوم انسانی را از ضروریات مهم وضعیت کنونی انقلاب دانست و تأکید کرد: «اگر می‌خواهیم بر ناکارآمدی‌ها غلبه کنیم، باید علوم انسانیِ اسلامی داشته باشیم.»

واشنگتن شریک جرم و جنایت‌های آل‌سعود در یمن است

عضو مجلس سنای آمریکا با انتقاد شدید از دولت این کشور، گفت: «اگر حمایت و پشتیبانی واشنگتن نبود، فاجعه انسانی یمن رخ نمی‌داد.» کریس مورفی با اشاره به شیوع وبای کلر در یمن، از مجلس سنا و دولت‌های اوباما و ترامپ انتقاد کرد و گفت: «طرحی را ارائه دادیم که به موجب آن نتوان اسلحه به آل‌سعود فروخت؛ اما این طرح با مخالفت مواجه شد. دولت‌های اوباما و ترامپ در این زمینه به یک اندازه مسئولیت دارند؛ هر دو در این راه کوتاهی‌های محسوسی کرده‌اند.» عضو حزب دموکرات درباره نقش ایالات متحده در این جنایت گفت: «بمب‌افکن‌های آل‌سعود از ما بنزین دریافت و با اطلاعات ماهواره‌ای و جاسوسی آمریکا اهداف حملات را مشخص می‌کنند.»

گفتنی است، با افزایش حجم و ابعاد جنایت انسانی یمن، اعتراضات کشورهای مختلف و سازمان ملل به مرور جدی‌تر می‌شود و همین موضوع سبب سرایت اعتراضات به درون هیئت حاکمه آمریکا شده است. روزنامه «دیلی‌تلگراف» چاپ لندن نیز با هشدار نسبت به وضعیت انسانی بسیار ناگوار ناشی از محاصره بسیار سخت آل‌سعود بر بنادر و فرودگاه‌های یمن نوشت: «بیش از ۵۰ هزار کودک طی یک ماه آینده در آستانه مرگ قرار دارند و با شیوع نوع جدیدی از باکتری کشنده دیفتریا که می‌تواند دستگاه تنفسی آنان را از کار بیندازد، اوضاع بسیار وخیم شده است.»

قاچاق کالا از مبادی رسمی ادامه دارد!

دقیقاً دو روز پس از آنکه مسعود کرباسیان، وزیر اقتصاد پس از دیدار با دبیرکل سازمان جهانی گمرک در پاسخ به این پرسش که چرا همچنان شاهد قاچاق کالا از مبادی رسمی هستیم، گفت که ما از مبادی رسمی قاچاق نداریم، وزارت اطلاعات اعلام کرد: «با تلاش سربازان گمنام امام زمان (عج)، هزار و ۱۲۸ کانتینر کالای قاچاق در گمرک بندرعباس کشف شده است.» روابط عمومی وزارت اطلاعات درباره جزئیات این موضوع چنین توضیح داده است: «در پی اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی سربازان گمنام امام زمان(عج) در اداره‌کل اطلاعات استان هرمزگان و با هماهنگی دستگاه قضایی، یک باند سازمان یافته قاچاق کالا شناسایی و منهدم شد و ۲۳ نفر از اعضای آن دستگیر و تحویل مراجع قضایی شدند.» روابط عمومی وزارت اطلاعات افزوده است: «در تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده، تعداد هزار و ۱۲۸ کانتینر قاچاق شامل لوازم اداری، خانگی، ورزشی، ساختمانی و هتل‌داری در سال‌های ۹۴ تا اوایل ۹۶ از سوی این عده اثبات شده است. در این تحقیقات مشخص شد متهمان با استفاده از اسناد مجعول و اظهار خلاف واقع و همچنین تبانی با برخی از کارکنان دستگاه‌های مختلف، اقدام به خروج غیرقانونی این میزان کالا از گمرک کرده‌اند.» گفتنی است، «مسعود کرباسیان» وزیر اقتصاد فعلی در دولت یازدهم ریاست گمرک کشور را عهده‌دار بوده است.

توتال مردم و دولت ایران را به تمسخر گرفته است

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به اظهارات اخیر مدیرعامل شرکت نفتی فرانسوی توتال مبنی بر اینکه در صورت اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران قرارداد با این کشور را رها خواهیم کرد، اظهار داشت: «پس از انقلاب اسلامی همواره شاهد بازی‌های تلخی از سوی شرکت‌هایی، نظیر توتال علیه کشورمان بوده‌ایم.»

محمداسماعیل سعیدی اذعان داشت: «سال گذشته نیز که زمزمه‌های قرارداد مجدد دولت با این شرکت در زمینه پروژه‌های نفتی مطرح شد، به مسئولان دولتی متذکر شدیم که توتالی‌ها به عهدشکنی، پیمان‌شکنی و تبعیت از سیاست‌های آمریکایی‌ها شهره هستند و از حسن نیت طرف ایرانی سوءاستفاده خواهند کرد، بنابراین نباید بار دیگر این اجازه به آنها داده شود که ملت ایران را به تمسخر بگیرند که هر لحظه خواستند قرارداد را به حال خود رها کنند.»

وی تأکید کرد: «وزارت نفت باید در مقابل اظهارات مدیرعامل این شرکت واکنش مناسبی نشان دهد و برخورد جدی داشته باشد.» شاکری، کارشناس اقتصادی هم درباره وضعیت ریسک قرارداد توتال گفت: «تعجیل توتال در موضع‌گیری ناامیدانه درباره تحریم‌های احتمالی ایران نشان می‌دهد بازگشت تحریم هیچ ریسکی برای توتال ندارد و تمام ریسک متوجه ایران است!»

روی خط خبر

رتبه ضدتروریستی ایران

«مؤسسه اقتصاد و صلح» (IEP) پنجمین نسخه از سلسله گزارش‌های «شاخص جهانی تروریسم» خود را منتشر کرد. در این شاخص، کشورهای جهان بر اساس میزان آسیب‌پذیری در برابر تروریسم رتبه‌بندی شده‌اند که طبق نتایج آن: در سال ۲۰۱۶ تعداد کشته‌های حملات تروریستی با کاهش ۱۳ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۵ (و ۲۲ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۴) به ۲۵ هزار و ۶۷۳ نفر رسید. ایران با رتبه ۵۳ نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه و حتی اروپا در جایگاه بهتری قرار گرفت. (رتبه ایران در گزارش پیشین ۴۷ بوده است) این در حالی است که کشورهایی، همچون هند، ترکیه، فرانسه، عربستان، چین، آمریکا، روسیه، انگلیس، آلمان و سوئد به مراتب وضعیت بدتری نسبت به ایران دارند.

داعش چگونه از رقه فرار کرد؟

«بی‌بی‌سی» فاش کرد: «بررسی‌ها نشان می‌دهد شبه‌نظامیان کرد مورد حمایت آمریکا در زمان تصرف رقه، پایتخت داعش به ۲۵۰ عضو داعش اجازه خروج امن از شهر را داده‌اند. همچنین مشخص شده است در آستانه بازپس‌گیری شهر، از جمله ده‌ها نفر از اعضای خارجی داعش توانسته‌اند به همراه ۱۰ کامیون اسلحه و مواد منفجره از رقه خارج شوند. ائتلاف به سرکردگی ایالات متحده در آستانه تصرف رقه، اعلام کرده بود که به هیچ یک از اعضای خارجی داعش اجازه خروج از شهر را نمی‌دهد و این پیکارجویان! یا باید خود را تسلیم کنند یا بمیرند.»

اسلحه روی کانتینر!

سیدحسین نقوی‌حسینی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس با بیان اینکه برای راستی‌آزمایی آنچه در حوزه گمرک الکترونیکی ادعا می‌شود به گمرک بازرگان سر زدیم، گفت: «در مرز بازرگان در کمال تعجب مشاهده کردیم که این موضوع اصلاً واقعیت ندارد؛ برای نمونه در آنجا برای آزمایش دستگاه‌ها، اسلحه را روی یک تریلی قرار دادیم تا از دستگاه عبور کند و ببینیم آیا دستگاه نوع آن را تشخیص می‌دهد یا خیر، اما وقتی تریلی از دستگاه عبور کرد، اصلاً آن را تشخیص نداد!»

تسلیحات پیشرفته آمریکایی داعش

نشریه آمریکایی «میلیتاری تایمز» که به صورت تخصصی مسائل حوزه نظامی و امنیتی را بررسی می‌کند، از دستیابی داعش به تسلیحات پیشرفته آمریکایی خبر داد. در فیلم جدیدی که داعش منتشر کرده، مسلسل‌های مخصوص ضدهوایی و دوربین حرارتی پیشرفته FLIR BHM با توانایی دید در شب و قدرت زوم بالا به ارزش بیش از پنج هزار دلار (بیش از ۲۰ میلیون تومان) و یک اسلحه مجهز به صداگیر نوع M۴ و دوربین‌های سه بعدی و... مشاهده می‌شود که این تسلیحات پیشرفته ساخت آمریکاست.

گزارش جهانی از افول تروریسم

مدیر سازمان جهانی «انستیتوی اقتصاد و صلح» اعلام کرد: «تروریسم در سوریه و عراق به شدت تضعیف شده است.» دنیل هسلوپ گفت: «از میان پنج کشوری که بیشترین حجم فعالیت‌های تروریستی در آنجا صورت می‌گیرد، چهار کشور موفق شده‌اند تروریسم را به طرز محسوسی کاهش دهند. این پنج کشور عبارتند: از سوریه، نیجریه، افغانستان، پاکستان و عراق. عراق بیشترین موفقیت را داشته و آمارها نشان می‌دهد میزان عملیات‌های تروریستی در سال ۲۰۱۷ به ۴۰ درصد سال‌های قبل رسیده است.»

تحریم بانک سپه از سوی آلمان

بنا به ادعای «جروزالم‌پست»، «اداره نظارت مالی فدرال آلمان» بانک سپه ایران را به اتهام واهی نقض قوانین اعتباری این کشور، مشمول یک ممنوعیت اعتباری قرار داد. سخنگوی اداره نظارت مالی فدرال آلمان گفت: «دلیل وضع این ممنوعیت اعتباری علیه بانک سپه ایران شعبه فرانکفورت آن است که این مؤسسه مالی شرایط مندرج در قوانین یک سازمان بازرگانی مطابق با بند (۲۵ a) را نقض کرده است.»

نان باید تک‌نرخی شود

علی فاضلی، رئیس اتاق اصناف ایران از موافقت ستاد تنظیم بازار برای افزایش ۱۵درصدی قیمت نان به شرط اصلاح چانه نان در مجموعه صنعت تولید نان خبر داد و گفت: پیشنهاد نانوایان ۳۰ درصد افزایش نرخ بود که با آن موافقت نشد. بنده در جایگاه رئیس اتاق اصناف ایران شخصاً با افزایش قیمت نان مخالف هستم و معتقدم نان باید تک‌نرخی باشد.

آن روی سکه

خسارت‌های اقتصادی زلزله و تدبیر دولت

□ محمدنوری/ زلزله ۷/۳ ریشتری ساعت ۲۱ و ۴۸ دقیقه شامگاه روز یک‌شنبه بیست‌ویکم آبان ماه که در استان کرمانشاه حوالی «ازگله» در عمق ۱۱ کیلومتری زمین روی داد، به اندازه‌ای شدید بود که در بیشتر استان‌ها و برخی کشورهای منطقه نیز احساس شد. به گفته نشنال‌جئوگرافیک این زمین‌لرزه وحشتناک در مرز ایران و عراق مرگبارترین زلزله سال ۲۰۱۷ انتخاب شد. براساس آخرین گزارش ستاد مدیریت بحران کشور، تعداد کشته‌شدگان ۴۳۲ نفر و تعداد مصدومان این حادثه نیز حدود ۸ هزار نفر بوده است.

با توجه به وسعت منطقه‌ای که در این زمین‌لرزه تحت تأثیر قرار گرفته است، برآورد دقیق خسارت‌های وارده به این زودی امکان ندارد. با این وجود درخصوص برآورد خسارت‌های اقتصادی این زمین‌لرزه مسئولان آمار و ارقام متفاوتی ارائه کرده‌اند. مجتبی نیک‌کردار، معاون عمرانی استانداری کرمانشاه از برآورد خسارت دو هزار و ۶۰۰ میلیارد تومانی واحدهای مسکونی، اداری و تأسیسات زیربنایی استان در زلزله اخیر خبر داد.

طبق برآورد اولیه، ۸۰۰ میلیارد تومان خسارت به واحدهای مسکونی، خدماتی و تجاری استان در مناطق زلزله‌زده وارد شده است. همچنین بر اساس برآورد اولیه، ۱۸۰۰ میلیارد تومان خسارت به ساختمان‌های دولتی و زیرساخت‌ها و تأسیسات زیربنایی استان در این مناطق وارد شده است. در این حادثه تلخ طبیعی ۳۱ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی آسیب دیده است که از این تعداد ۱۱ هزار واحد مسکونی روستایی و پنج هزار واحد مسکونی شهری آسیب صد درصدی دیده‌اند.

استان کرمانشاه یکی از استان‌های مهم در تولید و پرواربندی گوسفند است. مطابق آمار اعلام شده ۱۹۳۰ روستا در این منطقه بر اثر زلزله تخریب شده‌اند که شغل اصلی ساکنان آن دامپروری بوده است. برآوردهای اولیه از تلفات ۲۳۰ هزار واحدی دامی خبر می‌دهد.

با توجه به خسارت‌های وارده در این زلزله به مردم غیور مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه، ورود مناسب دولت در خدمت‌رسانی و یاری‌رسانی به مردم آسیب‌دیده ضروری است. در این زمینه اعلام شد که دولت ۶۵۹ میلیارد تومان برای تسهیلات و ۲۸۱ میلیارد تومان کمک بلاعوض به زلزله‌زدگان کرمانشاه را تصویب کرده است و به خانواده‌های آسیب‌دیده در روستاها ۲۵ میلیون و شهرها ۳۵ میلیون تومان وام پرداخت خواهد کرد. همچنین پنج میلیون تومان نیز به روستاییان و شش میلیون تومان هم به شهرنشینان کمک بلاعوض پرداخت خواهد شد و خانواده‌هایی که به مرمت خانه نیاز دارند، هم ۱۲ میلیون تومان وام و دو میلیون تومان کمک بلاعوض دریافت می‌کنند.

در همین زمینه اعلام شد که افراد برای خرید لوازم خانه سه میلیون تومان وام و دو میلیون تومان کمک بلاعوض دریافت خواهند کرد و برای اسکان موقت خانواده‌ها، در روستاها سه میلیون تومان و در شهرها پنج میلیون تومان کمک بلاعوض پرداخت می‌شود.

ضروری است، دولت به هموطنانی که در این حادثه تلخ برخی از عزیزان خود را به همراه تمام دارایی‌شان از دست داده‌اند با کمترین زمان و سهل‌ترین روش کمک کند. و به گونه‌ای نباشد که هموطنان عزیز زلزله‌زده افزون بر درد و رنج خود در پیچ و خم دریافت کمک دولت گرفتار شوند.

نکته گرام

قاچاق کالا یا تخلف گمرکی

□ محمدابراهیم میانجی/

مسعود کرباسیان، وزیر اقتصاد پس از دیدار با دبیر کل سازمان جهانی گمرک در پاسخ به این پرسش که چرا همچنان شاهد قاچاق کالا از مبادی رسمی هستیم، گفت: «ما از مبادی رسمی قاچاق نداریم.» او تصریح کرد: «ممکن است داشته باشیم؛ اما نام آن قاچاق نیست و باید تخلف را از قاچاق جدا کرد.» کرباسیان با بیان اینکه در این موضوع حسابرسی پس از ترخیص را باید مد نظر قرار داد، افزود: «مثلاً کسی آمد و کالایی را اشتباه اظهار کرد، ما سیستمی داریم که تا سه سال می‌توانیم برویم بررسی کنیم و صحت آن را به دست بیاوریم.» در خصوص تبیین موضوع قاچاق و تعاریف و مصادیق آن نکات زیر ضروری است.

تعریف لغوی قاچاق

قاچاق واژه‌ای ترکی و از نظر لغوی به معنای «کاری است که پنهانی و با تردستی انجام شود.» در ترمینولوژی حقوقی، قاچاق این‌گونه تعریف شده است: «حمل‌ونقل کالا از نقطه‌ای به نقطه‌ای (خواه دو نقطه مزبور در داخل کشور باشد «قاچاق داخلی»، خواه یک نقطه در داخل و یک نقطه در خارج باشد که آن را «قاچاق خارجی» می‌گویند) برخلاف مقررات مربوط به حمل‌ونقل، به طوری که این عمل ناقض ممنوعیت یا محدودیتی باشد که قانوناً مقرر شده است.

تعریف قاچاق در قانون انحصار تجارت خارجی

بند الف از ماده (۱۱) قانون انحصار تجارت خارجی «قاچاق» را چنین تعریف کرده است: «کلیه اجناسی که برخلاف مقررات این قانون وارد مملکت می‌شود قاچاق محسوب و به نفع دولت ضبط و فروخته می‌شود و مرتکبین به حبس از ۶ ماه الی یک سال محکوم خواهند شد.»

یکی از این مقررات، انحصار تجارت خارجی برای دولت است که در آن مقرر شده است: «تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق صادر کردن و وارد کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین میزان و شرایط ورود و صدور آنها در حدود مقررات این قانون به دولت واگذار می‌شود» و در آن ورود هر نوع از محصولات طبیعی یا صنعتی خارجی به ایران به استثنای موارد معینه، مشروط به شرط حتمی صدور محصولات طبیعی یا صنعتی ایرانی و با مراعات مقررات قانونی مربوط بوده و دولت مجاز است حق وارد کردن محصولات خارجی که خود نمی‌خواهد به طور مستقیم عهده‌دار شود، به شرط معینه و تحت مقررات مخصوص مانند اخذ مجوز از وزارت بازرگانی یا دیگر نهادهای ذی‌صلاح قانونی، به اشخاص یا مؤسسات مختلف تجاری واگذار کند.

تعریف قاچاق بر اساس قانون امور گمرکی

ماده ۲۹ قانون امور گمرکی در ۱۱ بند مواردی از قاچاق را احصا و در بند ۱ آن به تعریفی مبادرت می‌کند که نسبت به دیگر بندها اهمیت خاصی دارد و مقرر می‌کند: «وارد کردن کالا به کشور یا خارج کردن کالا از کشور به ترتیب غیرمجاز مگر آنکه کالای مزبور در موقع ورود یا صدور ممنوع یا غیرمجاز یا مشروط نبوده و از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض بخشوده باشد. این بند از یک اقدام که عبارت است از فعل مثبت مادی- در مقابل ترک فعل- که به وسیله افراد انجام می‌شود صحبت می‌کند، به نحوی که در این بند عمل وارد کردن یا خارج کردن خود پیکره جرم قاچاق محسوب می‌شود، اعم از اینکه اقدام، نوعی عمل ساده باشد یا مرکب، یعنی به وسیله انواع عملیات متقلبانه.

بنابراین ورود غیر قانونی کالا به کشور مطابق تعاریفی که در قوانین و مقررات کشور وجود دارد، قاچاق تلقی می‌شود، نه تخلف.

اظهارات آقای کرباسیان در دوره وزارت در حالی مطرح شده که اردیبهشت ماه سال جاری رئیس‌کل گمرک در گفت‌وگو با یک نشریه گفته بود: «به هر حال با وجود اینکه حجم قاچاق کاهش یافته، اما ما همچنان این معضل را برای اقتصاد کشور تهدید می‌دانیم.» این ادبیات به آن معنا است که اولاً، وجود قاچاق از مبادی رسمی را قبول دارد و در وهله بعد، از کاهش آن سخن می‌گوید. حال چگونه ناگهان بعد از گذشت ۶ ماه دیگر قاچاق از مبادی رسمی نداریم؟! در اینکه توان گمرک برای کشف قاچاق افزایش یافته شکی نیست، اما از اساس منکر این موضوع شدن تفکر خطرناکی برای مقابله با این پدیده شوم محسوب می‌شود. افزون بر این مباحث، آبان ماه امسال نیز فرود عسگری، رئیس کل گمرک که پیشتر معاون کرباسیان بوده است در اظهاراتی گفته بود؛ ۹۰۰ میلیون دلار قاچاق کالا پیش‌بینی پارسال از گمرک بوده است. البته وی ورود انبوه کالای قاچاق از مبادی رسمی را منکر شده بود.

تأیید ورود کالای قاچاق از مبادی رسمی

مرداد سال جاری نیز خورشیدی، سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا با تأیید ورود کالای قاچاق از مبادی رسمی گفته بود کمی بیشتر از ۳۰ درصد از کالای قاچاق در سال ۹۵ از مبادی اصلی بوده که حدود چهار میلیارد دلار است.

وزیر اقتصاد با وجود آمار ارائه شده از سوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز معتقد است قاچاق از مبادی رسمی نداریم. این در حالی است که فروردین ماه سال جاری پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری گفته بود؛ برآوردها حاکی از آن است که سالیانه حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار حجم کالای قاچاق به کشور است که بخشی از آن بعضاً از مبادی رسمی کشور صورت می‌گیرد. وی در آماری متفاوت از مسئولان ستاد قاچاق کالا عنوان کرد؛ حدود هفت میلیارد دلار از کالای قاچاق به کشور از مبادی رسمی صورت می‌گیرد.

ورود بیش از ۷۰ درصد کالاهای قاچاق از مبادی رسمی

در همین زمینه سیدحسین نقوی‌حسینی در واکنش به صحبت‌های وزیر اقتصاد گفت: «به طور میانگین سالیانه ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق به کشور وارد می‌شود؛ به هیچ عنوان امکان ندارد که این حجم از کالای قاچاق، تنها از طریق مبادی غیررسمی به کشور وارد شده باشد. واردات از مبادی غیررسمی ممکن است با وسایل نقلیه کوچک یا با حیوانات به صورت محدود به کشور وارد شود، اما واردات از این مکان‌ها به صورت ۱۰ یا ۲۰ تریلی امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین به جرئت می‌توان ادعا کرد که حداقل بیش از ۷۰ درصد کالاهای قاچاق از مبادی رسمی و گمرکات به کشور ما وارد می‌شود.» وی افزود: «در اینجا اگر تخلف گمرکی هم صورت بگیرد در نهایت کالای قاچاق به کشور وارد خواهد شد؛ در واقع قاچاق بودن کالا منتفی نخواهد شد.»

نکته مهم در این باره آنکه مسئولان امر در حوزه واردات و صادرات کالا به جای ارائه گزارش‌های غیر واقعی از وضعیت موجود در عرصه اقتصادی کشور با اندیشیدن تدابیر لازم، سازوکار مورد نیاز برای جلوگیری از بروز تخلف را فراهم کنند تا افزون بر کاهش ورود کالای قاچاق به کشور موجب رونق تولید داخلی و ایجاد اشتغال شوند.

پایش

آوار سیاست بر سر مردم

□ سید فخرالدین موسوی/ روزنامه «همدلی» کاریکاتوری از محمود احمدی‌نژاد در حال سلفی گرفتن با مسکن مهر در مناطق زلزله‌زده با تیتر «آشی که تو پختی» بر صفحه اول خود نشاند و نوشت: «دیروز تصاویر زیادی از زلزله مهیب غرب کشور منتشر شد؛ اما تصاویر مربوط به ساختمان‌های ویران‌شده «مسکن مهر» در سرپل‌ذهاب، بیشترین توجه‌ها را به خود جلب کرد. تصویرهایی که در خود مفهومی فراتر از ویرانی یک ساختمان را نشان می‌دادند؛ آن مهرورزی معروف، آن حکمرانی میان‌مایه، آن لمپنیسم سیاسی و آن روزگاری را که ایران افتاده بود، دست طبقه‌ای نوظهور که هیچ‌جور نمی‌شد درست تحلیلش کرد، از بس که ریشه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی‌اش ناپیدا بود»؛ اما سخنانی از این دست که ناگفته سوگیری‌های سیاسی‌اش پیداست، تنها مطلب این روزنامه اصلاح‌طلب نبود؛ بلکه در اولین روز پس از حادثه شاهد حمله دسته‌جمعی رسانه‌های اصلاح‌طلب به پروژه مسکن مهر بودیم. روزنامه «شرق» در مطلبی با عنوان «کابوس مسکن بی‌مهر؛ دومین مجموعه مهرورزی در کرمانشاه فرو ریخت.» نوشت: «تصاویر گویاست؛ ساختمان‌های مسکن مهر فروریخته‌اند و ساختمان‌های دیگر با تخریب‌هایی کمتر، هنوز بر قامت خود ایستاده‌اند. این نمای کلی از مسکن مهر سرپل‌ذهاب است؛... ساکنان مسکن مهرنشین آنقدر نگرانند که آرام‌آرام آغاز به تخلیه مسکن‌های مهر کرده‌اند. خبر تخلیه مسکن مهر روانسر در استان کرمانشاه هم همان ساعات اولیه پس از انتشار تصاویر خرابی‌ها و قیاس مسکن مهر و دیگر خانه‌ها، خبرساز شد و این پروژه را تبدیل به کابوسی ملی کرد.» روزنامه «قانون» در مطلبی با عنوان «گسلی به نام مسکن مهر» نوشت: «واقعیت تلخ مسکن مهر شب گذشته با شدت و حدّت هر چه تمام‌تر برملا شد؛ سرنوشتی که به سرعت به وقوع پیوست تا مسئولان با چشم خود حاصل بی‌تدبیری خود را ببینند.» روزنامه «بهار» در یادداشتی با عنوان «زلزله مهر» نوشت: «تصاویری که از وضع مجتمع‌های مسکن مهر در شهرهای زلزله‌زده در فضای مجازی منتشر شده است، به خوبی دلیل شدت تلفات در این زلزله در بخش ایرانی‌نشین جغرافیای حادثه را مشخص می‌سازد... مجتمع‌های مسکونی‌ای که بنا بود سرپناه فقرا باشند، حالا قاتل آنها شده‌اند و این مجتمع‌ها تنها مخصوص اسلام‌آباد غرب و قصرشیرین و کرمانشاه نیستند.» روزنامه دولتی «ایران» هم در گزارشی با عنوان «مسکنی که مزار شد» نوشت: «وضعیت مسکن مهر در سرپل‌ذهاب بدتر از بقیه جاهایی است که از صبح آنها را دیده‌ام. ساختمان‌های مکعبی که نمای آنها به کلی پایین آمده و اگر پس‌لرزه‌ای دیگر رخ دهد، چه بسا باقی‌مانده‌اش کاملاً فرو بریزد و تصویری شبیه به آن چیزی شود که در موصل و حلب دیده‌ایم»؛ البته این هجمه واکنش‌های زیادی را برانگیخت، ابتدا و فقط چند ساعت پس از این تیتر، مدیر امور مسکن اداره کل راه و شهرسازی استان کرمانشاه که از مدیران دولت اعتدال است، با اشاره به آسیب ۵۷۶ واحد مسکن مهر در شهرستان سرپل‌ذهاب، اعلام کرد: «به دلیل حفظ ایستایی ساختمان از مجموع دو هزار نفر ساکن در این واحدها دو نفر جان خود را از دست دادند.» رسانه‌ها و برخی چهره‌ها نیز به شدت از این رویکرد اصلاح‌طلبان انتقاد کردند، چنانکه حسین شریعتمداری، مدیر مسئول «کیهان» که به تازگی به دلیل تیتری در دفاع از مردم یمن به اتهام تهدید امنیت ملی توقیف شده بود، می‌نویسد؛ «پرسشی هم از شورای عالی امنیت ملی، هیئت نظارت بر مطبوعات و دادستانی تهران در میان است و آن، اینکه نزدیک به ۱۰ میلیون نفر از مردم که عمدتاً از اقشار محروم و شریف کشورمان، یعنی قریب به ۱۲/۵درصد جمعیت کشور در ساختمان‌ها و مجتمع‌های مسکن مهر ساکن هستند. سؤال این است که آیا ایجاد دلهره و ترس از تخریب احتمالی مسکن و فروریختن آوار بر سرشان که روزنامه‌های زنجیره‌ای آن را در شیپورهای فریب خود می‌دمند، «خلاف مصالح و منافع ملی» نیست؟!... «مسکن مهر تابوت ساکنان آن است»! «از همین حالا باید تمامی ساکنان مسکن مهر در سراسر کشور تخلیه شوند»! «بعید نیست در آینده مسکن مهر شاهد آنچه در موصل و حلب دیدیم باشیم». علیزاده از کارشناسان سابق بی‌بی‌سی نیز در صفحه شخصی خود در توئیتر در این باره می‌نویسد: ممکن است طی «اجرای» مسکن مهر هزار فساد و اشتباه رخ داده باشد؛ اما درد اشراف از همان روز اول، خود «ایده» صاحبخانه شدن چهارونیم میلیون خانوار فقیر و محروم، یعنی مستأجران بالقوه‌شان بود؛ دردشان طبقاتی بود؛ برای همین هم به جای اصلاح از طریق نقد کارشناسانه همیشه کل پروژه را تخریب کردند. آنها به کیفیت مسکن مهر اشاره می‌کنند و می‌گویند این پروژه خیانت بود؛ اما باید گفت نه به بزرگی خیانت همه کسانی که بقیه این سه دهه پس از جنگ، حتی یک واحد مسکونی برای محرومان و فقیران این کشور نساختند.

اخبار اقتصادی

بزرگ‌ترین قرارداد ایرباس

به گزارش خبرگزاری رویترز، شرکت ایرباس در حاشیه نمایشگاه هوایی دبی از نهایی‌شدن بزرگ‌ترین قرارداد فروش تاریخ این شرکت به ارزش ۴۹/۵ میلیارد دلار خبر داد. بنا به اعلام این شرکت، قرار است ۴۳۰ فروند از هواپیماهای ایرباس به شرکت سرمایه‌گذاری ایندیگوی آمریکا واگذار شود.

همکاری با کرسنت

شرکت انرژی دانا گاز مستقر در شارجه اعلام کرد: «اگر شرکت ملی نفت ایران تمایل خود را برای انتقال گاز از طریق خط لوله‌های موجود که تاکنون بی‌استفاده بوده، اعلام کند، تأسیسات نفتی کرسنت از شرکت‌های تابعه دانا گاز، آماده واردات گاز از ایران است.» پاتریک آلمن وارد، مدیر اجرایی شرکت دانا گاز در این زمینه گفته است: «تصور من این است که ایرانی‌ها نشان داده‌اند، آماده انتقال گاز هستند و ما نیز در شرکت دانا گاز آماده‌ایم؛ اما بدیهی است که ما باید اطمینان داشته باشیم عرضه گاز بدون وقفه و مستمر ادامه می‌یابد، البته ما می‌خواهیم اطمینانی درباره حجم و مدت زمان عرضه گاز نیز داشته باشیم.»

افزایش خرید طلا در ترکیه

پس از آنکه رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه از مقامات و مردم این کشور خواست که از دلار فاصله بگیرند، بانک مرکزی و مردم به جای دلار به خرید طلا روی آوردند. بنا به گزارش شورای جهانی طلا، بانک مرکزی و مردم ترکیه از ابتدای سال ۲۰۱۷ تاکنون ۴۷ تن طلا خریده‌اند که افزایش چند برابری را نسبت به مدت مشابه سال گذشته داشته است.

درآمد فروش سیگار

براساس آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی، دولت از محل دریافت مالیات بر فروش سیگار در شش ماهه نخست سال ۹۶، بالغ بر ۱۹۰ میلیارد تومان درآمد داشته است. این در حالی است که از مالیات بر فروش سیگار در سال ۹۶ باید بالغ بر ۴۶۰ میلیارد تومان درآمد کسب شود که در شش ماهه نخست سال جاری بالغ بر ۱۹۰ میلیارد تومان آن کسب شده و با پیش‌بینی ۲۴۰ میلیارد تومان درآمد در شش ماهه نخست سال هنوز ۵۰ میلیارد آن وصول نشده است.

پژواک

تولید قدرت در پس واژه و تصویر

□ مهدی فرهادی/ اگر به لوگوی شرکت اپل که یک سیب گاز زده است دقت کنیم، متوجه خواهیم شد که در نگاه اول فقط یک سیب گاز زده است؛ اما دارای معانی متعدد ضمنی است که کمتر کسی توانسته است، آن را بیان کند. لوگوی اپل برای مردم معانی مختلفی دارد، چون همه سیب را دیده و خورده‌اند و بسیاری هم این میوه را دوست دارند.

به هر حال حقیقت گاز زده بودن سیب لوگوی اپل هنوز نامشخص است؛ زیرا برخی آن را یک تصویر گرافیکی می‌دانند و بعضی آن را به یک موضوع علمی ارجاع می‌دهند و برخی نیز کشف معنا در ارتباط با اجزای دیگر متون مرتبط می‌دانند. به باور اندیشمندان ابتدا معنای صریح دریافت می‌شود؛ اما این معنای ضمنی است که قدرت می‌دهد. آنها می‌گویند که هرکسی توان تبدیل معنای صریح به ضمنی را داشته باشد، توان ایجاد توده‌های قدرت را بر اطراف خود دارد. نظریه «برلو» اثبات می‌کند که در درون انسان‌ها می‌توان قدرت خارق‌العاده‌ای ایجاد کرد که افراد را به آن تجهیز کند؛ دیوید برلو می‌گوید: «در واقع کلمات در نهایت هیچ معنایی نمی‌دهند؛ بلکه معانی فقط در آدم‌ها هستند.» معانی مسبب پاسخ‌ها می‌شوند و شخصی هستند و درون ارگانیسم انسانند. معانی آموخته می‌شوند. دارایی‌های ما محسوب می‌شوند. ما معانی را یاد می‌گیریم، بر آن می‌افزاییم، آنها را نابود می‌کنیم؛ اما قادر به یافتن‌شان نیستیم. آنها در ما هستند، نه در پیام. خوشبختانه معمولاً ما افرادی را می‌یابیم که معانی مشابه معانی ما دارند و در نتیجه می‌توانیم با آنها ارتباط برقرار کنیم. کسانی که با یکدیگر تشابه معنایی دارند، می‌توانند ارتباط برقرار کنند و اگر این تشابه را نداشته باشند، قادر به ارتباط با یکدیگر نیستند.

داستان «اختلاف در شکل پیل» حکایت از این دارد که همه ما نگاهی که به اشیا و رویدادها داریم، حکایت از معنایی دارد که درون ما است و باید گفت که معنا در درون انسان به تدریج ساخته می‌شود و برای این منظور کارهای فرهنگی دراز مدت و فرایندی، می‌تواند انسان‌ها را با قدرت معنای ضمنی، پیوسته‌تر کند.

عکس خبر

عکس‌ها: حامد گودرزی

ریزش دیوار پادگان روی ماشین‌های پاسداران

هدایت کمک‌های مردمی پاسداران به مناطق صعب‌العبور

امکانات مهندسی سپاه نبی‌اکرم(ص) در خدمت زلزله‌زدگان

حضور قرارگاه خاتم‌الانبیاء در آواربرداری

همدردی پاسداران با خانواده‌های زلزله‌زده

بسیج جامعه پزشکی مشغول خدمت‌رسانی

حضور ارتش در منطقه

قدردانی زلزله‌زدگان ثلاث‌باباجانی از کمک مردم با غیرت

خشونت جنسی گسترده علیه زنان روهینگیا

دیده‌بان حقوق بشر در گزارش این نهاد بین‌المللی اعلام کرد: نیروهای امنیتی میانمار در سه ماه پاکسازی قومی مسلمانان ایالت راخین، اقدام به تجاوز گسترده به زنان و دختران روهینگیایی کرده‌اند. گزارش اخیر دیده‌بان حقوق‌بشر تکرارکننده نتایج تحقیقات «پرامیلا پتن»، فرستاده ویژه سازمان ملل در امور خشونت‌های جنسی درگیری‌های مسلحانه است که همین موضوع را تأیید کرده بود. در گزارش «پتن» آمده است: خشونت جنسی علیه زنان روهینگیا از سوی نیروهای مسلح میانمار فرماندهی و سازماندهی شده است.

پنجره

راه بن‌سلمان به ناکجاآباد

□ **قاسم غفوری /** غرب آسیا با رسیدن تروریسم به روزهای پایانی خود، می‌رود تا روی آرامش را ببیند، در حالی که برخی تحرکات مشکوک و ابهام‌برانگیز، این شیرینی را به تلخ کامی منطقه مبدل کرده است. در این میان زنجیره‌ای از اقدامات در عرصه منطقه در حال روی دادن است که محور آن را تحرکات سعودی تشکیل می‌دهد. عربستان در هفته‌های اخیر، مواضع ضد ایرانی بسیاری اتخاذ کرده و ایران را دلیل بحران‌های منطقه معرفی کرده و خواستار اقدام جهانی علیه آن شده است. در اقدامی مغایر با تمام قوانین جهانی، سعودی سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان را به ریاض دعوت کرد و پس از وادار کردن او به خواندن بیانیه استعفا، وی را زندانی کرده است. شواهد امر نشان می‌دهد که عربستان، حتی لبنان را به اقدام نظامی تهدید کرده است. عربستان همچنین به بحران‌سازی در حوزه عربی ادامه می‌دهد که استمرار تحریم‌ها و فشارها بر قطر نشانه‌ای از این رفتار است. همچنین عربستان با وجود مخالفت‌های گسترده جهانی همچنان تجاوز به یمن را در دستور کار دارد و بر میزان این تجاوزات افزوده است، به گونه‌ای که سازمان ملل متحد به طور رسمی اعلام کرده این منطقه با فاجعه قرن مواجه است که محور آن را نیز اقدامات و تجاوزات سعودی تشکیل می‌دهد.

نکته چشمگیر آنکه برخی خبرها حکایت از فشار سعودی به ابومازن، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین برای پذیرش یکی از دو گزینه استعفا یا سازش با رژیم صهیونیستی دارد. مجموع این تحرکات در حالی صورت می‌گیرد که یک نقطه اشتراک در آنها وجود دارد و آن نقش بن‌سلمان، ولی‌عهد سعودی است. روند تحولات نشان می‌دهد که بن‌سلمان به دنبال رسیدن به تخت پادشاهی است و با سرکوب شاهزادگان و نیز بحران‌سازی منطقه‌ای با نمایش قدرت ظاهری از خود، سعی در رسیدن به تاج و تخت دارد. برخی بر این عقیده‌اند که بن‌سلمان از نارضایتی مردمی از ساختار حاکم بر عربستان آگاه است و سعی دارد تا سوار بر موج نارضایتی مردمی، رقبا را از صحنه حذف کند و خود را به پادشاهی برساند. رویکردی که بیان برخی آزادی‌های اجتماعی برای زنان و برخی اصلاحات اقتصادی، حلقه تکمیلی آن است؛ البته رفتارهایی ظاهری که تغییرات ریشه‌ای در آن وجود ندارد و همچنان وضعیت بحرانی و نامناسب آزادی‌های فردی و سیاسی و نیز سرکوب ساکنان مناطقی همچون «عوامیه و قطیف» ادامه دارد که در آینده می‌تواند زمینه‌ساز احیای اعتراض‌های مردمی به ساختار حاکم بر سعودی باشد.

رفتارهای داخلی و بیرونی بن‌سلمان در حالی است که یک اصل مهم در تمام آنها مشاهده می‌شود و آن تحقق اهداف و خواسته‌های رژیم صهیونیستی برای بحران‌سازی در منطقه با محوریت اقدام علیه جبهه مقاومت است.

رفتارهای بن‌سلمان نشان می‌دهد که وی بر این تصور است که برای رسیدن به تاج و تخت باید رضایت غرب را جلب کند و در این راه نیز حرکت در مسیر جلب نظر صهیونیست‌ها را در پیش گرفته است و گمان می‌کند با این رویکرد می‌تواند غرب را به پذیرش پادشاهی خود، متقاعد سازد. حلقه تکمیلی این طرح نیز اقدامات اقتصادی وی است که در قالب ساخت شهرک‌های پیشرفته و مدرن می‌باشد که به گفته محافل رسانه‌ای بخش بسیاری از آن به شرکت‌های غربی و صهیونیستی واگذار می‌شود. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت که بن‌سلمان سعی دارد تا تاخ و تخت را از مسیر اجرای خواسته‌های صهیونیست‌ها کسب کند، در حالی که با ایجاد فضای رعب و وحشت و مسائل حاشیه‌ای سعی در پنهان‌سازی این حقیقت از مردم عربستان دارد. او می‌داند که آگاهی مردمی از این روند، زمینه‌ساز موج اعتراض‌های مردمی به سیاست‌های وی خواهد شد؛ بنابراین با حاشیه‌سازی و البته سرکوب‌های آشکار و پنهان به دنبال آگاهی نداشتن مردم از رویکردهای صهیونیستی و خیانت‌هایش به ملت عربستان و جهان اسلام است.

در جمع‌بندی کلی از آنچه ذکر شد، می‌توان گفت؛ تحرکات سعودی در منطقه هر چند که در ظاهر برای قدرت‌یابی بن‌سلمان است؛ اما در نهایت خواسته یا ناخواسته در چارچوب اهداف و سیاست‌های بحران‌ساز رژیم صهیونیستی در منطقه صورت می‌گیرد که از آن با نام خیانت جدید سعودی به جهان اسلام و البته فلسطین می‌توان یاد کرد که به طور قطعی در آینده هزینه‌های بسیاری برای بن‌سلمان، عربستان به همراه دارد که از آن جمله تشدید نفرت ملت‌های منطقه و جهان اسلام از ساختار حاکم بر سعودی است که انزوای بیشتر آن را رقم خواهد زد، هر چند که با کودتاهایی همچون کودتای ربایش حریری، نخست‌وزیر لبنان و برگزاری نشست‌های عربی و منطقه‌ای سعی در پنهان‌سازی این انزوا دارد.

فراسو

چشم نخست‌وزیر بحران‌زده به روس‌هراسی

□ **رضا اشرفی /** اتحادیه اروپا در حالی با چالش‌های بسیاری از جمله اختلافات درونی گسترده و البته بی‌ثباتی رقم زده از سوی انگلیس در قالب برگزیت مواجه است که ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس در اقدامی کم‌سابقه به طور مستقیم ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را مخاطب قرار داد و مسکو را به مداخله سایبری در کشورهای غربی به خصوص در عرصه انتخابات متهم کرد. این مسئله تازه‌ای نیست، به گونه‌ای که پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، هیلاری کلینتون رقیب وی ادعا کرد که روسیه با دخالت‌های سایبری باعث شکست او شده است؛ اتهامی که پرونده آن هنوز باز است و مقامات آمریکا بدون اذعان به این مسئله که مطرح کردن چنین بحثی می‌تواند به اعتبار سیاسی و حیثیتی آمریکا لطمه وارد کند، در حال بررسی آن هستند. در همین حال مقامات آلمانی نیز در آستانه انتخابات پارلمانی ادعای حمله سایبری روسیه را مطرح و تلاش کردند تا مسکو را عامل تهدید انتخابات و دموکراسی معرفی کنند. البته فرانسه نیز در انتخابات ریاست‌جمهوری سال اخیر خود، مدعی شد که اجازه دخالت مسکو در انتخابات را نمی‌دهد.

در حال حاضر نیز اروپا با بهره از چنین ابزاری مدعی شده است که روسیه در حوزه سایبری در حال باز کردن فضای جنگی جدید و جدی با اروپا است. به همین منظور ترزا می با تأکید بر اینکه مسکو پیش از این به وزارت دفاع دانمارک و پارلمان آلمان حمله سایبری کرده است، به دنبال همراه کردن اذهان عمومی به ویژه در اروپا با خود است.

به طور کلی چند مسئله سبب شده است تا ترزا می و همچنین دیگر رقبای کرملین به این سمت گرایش پیدا کنند. ابتدا می‌توان به حضور ادوارد اسنودن، کارمند سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی اشاره کرد که تبحر بالایی در عرصه سایبری دارد و به دلیل افشا کردن جاسوسی‌های سایبری آمریکا از این کشور گریخته است. جولین آسانژ، ناشر، روزنامه‌نگار، برنامه‌نویس، کنشگر اینترنت و مهم‌تر از همه یکی از بنیانگذاران وبگاه ویکی‌لیکس و سردبیر آن که به طور دوره‌ای به برخی از افشاگری‌های سیاسی - تاریخی می‌پردازد نیز این مسئله را تشدید کرده است.

در کنار این مسائل، فعالیت‌های سایبری و اینترنتی روسیه نسبت به گذشته افزایش یافته است. البته نباید فراموش کرد که کشورهای غربی که دیگر کشورها را به جنگ یا حمله سایبری متهم می‌کنند، خود بیش از همه به این مسئله می‌پردازند و بحث جاسوسی سایبری در بین آنها بسیار شایع است. حتی در دوره باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا سطوح جاسوسی سایبری آمریکا در برخی از کشورهای اروپایی به خصوص آلمان منتشر شد که در آن واشنگتن حتی به دفتر کار و تلفن همراه آنجلا مرکل، صدراعظم آلمان نفوذ

ترزا می با بحران مشروعیت حتی در حزب محافظه‌کار مواجه است و بسیاری خواستار برکناری او از قدرت شده‌اند. این سناریو مطرح است که وی با روس‌هراسی و نمایش اقتداری ظاهری به دنبال تغییر موضع هم‌حزبی‌ها و البته انحراف افکار عمومی از ناتوانی‌ها و ناکامی‌هایش در حل بحران‌های سیاسی و اقتصادی و البته شکستش در تحمیل خواسته‌های انگلیس به اروپا در قالب برگزیت است

کرده بود. بنابراین جنگ، حمله و جاسوسی سایبری در بین کشورهای مختلف به مسئله‌ای عادی تبدیل شده است، در حالی که همواره سعی می‌شود در کنار مراقبت‌های ویژه در سطوح حساس امنیتی، کلیت آن پنهان نگه داشته شود.

در چنین وضعیتی که اختلافات غرب (آمریکا و اروپا) با روسیه در حال افزایش است، این‌گونه اتهامات نیز رنگ و بوی جدیدی به خود می‌گیرد. غرب با روسیه جدای از اختلافات عمیق تاریخی که لاینحل مانده، در رویکردهای جاری نیز با اختلافات بنیادی مواجه است که در این باره می‌توان از اختلافات در بحران اوکراین، مسئله شبه‌جزیره کریمه، تفاوت رویکردی در بحران سوریه و نوع مبارزه با داعش و تروریسم و... سخن گفت.

غرب کاملاً نگران این موضوع است که روسیه به همراه متحدان و کشورهای ائتلافی که طی چند سال اخیر شکل گرفته، توازن قوا را در جهان تغییر دهد و بر همین مبنا، نظم کنونی نظام بین‌الملل به هم ریخته شود؛ موضوعی که در حال حاضر در غرب آسیا و با شکست داعش از سوی متحدان مقاومت و شرقی نمایان شده است. در چنین وضعیتی غرب به طور جدی تهدید شده و موقعیت سیاسی خود را از دست رفته خواهد دید؛ زیرا هژمونی غربی به طور کامل از هم فروپاشیده خواهد شد.

مقامات انگلیس معتقدند که روسیه برای سرعت گرفتن این تغییر نظم از طریق نفوذهای سایبری و همچنین انتشار اخباری که زمینه‌های شکاف را در بین کشورهای غربی ایجاد می‌کند، کاملاً به سمت تهدید اروپا و آمریکا پیش می‌رود. انگلیس نگران است که در فضایی که بحث برگزیت در جریان است، روسیه بتواند میزان، سطح و عمق اختلافات لندن را با اتحادیه اروپا افزایش دهد و حتی این دو را به سمت دشمنی پیش ببرد. یکی دیگر از نگرانی‌های ترزا می این است که مبادا روسیه بتواند از این طریق شکاف عمیقی را بین اروپا و آمریکا ایجاد کند. نکته مهم آنکه ترزا می با بحران مشروعیت حتی در حزب محافظه‌کار مواجه است و بسیاری خواستار برکناری او از قدرت شده‌اند. این سناریو مطرح است که وی با روس‌هراسی و نمایش اقتداری ظاهری به دنبال تغییر موضع هم‌حزبی‌ها و البته انحراف افکار عمومی از ناتوانی‌های‌ها و ناکامی‌هایش در حل بحران‌های سیاسی و اقتصادی و البته شکستش در تحمیل خواسته‌های انگلیس به اروپا در قالب برگزیت است.

به هر حال، حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید می‌تواند چنین فضایی را برای مسکو ایجاد کند. به همین دلیل است که نخست‌وزیر انگلیس زمین جدیدی را برای حمله به مسکو مهیا کرده است تا دیگر کشورهای غربی نیز از این طریق بر عملکرد سیاسی روسیه در عرصه بین‌المللی تأثیر منفی بگذارند.

رخنه

هژمونی آمریکا بر جهان اسلام_ ۴۲

تعامل با هدف تأمین منافع

□ **عبدالله عبادی /** جمهوری لبنان کشوری است در غرب آسیا که از شمال با سوریه و از جنوب با فلسطین اشغالی مرز مشترک دارد. موقعیت جغرافیایی این کشور در نقطه تلاقی مدیترانه و جهان عرب به شکل‌گیری تاریخ غنی و تنوع دینی، نژادی و فرهنگی منجر شده است. بر اساس آمارها، نزدیک به ۶۰ درصد مردم این کشور مسلمان، ۳۹ درصد مسیحی و ۱ درصد پیرو دیگر ادیان هستند.

تاریخچه حضور آمریکا در لبنان

در اواسط سال ۱۹۵۸، جمهوری متحده عربی که از اتحاد سه کشور مصر، سوریه و یمن تشکیل شده بود، با دخالت در امور لبنان سعی در به راه انداختن جنگ داخلی و در نهایت سرنگونی دولت «کامیل شمعون» داشت. این در حالی صورت می‌گرفت که جمهوری اتحاد شوروی نیز در جهت جلوگیری از نفوذ آمریکا در منطقه و از سویی گسترش دامنه دخالت‌های خود در دوران جنگ سرد از اقدامات جمهوری متحده عربی حمایت می‌کرد. در اولین روزهای بروز جنگ داخلی، دولت لبنان در تاریخ ۲۲ می ۱۹۵۸ به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد و خواستار برخورد بین‌المللی با اقدامات جمهوری متحده عربی شد. پاسخ ندادن صریح و جدی از سوی شورای امنیت، وقوع کودتای ملی به رهبری ژنرال «عبدالکریم قاسم» در عراق و از سویی سعی وی در الحاق عراق به جمهوری متحده عربی، لبنان را واداشت که در ۱۴ ژوئن همان سال از ایالات متحده آمریکا درخواست کمک کند.

آیزنهاور، رئیس‌جمهور وقت آمریکا که همواره از گسترش نفوذ شوروی در خاورمیانه هراس داشت، بلافاصله دستور اعزام ۱۴ هزار سرباز به لبنان را صادر کرد تا آنچه را که تهدید و یک کودتای «الهام گرفته از کمونیسم» قلمداد شده بود، سرکوب کند که با حضور این تعداد نیروی آمریکایی غائله لبنان خاتمه یافت.

در ژوئن ۱۹۸۲ «بشیر جمیل» رهبر حزب فالانژ مسیحی که به تازگی رئیس‌جمهور لبنان شده بود، ترور شد و بار دیگر اوضاع لبنان به کلی دگرگون شد. یک روز پس از این حادثه ارتش رژیم صهیونیستی بخش مسلمان‌نشین بیروت را اشغال کرد و دو روز بعد نظامیان مسیحی فالانژ در محدوده تحت سلطه نیروهای صهیونیستی وارد اردوگاه‌های صبرا و شتیلا شدند و بیش از ۸۰۰ فلسطینی پناهنده را به قتل رساندند. بلافاصله پس از این حادثه نیروهای چند ملیتی مرکب از تفنگداران آمریکا، فرانسه و ایتالیا به منظور میانجی‌گری در جنگ اسرائیل و نیروهای ساف وارد بیروت شدند. این نخستین بار پس از مداخله نظامی آمریکا در لبنان در سال ۱۹۵۸ بود که آمریکا نیروهایش را به این کشور می‌فرستاد.

در ابتدا، بیشتر گروه‌های لبنانی از این نیروی چند ملیتی به منزله یک نیروی پاسدار صلح استقبال کردند؛ اما طولی نکشید که با مخالفت مسلمانان شیعی و سوری‌ها که آنها نیز نیروهایی در لبنان داشتند، روبه‌رو شدند. در ۱۸ آوریل ۱۹۸۳، بمبی در نزدیکی سفارت آمریکا در بیروت منفجر شد و ۱۷ آمریکایی کشته شدند. در پاییز همان سال تفنگداران دریایی آمریکا مواضع تندروها را گلوله‌باران کردند. در ساعات اولیه روز یک‌شنبه ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ انفجاری در نزدیکی پادگان تفنگداران دریایی آمریکا در بیروت رخ داد که بر اثر آن ۲۴۱ نفر از تفنگداران و کارکنان نیروی دریایی آمریکا کشته شدند. همراه با ویران شدن پادگان مزبور، سیاست آمریکا در لبنان نیز ویران شد؛ اما ریگان در گزارش سالیانه خود به کنگره، در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۵۸ پافشاری کرد که نیروهای اعزامی آمریکا به لبنان، باید در بیروت بمانند که البته با فشار دولت لبنان تفنگداران دریایی آمریکا در نهایت خاک این کشور را ترک کردند. کشته شدن ۲۴۱ نظامی آمریکایی در لبنان سبب شد برای سال‌ها مسئولان آمریکایی فکر دخالت در امور این کشور را از سر به در کنند؛ اما با خارج شدن نیروهای ارتش سوریه از خاک لبنان در سال ۲۰۰۵ آمریکا بار دیگر فضا را برای دخالت در امور این کشور مهیا دید؛ به همین دلیل جرج بوش پسر موافقت کرد ۴۰۰ هزار دلار برای بازسازی و بهبود وضعیت اقتصادی لبنان به این کشور اعطا شود. در سال ۲۰۰۶ و پس از جنگ حزب‌الله و رژیم صهیونیستی بوش از کنگره آمریکا خواست با اعطای یک میلیارد دلار به لبنان زمینه ارتقای وضعیت ارتش این کشور، به ویژه در زمینه امنیتی فراهم آید.

از آنجا که حزب‌الله لبنان یکی از اعضای اصلی محور مقاومت و همواره مانعی برای نفوذ آمریکا در لبنان بوده است، آمریکا قصد دارد ضمن نزدیکی به لبنان به نوعی مانع از نفوذ هرچه بیشتر ایران در لبنان شود. از این رو در آبان ماه ۱۳۹۵ و به دنبال پیروزی میشل عون در انتخابات ریاست‌جمهوری، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در حالی انتخاب رئیس‌جمهور جدید لبنان را که هم‌پیمان مقاومت است، تبریک گفت که از افزایش قدرت و نقش حزب‌الله در پی این انتخابات ابراز نگرانی کرد.

جان کربی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ضمن تبریک پیروزی عون به ملت لبنان، گفت: «ما مشتاقانه به تعامل دوجانبه با عون در راستای حمایت از منافع آمریکا در منطقه چشم دوخته‌ایم.»

از نظر فرهنگی نیز آمریکا نفوذ فراوانی در لبنان دارد. وجود دانشگاه آمریکایی بیروت که سابقه آن به قرن نوزدهم باز می‌گردد، نقش مهمی در پرورش اندیشمندان غربگرا در لبنان و دیگر کشورهای عربی منطقه داشته است که یکی از معروف‌ترین آنها اشرف غنی، رئیس‌جمهور کنونی افغانستان است. افزون بر آن مدرسه آمریکایی‌ها در بیروت و دانشکده بین‌الملل بیروت و دانشگاه سن جوزف زیر نظر مستقیم مسئولان آمریکایی اداره می‌شود که در ترویج فرهنگ غربی در این کشور بسیار فعالانه عمل کرده است.

کندوکاو

آمریکا از تحریم‌های اروپا علیه ایران استقبال می کند

خبرگزاری فارس: یکی از مقامات دولت آمریکا اعلام کرد که واشنگتن از هرگونه اقدام اتحادیه اروپا برای وضع تحریم‌های جدید علیه برنامه موشکی ایران استقبال می‌کند. «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا که در مقایسه با «باراک اوباما» رئیس‌جمهور سابق آمریکا، موضع جنگ‌طلبانه‌تری در قبال ایران اتخاذ کرده است، گفته بود که برنامه موشکی ایران باید سرکوب شود و همچنین خواستار تنبیه ایران به واسطه نقشی که در یمن و سوریه دارد، شده است. بنا بر این گزارش، اتحادیه اروپا که در تلاش برای حفظ برجام است، می‌گوید که مسئله موشکی و موضوعات امنیت منطقه‌ای از توافق هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ مجزا است.

تشکر از نتانیاهو برای حمایت از سخنرانی علیه ایران

خبرگزاری مهر: رئیس‌جمهور آمریکا در نامه‌ای به نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، از وی به دلیل حمایتش از سخنرانی ترامپ علیه ایران تمجید کرد. «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا به تازگی در نامه‌ای به «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به دلیل حمایتش از سخنرانی ضد ایرانی خود، قدردانی کرده است. ترامپ در جریان یک نشست خبری راهبرد خود در قبال ایران را اعلام کرد. وی در این سخنرانی اظهاراتی بسیار تند علیه ایران داشت و از خلیج‌فارس هم با نامی جعلی یاد کرد. در بخشی از نامه ترامپ در این باره آمده است: «از حمایت شما تشکر می‌کنم. ما با تقویت روابط با هم و در کنار هم با ایران مقابله می‌کنیم.»

افزایش نظارت بر ایران

خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان: کمیته امور مالی مجلس نمایندگان آمریکا در ادامه مواضع خصمانه واشنگتن علیه کشورمان، طرح افزایش نظارت بر دسترسی ایران به اعتبارات مالی را تصویب کرد. همزمان با افزایش اقدامات کنگره آمریکا برای اعمال فشار به ایران، یکی از کمیته‌های کلیدی مجلس نمایندگان آمریکا طرحی را تصویب کرد که می‌تواند با توافق هسته‌ای ایران در مغایرت باشد. قانون افزایش نظارت بر دسترسی‌های ایران به اعتبارات مالی، شرایط را برای ایران جهت خرید هواپیماهای مسافربری از شرکت‌هایی که در آمریکا مشغول به فعالیت هستند، دشوارتر می‌کند. کمیته امور مالی مجلس نمایندگان آمریکا با ۳۸ رأی مثبت در برابر ۲۱ رأی منفی با ادامه روند قانونی اجرای این طرح موافقت کردند که راه را برای رأی‌گیری آن در صحن علنی مجلس هموار می‌سازد.

کارشکنی آمریکا در مسیر ارسال کمک‌های بشردوستانه

خبرگزاری ایرنا: بسیاری از اشخاص و نهادهای خیریه در خارج از کشور اعلام کرده‌اند به دلیل قوانین تحریمی وزارت خزانه‌داری آمریکا نتوانسته‌اند کمک‌های خود را به ایران ارسال کنند. وزارت خزانه‌داری آمریکا با انتشار بیانیه‌ای به طور رسمی از گروه‌های غیر دولتی که قصد کمک به زلزله‌زدگان ایران را دارند، خواست تحریم‌های آمریکا را رعایت کنند. این در حالی است که این وزارتخانه پیش از این ادعا کرده بود تمهیدات لازم را برای ارسال کمک‌های مالی به زلزله‌زدگان ایران فراهم کرده است.

رد پای ایران دیده می‌شود!

خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان: بن کاردین در اظهاراتی واهی، ایران را به دست داشتن در حمله موشکی نیروهای یمنی به پایتخت عربستان سعودی متهم کرد. بن کاردین، معاون کمیته روابط خارجی سنا و از اعضای دموکرات این مجلس از ایالت مریلند، طی بیانیه‌ای ضمن هشدار درباره بحران انسانی یمن، ایران را به دست داشتن در ماجرای حمله موشکی به عربستان متهم کرد. در این بیانیه آمده است: «اقدام عربستان سعودی در اعلام این مطلب که بندرها و حریم هوایی در مناطق تحت کنترل دولت (مستعفی) یمن باز می‌شود، گام اول مثبت برای پایان دادن به محاصره یمن است.»

هویت

آمریکا: تبعیض جدید نژادی علیه سیاه‌پوستان

نقض حقوق سیاه‌پوستان در آمریکا هر روز ابعاد گسترده‌تری می‌گیرد، چنانکه حتی به آنها اجازه داشتن قبرستان هم داده نمی‌شود، اقدامی که موجب شد تا فعالان مدنی و سیاه‌پوستان واشنگتن دی‌سی در اعتراض به ساخت پارکینگ روی قبرستان تاریخی سیاه‌پوستان دست به تجمع اعتراضی زدند. معترضان با حمل پلاکارد و دست نوشته‌هایی که روی آنها نوشته بود: «قبرستان ما را از ساختن نجات بدید»، «پارکینگ روی قبرستان ممنوع است»، «گذشته را آسفالت نکنید»، «قبرستان موزه تاریخ سیاه‌پوستان را نجات بدهید»، «ساخت پارکینگ روی قبرستان سیاه‌پوستان ممنوع»، «قبرستان باید موزه شود» و «زندگی رنگین‌پوستان با ارزش است» به طرف قبرستان مورد نظر راه‌پیمایی کردند.

آلمان: گسترش نظام جاسوسی

در اقدامی که اعتراض نهادهای حقوق بشری را به دنبال داشته، آلمان به منظور گسترش فعالیت‌های جاسوسی خود تصمیم دارد برای سازمان اطلاعات امنیت خود دستگاه‌های ماهواره‌ای جاسوسی را فراهم کند. آلمان می‌خواهد نظام جاسوسی سازمان اطلاعات و امنیت خود را گسترش دهد، برای این منظور ماهواره‌های جاسوسی دریافت می‌کند. رسانه RND آلمان با استناد به محافل امنیتی در برلین گزارش داد که دستور ساخت سه ماهواره برای این منظور در همین ماه داده می‌شود. کمیسیون بودجه پارلمان آلمان برای این منظور در ابتدای کار حدود ۴۰ میلیون یورو را در نظر گرفته است. این در حالی است که نهادهای حقوق بشری درباره پیامدهای این رفتارها هشدار داده و تأکید دارند این اقدامات موجب افزایش دخالت‌ها در زندگی شخصی شهروندان خواهد شد که محدود کننده آزادی‌های فردی است.

فرانسه: ممنوعیت برگزاری نماز جمعه

محدودیت‌ها علیه مسلمانان در فرانسه هر روز بیشتر می‌شود، چنانکه حتی برگزاری نماز جمعه آنها که به دلیل نداشتن مراکز و مساجد مناسب در خیابان‌ها برگزار می‌شود نیز با محدودیت مواجه شده است. شهرداران فرانسوی در شهر «کلیشی» واقع در استان «او دو سِن» علیه برگزاری نماز جمعه در خیابان‌ها تظاهرات کردند. این تظاهرات به درخواست «رِمی موزو» شهردار شهر کلیشی از حزب راستگرای «جمهوریخواهان» و با هدف جلوگیری از برگزاری نماز جمعه در این شهر برگزار شد. نهادهای مدنی اعلام کرده‌اند؛ شهردار می‌خواهد به برگزاری نماز جمعه در خیابان پایان بدهد، ما تا آغاز گفت‌وگو و تا اختصاص محلی مشخص برای برگزاری نماز، به این اقدام (برگزاری نماز در خیابان) ادامه خواهیم داد. در فرانسه قوانین سختگیرانه‌ای علیه مسلمانان اجرا می‌شود که بخشی از آن در مقابل ممنوعیت حجاب و بخشی نیز در محدودیت‌های گسترده برای برگزاری مراسم دینی است.

یمن: تمام شدن مواد غذایی

جنایات سعودی و حامیان غربی آن علیه مردم یمن فاجعه‌ای انسانی را رقم زده است، چنانکه سازمان‌های بومی و بین‌المللی فعالیت‌ها و کمک‌های بشردوستانه خواستار بازگشایی فوری راه‌های دریایی، هوایی و زمینی در یمن شدند تا ورود کمک‌های بشردوستانه و مواد غذایی و انواع دارو و سوخت به کشور یمن تضمین شود. این سازمان‌های بشردوستانه هشدار دادند؛ هفت میلیون یمنی از کمک‌هایی که دریافت می‌کردند، محروم شده‌اند. این در حالی است که مقادیر مواد غذایی که برای آنها تخصیص یافته رو به پایان است. این هشدارها در حالی مطرح می‌شود که ائتلاف سعودی همه راه‌های دریایی، هوایی و زمینی کشور یمن را بسته است. این سازمان‌ها خواستار بازگشایی فوری این گذرگاه‌ها شدند. کشورهای غربی برای فروش سلاح به سعودی از مقابله با این جنایات ضد بشری خودداری کرده و به حمایت از آن ادامه می‌دهند.

صبح صادق
دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۶ | سال هجدهم | شماره ۸۲۵

می‌خواهیم ایران را مهار کنیم

بنیامین نتانیاهو، نخســت‌وزیر رژیم صهیونیستی در سخنانی در مجمع عمومی فدراسیون یهود در آمریکای شمالی در لس‌آنجلس گفت: چیزی نمی‌تواند مانع تلاش اسرائیل برای مهار ایران شود، حتی اگر اسرائیل مجبور شود به تنهایی اقدام کند. تهران مشغول توطئه‌چینی برای نابودی اسرائیل از طریق سوریه است و به همین دلیل ایران قصد دارد حضور نظامی خود در سوریه را تقویت کند.

نگاه

مشق سیاست رسوایی

□ **مصطفی قربانی /** استفاده جناحی و جریانی از هر پدیده‌ای و به عبارتی، سیاسی و جناحی کردن و دیدن هر پدیده‌ای ولو پدیده‌های غیرسیاسی و تلاش برای بهره‌برداری‌های سیاســی از این قبیل قضایا، چالشــی است که به وفور در فضای سیاسی و عمومی کشــور و در ارتباط با قضایای گوناگون شاهد بوده‌ایم. پیامد این پدیده شــوم، تنزل جایگاه امر سیاســی از حالت متعالی و تدبیرگری امور است. در واقع، در این وضعیت، به جای اینکه به مسائل و چالش‌های عینی زندگی روزمره توجه شــود، به اتهام‌زنی، تخریب و حمله به رقبای سیاسی توجه می‌شــود و همه چیز از زاویه این مســئله طرح و بیان می‌شــود. به عبارتی، در وضعیت مذکور، جریان‌ها و نیروهای سیاســی بیش از آنکه به کارآمدی و حل و رفع چالش‌های کشــور بیندیشــند، به فکر پیدا کردن نقطه ضعف و فسادی در جریان رقیب خود هســتند. و در این حالت، بازار شایعات و تهمت‌های ناروا داغ است. به بیان دیگر، بارزترین نتیجه این‌گونه برخوردها با پدیده شوم فساد، رواج سیاست رسوایی(scandal politics) است؛ به این معنا که این‌گونه برخوردها ســبب می‌شود توان و شور امر سیاسی در یک جامعه، به جای اینکه از واقعیت اجتماعی و سیاسی ناشی شود، از نمایش افشاگری و رسوا کردن افراد سرچشمه بگیرد. در این حالت، سیاســت به جای آنکه رافع مشکلات باشد، خود به مانعی برای حل مشکلات تبدیل می‌شود. تازه‌ترین نمونه این پدیده در کشور، اتهام‌زنی به دولت نهم و دهم در اجرای پروژه‌های مسکن مهر در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه است؛ به گونه‌ای که افزون بر معاون اول رئیس‌جمهور، برخی رسانه‌ها نیز در حمله به دولت گذشــته به بهانه ناکارآمدی در اجرای پروژه مســکن مهر ســنگ‌تمام گذاشتند و تیترها و عکس‌های اصلی روزنامه‌ها و پایگاه‌های خود را به خرابی مسکن مهر و تلفات ادعایی خود اختصاص دادند. حال آنکه همزمان با این خبرپراکنی‌ها و ادعاهای آنها، اداره کل راه و شهرسازی استان کرمانشاه اعلام کرد آمار کشته‌شدگان در منازلی که در قالب طرح مسکن مهر ساخته شده‌اند، تنها دو نفر بوده است.

در واقع، آنچه در اینجا جای بسی نکوهش دارد، اقدام غیراخلاقی و اتهام‌زنی برخی مسئولان دولتی، نخبگان و رسانه‌ها است که چگونه سیاست رسوایی را مشق کرده و از هر وسیله و بهانه‌ای برای حمله به رقیب خود استفاده می‌کنند. حال آنکه این‌گونه سیاه‌نمایی نسبت به اقدامات دولت‌های گذشته می‌تواند نارضایتی به نظام را به دنبال داشته باشد. به عبارتی، معلوم نیست در حالی که مسئله ضروری زلزله‌زدگان، کمک‌رسانی و تلاش برای کاستن از حجم انبوه اندوه آنها است، طرح این قبیل مسائل چه منطقی دارد. افزون بر این، احتمال دارد فرض مقامات دولتی و رســانه‌هایی که این گونه اظهاراتی را بیان می‌کنند، این باشــد که این‌گونه در کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان و آواربرداری مناطق حادثه‌دیده تسریع کنند!

این قبیل اظهارات با هر هدف و شیوه‌ای که بیان شود، حلال مشکلات مردم نیست و مسئولان باید بیش از دمیدن در آتش اختلافات سیاسی، به راه‌حل‌های عملی برای حل مســائل زلزله‌زدگان بیندیشند. واقعیت این است که از عملکرد دولــت دهم نقدهای زیادی وجــود دارد و ما در اینجا قصد دفاع از آن را نداریم؛ اما اینکه دولت نیز هر مسئله ریز و درشتی را به آن دولت نسبت دهد، منصفانه نیست؛ بلکه ترفندی نخ‌نما شده است که دیگر کارایی ندارد. ضمن اینکه، تحت هر شرایطی، از مسئولیت دولت برای پاسخگویی در قبال این مسائل هم کاسته نمی‌شود. افزون بر این، استفاده بیش از حد از این ترفند، آن را به سلاحی ناکارآمد تبدیــل کرده و از این رو، دولــت باید منتظر واکنش جدی افکار عمومی به این فرافکنی‌های خود باشد.

پرتو

دو راهی حزب واحد یا ائتلاف حزبی؟!

□ **عزیز غضنفری /** تجربه شکســت در عرصه‌های انتخاباتی گذشــته، برخی نارســایی‌ها در کارویژه‌هــای حزبی یا تمایل به تقویت بیشــتر عملکردهای حزبی، جریان‌های سیاسی کشور را به تأمل در بازسازی گفتمانی در کنار نوسازی تشکیلاتی در راستای تطبیق خود با اقتضائات کنونی واداشته است. تلاش و تکاپوهای درون‌گروهی برای انحلال احزاب و گروه‌های عضو جبهه پیروان خط امام و رهبری و ادغام در یک حزب فراگیر که با استقبال بیشتر اعضا نیز مواجه شد، شاهدی برای این موضوع است که دستمایه نگارش دو سه یادداشت پیشین درباره جریان اصولگرا در این ستون شد.

نسیم حرکت به سمت شکل‌دهی به حزب فراگیر بر پرچم جریان سیاسی رقیب موسوم به اصلاحات نیز وزیدن گرفته است. با این تفاوت که تقابل‌های درون‌گروهی در آنها جدی‌تر است و موافقان و مخالفان سرسختی در دو سر طیف اصلاح‌طلبی وجود دارد. برای نمونه، مواجهه دو چهره جریان اصلاحات در این میان تأمل‌برانگیز است.

محمد عطریان‌فر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، چندی پیش در نشریه سازندگی، ارگان این حزب یادداشتی با عنوان «پیش به سوی حزب واحد اصلاحات» نوشت که وی در آن تأکید دارد که اگر وجود احزاب ضرورت دارد، تکثر آنها سمی مهلک است. عطریان‌فر پیشنهاد داد که در آینده، دوستانی که به گفتمان اصلاح‌طلبی اعتقاد داشته و به آن پایبند هستند زیر چتری واحد قرار گیرند و حزبی فراگیر و بزرگ بنیان کنند.

اما در سر دیگر این طیف، ساز دیگری کوک شده است. «سیدمصطفی تاجزاده» در پاسخ به ایده حزب واحد اصلاح‌طلبی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که جامعه ایرانی از نظر سلایق، ایده‌ها و آرمان‌ها متکثر شده و این تکثر در دو حزب جاشدنی نیستند. تاجزاده اضافه کرده به جای ساختن حزب واحد باید با ائتلاف درون جبهه اصلاحات، به اجماع رسید؛ وی این نکته را نیز مطرح کرده که تجربه نظام دو حزبی در آمریکا در جای دیگری قابلیت پیاده‌سازی ندارد با اینکه نظام‌های سیاسی در جهان به سمت مدل تعدد حزبی در حرکتند.

ایده حزب واحد اصلاحات به طور عمده از سوی گروه‌های سیاسی دنبال می‌شود که در تعیین سیاســت‌های دولت نقش مهمی دارند. چه بسا همین نکته زمینه‌های نگرانــی و مخالفت دیگر احزاب اصلاح‌طلب و افرادی مانند تاجزاده را فراهم می‌کند؛ البته مخالفت بخش اصلاح‌طلبی با ایده حزب واحد اصولی به نظر نمی‌رسد و این‌گونه نیســت که با اصل تشکیل حزبی فراگیر مخالف باشند؛ چرا که همین افراد و احزاب در دوران حاکمیت دوم خرداد تلاش می‌کردند همه احزاب سیاسی اصلاح‌طلب را در یک چارچوب حزبی مجتمع کنند؛ هر چند این خواسته آنها هیچ وقت به دلیل اجماع نشــدن در مبانی نظری و مرجعیت رهبری جامه واقعیت به تن نکرد؛ بنابراین امروز نیز می‌توان حدس زد که چرایی تقابل آنها با ایده حزب واحد و فراگیر اصلاح‌طلبی به این نکته برمی‌گردد که تصور می‌کنند، پی ریزی حزب واحد در مقطع کنونی که جریان دولت و احزاب مؤثر مرتبط با آن، ابتکار عمل را به دست دارند، ممکن است اختیار و نقشــی درخور برای آنان در نظر گرفته نشود؛ چرا که برخی از اینان عادت دارند خود همه کاره باشند و به اسم دموکراسی برای دیگران تعیین تکلیف کنند.

البته این مسئله، از تبیین همه دلایل ماجرای مخالفت عاجز است. اصلاح‌طلبانی که پس از انحلال دو قلوی افراطی مشارکت و مجاهدین به دلیل نقش‌آفرینی در فتنه ۸۸، در حــزب اتحاد ملت جایابــی و آرایش گرفته‌اند به همراه برخی از احزاب دیگر نزدیک به این حزب سیاسی، به انتخابات ۱۴۰۰ چشم دوخته و علاوه بر حمایت صوری از دولت، سناریو و برنامه‌ای هم برای حضور مستقل در آن پیش‌بینی کرده‌اند. وضعیت این روزهای برخی از احزاب و نیروهای حامی دولت که سخن از تقدم «استراتژی بر ایدئولوژی» می‌کنند، به نگرانی بازیگران مؤثر اصلاح‌طلبی دامن می‌زند که به صراحت بزرگ‌ترین آفت چنین ائتلاف و نزدیکی و حتی انعطاف در برابر آن را خطر بی‌هویتی اصلاح‌طلبی قلمداد کنند و با قاطعیت از رفتن به ســمت آن حذر کنند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبانی که مصممند در سپهر سیاست ایران همچنان راه و گفتمان فکری متمایل به غرب را پی بگیرند، با تشکیل حزب واحد و فراگیر تحت لوای کسانی که این روزها آنان را اصلاح‌طلبان بدلی می‌نامند، قرار نگیرند.

بازنگاه صبح صادق به چهار چالش اساسی اقتصاد ایران

نگاه لیبرالی مانع تحقق اقتصاد مقاومتی است

□ **علی قاســمی /** بــا پیروزی انقــلاب اســلامی در عرصه‌هــای دفاعی، امنیتی، سیاسی و تا حدی فرهنگی، برای تحقــق نظامی که متناســب با نظام ایده‌آل اسلامی باشــد بــه موفقیت‌هایی دســت یافته‌ایــم و به نوعــی در موقعیت فعلی به الگویی حداقل در ســطح منطقه تبدیل شده‌ایم، اما در حوزه اقتصاد هنوز نتوانســته‌ایم تحولات جدی و اساسی متناسب با ساختار سیاسی و اســلامی داشته باشیم، به طوری که بســیاری از مسائل و مشــکلاتی که از پیش از انقلاب با آنها مواجــه بوده‌ایم، بعد از انقلاب همچنــان ادامه داشــته و تا امروز لاینحل مانده اســت. پس می‌توان گفت در این بخش از نظر راهبردی نظام‌سازی اقتصادی صورت نگرفته، یعنی نتوانسته‌ایم نظامی اقتصادی متناســب بــا جمهــوری انقلاب اســلامی ایران تأسیس کنیم. حال باید دید واقعاً توان و ظرفیت این کار را نداریم، یا تاکنون خواســت و اراده‌ای بــرای انجــام آن وجود نداشــته اســت؟ بنابراین اشکالی که به ما برمی‌گردد این اســت که به طور جدی یک نهاد، تشکیلات یا ســازمانی را برای برطرف کردن ایــن نقطه ضعــف بــزرگ ایجاد نکرده‌ایم. عدم اصلاح ســاختاری و بنیادین در بخش اقتصاد ســبب شده اســت اقتصاد از مسیر اصلی خود که مبتنی بر اقتصاد اســلامی و با نگاه به ســاخت درونی قدرت اقتصادی باشــد، منحرف شده و به سمت اقتصادی کاملاً لیبرالی و به اصطلاح نیاورانی سوق پیدا کند. در این نوشتار سعی شده این موضوع به عنوان مهم‌ترین چالش‌های نظام اقتصــادی ایران تبیین شــود. در فرصت‌های بعدی بــه چالش‌های اقتصادی به اجمال پرداخته خواهد شد.

۱ـ رخنه تفکر لیبرالی در نظام اقتصادی و به حاشیه رفتن اقتصاد اسلامی

ضعف باور به اقتصاد اسلامی، رخنه تفکر لیبرالی در مراکز علمی، آموزشی و پژوهشی، کمبود منابع علمــی اقتصاد اســلامی و نیروی انسانی باورمند به اقتصادی اسلامی و همچنین نبود اراده‌ای قوی برای نظام‌ســازی اقتصادی سبب فقدان الگوی اقتصادی جامع متناســب با آرمان‌های نظام اسلامی شده است. شکل‌گیری ناخواسته نظام لیبرالی در حوزه اقتصــادی و پذیرش این تفکر از سوی بسیاری از اقتصاددانان و بخشی از مسئولان سبب شده تا طرفداران اقتصاد لیبرالی روزبه‌روز بیشــتر شــوند و روند رو به تزاید این وضعیت به فاصله‌گیری جامعه اقتصادی کشــور از اقتصاد اسلامی منجر شده اســت. مضافاً اینکه در هم تنیدگی جریان لیبرالیســم در مدیریت‌های مختلــف اقتصادی و رخنه عمیق در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی و برخورداری این جریان از منابع مالی فراوان و نفوذ در نهادهای مرجع اقتصادی به گونه‌ای است که متأسفانه به احتمال قوی این تفکر در آینده نقش بیشتری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کلان اقتصادی کشــور ایفا خواهد کرد و ســیطره بر مدیریت کشور از سوی این تفکر بیشــتر خواهد شد. نگاه لیبرالی و سرمایه‌داری بر مدیریت اقتصادی با توجه به ضعف باور و درک ناصحیح از تــوان و ظرفیت درونی، امکان تحقق اقتصاد مقاومتی را از کشور می‌گیرد. در همین راستا پژوهشی نشان داد که اقتصاد ما از مسیر مبانی اسلامی منحرف شده و چیزی به نام اقتصاد اســلامی در کشور وجود ندارد.

برخــی از پژوهشــگران صاحب‌نظــر در این حوزه معتقدند کــه اقتصاد مــا تنها پنــج درصد اســلامی است، پس با این وضعیت می‌تــوان گفت، مهم‌ترین آســیب نظام اقتصادی کشور ما خارج شدن از اقتصاد اسلامی است. برای نمونه اگر در قراردادهــای بانکی به طور دقیق پنج موضوع بنیادین اقتصاد اســلامی و فقهی، از جمله مضاربه، جعاله، اجاره، مســاقات و مضاربه تدوین شــود و نــکات کلیدی در قراردادهــای موجود در کشــور و همچنین در بانک‌ها عملیاتی شود، بخش گســترده‌ای از اقتصاد کشور خود به خود به سمت اسلامی شدن سوق پیدا می‌کند و بقیه موضوعات اقتصادی را می‌تــوان در داخل بر اساس مبانی موجود بومی‌سازی کرد.

با پیــروزی انقلاب اســلامی بسیاری از ساختارها و سازمان‌ها که با نگاه لیبرالی تهیه شــده بود و در غرب کاربرد دیرینه داشت در داخل کشور بازسازی و بومی‌سازی شده و به الگوی خوبی تبدیل شــده است. اگر چه در بانک‌ها به نوعی صوری و فرمالیته وام‌ها و تسهیلاتی در قالب اجــاره، مضاربه یــا جعاله پرداخت می‌شود، اما به نظر می‌رسد شرایطی که فقه پیش روی ما قرار داده است، بــا آنچه امروز به آن عمل می‌کنیم، بسیار متفاوت است. در این وضعیت باید حوزه‌های علمیه، دانشــگاه‌ها و مؤسساتی که بیشتر با نگاه اسلامی تأسیس و اداره می‌شــوند، دغدغه جدی برای کادرسازی و تهیه متون اقتصاد اسلامی در دستور کار داشته باشند تا در یک برهه زمانی معتقدان به اداره اقتصاد اسلامی بیشتر از وضع موجود باشد تا این‌گونه بتوان گام‌های اساسی در این عرصه برداشت.

۲ـ مشکلات عدیده بانک‌ها و مؤسسات پولی و مالی

عدم اجرای بانکداری اسلامی، عدم شفافیت اقتصادی نظام بانکی، نبود سیستم نظارت دقیق و شفاف بر عملکــرد بانک‌ها به موازات عدم نظارت دستگاه‌ها در حُسن اجرای قانــون نظــام بانکی از یک ســو و بنگاه‌داری نظام بانکی، بالا بودن نرخ سود بانکی، شکاف سیاست‌های نظام پولی و بانکــی، عدم تنقیح قوانین پولی و بانکی و خلأ قوانین متناسب با نیازها و فعالیت‌های سوداگرایانه بانک‌هــا در بخش‌هــای غیرمولد از ســوی دیگر و شــمار بدهکاران میلیــاردی، بانک‌ها را در آســتانه ورشکستگی قرار داده که بسیاری از کم و کســری‌ها را در این مدت شاهد هســتیم. تداوم این وضعیت در آینده با توجه به گسترش رویکرد رو به تزاید سوداگرایی بانک‌ها، عدم نهادینه شــدن دولت الکترونیک، ظرفیت فسادخیزی بانک‌ها را شدّت بخشیده و تداوم این وضعیت جامعه اسلامی را با گســترش ثروت‌های بادآورده مواجه خواهد کرد، افزایش شــکاف طبقاتی و دو قطبی شدن تعارضات ســبک زندگی دارا و ندار سبب بروز بحران عدالت اجتماعی خواهد شــد و نظام اســلامی را با چالش بی‌اعتبــاری روبه‌رو خواهد کرد. نگاهی به گزارش‌های منتشر شــده از عملکرد بانک‌های کشور در این سال‌ها وجود چالش بانک‌ها را مبرهن می‌ســازد. حال اگر نظام بانکی کشور بخواهد با همین روند به فعالیت خود ادامه دهد، در آینده نزدیک با مشکلات اساسی در این حوزه مواجه خواهیم شد؛ از این رو برای برون‌رفت از این شــرایط باید تدابیری راه‌گشا اتخاذ شود. در ابتدا باید تحلیل کرد که چه عواملی باعث وقوع این اتفاق شد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت عوامل متعددی در ایــن زمینه دخیل بوده اســت. عامل عمده در این بخش تشــدید بنــگاه‌داری بانک‌ها اســت. قانون بانکداری مصوب سال ۶۲ بانک‌ها را مجاز کرده تا ۴۰ درصد سرمایه خود را به سرمایه‌گذاری مستقیم، یعنی بنگاه‌داری اختصاص دهند. همچنین در بسته نظارتی شبکه بانکی مصوب ســال ۸۷ در بنــد ۲۷، بانک‌ها از هرگونه بنگاه‌داری منع شــده‌اند و حتی مقرر شده بخشی از بنگاه‌های خود را واگذار کنند. رســالت بانک باید جمع‌آوری نقدینگی و هدایت آنها به ســوی کارهای مولد باشد؛ یعنــی پــس از تجهیــز منابع آن را در اختیــار فعــالان اقتصادی و متقاضیان دریافت تســهیلات قرار دهــد. با ایــن توصیــف، برخی از بانک‌هــا بنا به گفته معاون نظارتی بانــک مرکزی بالاتــر از حد مجاز ۶۰ تا ۷۰ درصد سرمایه بنگاه‌داری می‌کنند. پس فعال شــدن بانک‌ها در بازارهای غیرمولد مشکل اساسی بانک‌ها و مؤسســات پولی و مالی اســت. چون مردم بخش زیادی از سرمایه‌شان را به بانک‌ها سپرده‌اند و بانک‌ها هم طبق سررسید به صورت ماهیانه باید متوسط بالای ۲۰ درصد ســود برای این ســپرده‌ها در نظر بگیرند. بانک‌ها برای اینکه سریع‌تر و آسان‌تر به ســودهای بالا برسند به بازارهای غیرمولد و غیرتولیدی ورود می‌یابند و بیشتر در بازارهای موازی سرمایه‌گذاری می‌کنند که در اینجا نقش بنــگاه‌داری بانک‌ها بیشتر می‌شود. برخی از بانک‌ها هم ناشیانه در بازارهایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که به این زودی نمی‌توانند سرمایه‌شــان را نقد کننــد. البته تســهیلات تکلیفــی دولت، ضعف سیســتم نظارتی، بدهی دولت به بانک‌ها و مجموع عوامل فوق سبب شده که بانک‌ها دچار مشکل شوند و اگر از این وضعیت خارج نشویم، فضا برای اقتصاد ایران سخت خواهد شد؛ چرا که بخش زیادی از مردم با بانک‌ها مراوده دارند و اگر مشکلی بــرای بانک‌ها پیش بیاید شــاهد اختلال، بــه هم‌ریختگی وضعیت اقتصادی و ســخت شدن معیشت بخش وســیعی از جامعه خواهیم بــود. برای خــروج از این وضعیت در برخی بانک‌ها باید ادغام صورت بگیرد و مجوز برای راه‌اندازی بانک جدید داده نشود و در کنار افزایش نظارت‌هــا، تمام تلاش بانک‌ها باید بر روی کاهش هزینه‌های بانکداری متمرکز شود.

> **شکل‌گیری ناخواسته نظام لیبرالی در حــوزه اقتصادی و پذیرش این تفکر از سوی بسیاری از اقتصاددانــان و بخشــی از مسئولان سبب شده تا طرفداران اقتصاد لیبرالی روزبه‌روز بیشتر شــوند و روند رو به تزاید این وضعیت به فاصله‌گیری جامعه اقتصادی کشور از اقتصاد اسلامی منجر شده است**

> **پژوهشگران صاحب‌نظر در این حوزه معتقدند که اقتصاد ما تنها پنج درصد اسلامی است، پس با ایــن وضعیت می‌توان گفت، مهم‌ترین آســیب نظام اقتصادی کشور ما خارج شدن از اقتصاد اسلامی است**

۳ـ تشدید فاصله طبقاتی

پیــش از پرداختــن بــه این موضوع، بایــد گفت وجود اختلاف طبقاتــی امــری اجتناب‌ناپذیر و طبیعی اســت؛ ولی در کشور ما که یکی از برجســته‌ترین شعارهایش به هنگام پیروزی انقلاب اســلامی، «عدالــت» و توزیع عادلانه ثروت و بهره‌منــدی آحاد جامعه از منابع و ثروت کشور بود، این فاصله طبقاتی باید اصلاح شود و برای آن چاره‌ای اندیشید. از سوی دیگر، با توجه به نقش مهم دولت در اقتصاد و توزیع ثــروت، باید به گونــه‌ای مدیریت اقتصادی صــورت گیرد که عوامل بــروز اختلاف طبقاتی در کشــور کاهش یابد. بی‌شک، دولت‌ها با در اختیار داشتن ابزار قدرت باید نقش خود را در توزیع ثروت ایفا کنند تا از بروز شکاف طبقاتی تا حد امکان جلوگیری شود یا در جهت کاهش اختلاف طبقاتــی گام‌های مؤثری بردارند. تردیدی نیست که شکاف طبقاتی محصول نظام‌های اجتماعی و منشأ بســیاری از نابسامانی‌های اجتماعی است و اگر خوب مدیریت نشود، خدای نکرده به نافرمانی مدنی منجر می‌شود.

اختلاف طبقاتی نظام آموزش و پرورش، نبود خدمات بهداشــت عمومی و امــکان بهره‌مندی همه، گســترش فســاد و قاچــاق کالا، گسترش پدیده رانت‌خواری، تورم بالا، بیکاری، توزیع ناعادلانه ثروت، اختصــاص نیافتــن منابع عظیم و ثروت‌هــای کشــور در جهت رفع نیازهای جامعه و ســرمایه‌گذاری ناکافی در بخش سرمایه انسانی و... سبب تشدید «نابرابری درآمدی» و «انتقال ثــروت از دهک‌های پایین درآمدی به دهک‌های بالا» می‌شود. البته باید گفت، دین مقدس اسلام با واقع‌بینی اختلاف طبقاتی و اختلاف در ســطح زندگی مــادی با دو امر واجب خمس و زکات برای تعدیل زندگی طبقات مختلف برنامه‌های پیشدستانه‌ای داشــته است؛ برای نمونه پرداخــت یارانــه نقدی به دلیل انتقــال ثروت بین دهک‌های جامعــه راه‌حلی کوتاه‌مدت در یک مقطع برای کاهش فاصله طبقاتی محســوب می‌شــد. دولت با اتخاذ تدابیر مناســب، از جمله توســعه ســرمایه‌گذاری، نظــارت دقیق بر اعتبارات اشتغال‌زایی، زمینه‌سازی برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، کاهش ریســک بخش خصوصی از طریق ثبات سیاست‌ها، رفع موانع فضای کسب‌وکار، تعدیل نرخ بیکاری، مبارزه هدفمند با قاچاق و فســاد و کاهش نابرابری می‌تواند اقدامات جدی برای کاهش فاصله طبقاتی انجام دهد. شاخص درآمد خانوار یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های وضعیت اقتصادی یک کشور است که بهبود آن نشان‌دهنده وضعیت مناسب خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی و بخش‌های مختلف کشــور است؛ اما با نگاه به ســطح درآمدی سال ۹۵ برداشــت می‌شــود که درآمد بیــن خانوارها فاصله بســیاری با اســتانداردهای جهانــی دارد. در گزارش میزان سطح درآمدی سال ۹۵ آمده اســت: دهک اول فقرای جامعه برای تحصیل فرزندان خود چهل هزار تومــان هزینه کرده‌اند؛ یعنی یک دانش‌آمــوز دهک اولی برای یک سال تحصیل چهل هزار تومان هزینه کرده است؛ اما دهک دهم برای تحصیل فرزند خود مبلغ یــک میلیون و نهصــد هزار تومان هزینه کرده است. به عبارتی، فاصله هزینه دانش‌آموز دهک یکم و دهم ۴۷/۵ برابر اســت. در بخش لباس و کفش نیز، طبق گزارش ســطح درآمدی ســال ۱۳۹۵ کم‌درآمدها مبلغ ۱۲۶هزار تومان هزینه کرده‌اند؛ ولی پردرآمدها حدود پنج میلیون تومان را به ایــن بخش اختصاص داده‌اند. در بخش‌های دیگر، مانند تفریــح و درمان وضــع به همین منوال اســت. در حال حاضر، وضع دهک‌های بــالای جامعه به نحوی اســت که ثروتمندان ایران سطح درآمدشان با ثروتمندان آمریکایی و کشورهای اروپایی برابری می‌کند.

> **نگاه لیبرالی و سرمایه‌داری بر مدیریت اقتصادی با توجه به ضعف بــاور و درک ناصحیح از توان و ظرفیت درونی، امکان تحقق اقتصــاد مقاومتی را از کشور می‌گیرد. در همین راستا پژوهشی نشان داد که اقتصاد ما از مسیر مبانی اسلامی منحرف شــده و چیزی به نام اقتصاد اسلامی در کشور وجود ندارد**

۴ـ ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی

در بحــث صندوق‌هــای بازنشســتگی گزارش‌های متعددی منتشر شده که همه این گزارش‌ها وضعیت این صندوق‌ها را بحرانی یا در آستانه بحران نشان می‌دهد؛ چرا که افراد بسیاری مخاطب صندوق‌ها هستند. گفتنی اســت، اگر مشکل صندوق‌ها حل نشــود، به طور حتم به یک بحــران جــدی برخواهیم خــورد و دامنه این بحــران نه یک بخش یا یک قشــر، بلکه کل جامعه را درگیر خــود خواهد کرد. نگاهی اجمالی بر وضعیت صندوق‌های بیمه بازنشستگی در کشور بیان کننده این واقعیت است که کم‌وبیش همه آنها با مشکلات مالی روبه‌رو هستند و در صورت تداوم روند فعلی ادامه حیات آنها و به طور کل پایداری آنها با ابهام و مخاطره روبه‌رو خواهد بود. به اذعان یکی از مسئولان بیمه‌های اجتماعی، صندوق بازنشســتگی کشوری ۷۶ درصد منابع خود را از طریق بودجه عمومی دولت تأمین می‌کند؛ چون ورودی صندوق کفــاف خروجی را نمی‌دهد. صندوق نیروهای مسلح هم حدود ۶۷۰ هزار نفر مستمری‌بگیر و ۵۷۰ هزار نفر بیمه‌پرداز دارد که این نشان‌دهنده کسری این صندوق است و اگر فکری به حال آنها نشود، دچار مشکل می‌شــوند. جالب اینجاست که در حال حاضر اگر سازمان تأمین اجتماعی تا پایان سال روند موجود را ادامه دهد، مبلغ ۱۵۵ هزار میلیارد بدهکار می‌شود؛ از این رو دولت اعلام کرده است منابع مازاد دولتی واگذار شود و مبلغ ۵۰۰۰ هزار میلیارد به تأمیــن اجتماعی اختصاص یابد. در صورتی که کسری بودجه در سازمان تأمین اجتماعی حــدود ۱۵۵ هزار میلیارد اســت. این موضوع چالشی جدی به شمار می‌آید که می‌تواند به دیگر صندوق‌ها سرایت کند. ناگفته نماند که وضعیت دیگر صندوق‌های بازنشســتگی هم به همین صورت است.

در این مقال تنها چهار چالش عمده نظام اقتصادی و راه‌حل‌های آنها بیان شد؛ در صورتی که در طرح پژوهشی به آسیب‌ها و چالش‌های بیشتری رســیده‌ایم که در فرصت مقتضی به آنها خواهیم پرداخت.

ژرفا

طرح صلح از جنس سعودی!

□ **محمدرضا بلوردی /** طی چند ســال اخیر عربستان سعودی به واسطه رقابت منطقه‌ای شدیدی که با جمهوری اسلامی ایران دارد، به ســمت گســترش روابط خود با رژیم صهیونیســتی رفته اســت و ملاقات‌های آشکار و نهان متعددی هم بین مســئولان دو طرف صورت گرفته اســت؛ به گونه‌ای که روابط بیــن این دو به ســطحی رســیده اســت که رؤیای همیشگی مقامات صهیونیســت بوده اســت. اما آنچه مقامات سعودی در چند سال اخیر با هدف عادی‌ســازی روابط با رژیم صهیونیستی انجام می‌دهند، افزون بر آسیب زدن به وحدت کشورهای عربــی، بی‌ثبات کــردن منطقه و محقق کردن مطامع آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، بیانگر رویکرد جدید آنها به مسئله فلسطین نیز می‌باشد و نشــان می‌دهد ســعودی‌ها قصد دارند با هدف جلب رضایت آمریکا در مسئله مقابله با ایران، قضیه فلسطین را هم به ســرعت حل‌وفصل کنند و از دادن هرگونــه امتیاز در قبال آن ابایی ندارند.

در همیــن راســتا برخــی از منابع خبری از ســندی ســخن می‌گویند که از سوی وزارت خارجه عربستان ســعودی صادر شده و در واقع نامه‌ای است که عادل الجبیر، وزیر خارجه عربســتان ســعودی، برای محمدبن‌سلمان ولی‌عهد این کشور نوشــته و در آن به مباحثی پرداخته که دربــاره برقراری روابط بیــن عربســتان ســعودی و رژیم صهیونیستی می‌باشد.

این ســند که از آن به «طرح صلح» یاد می‌شود، پیشنهادی است کــه در آن بــر روی منافع متقابل عربستان و رژیم صهیونیستی تأکید شده و شــامل پنج بند اصلی است: در بنــد اول آن تأکیــد شــده که لازمه همگرایی کامل عربســتان و اسرائیل این است که عربستان هم مانند اســرائیل از لحاظ نظامی در سطحی باشد که بتواند با در اختیار داشتن ســلاح‌های نامتعارف نوعی بازدارندگی بــرای خود ایجاد کند. در بند دوم بر ضرورت اختیار عمل عربستان برای حل دو مسئله اصلی در قضیه فلســطین، یعنی مسئله قدس و موضوع آوارگان فلسطینی تأکید شده اســت. بند سوم هم بر ضرورت هماهنگی و اتفاق نظر بین عربســتان و ایالات متحده آمریکا در قضیه فلســطین تأکید می‌کند. در بنــد چهارم بر نقــش کارآمدتر عربستان برای جذب و همسوکردن دیگر کشــورهای عربــی به منظور عادی‌سازی روابط با عربستان تأکید شده اســت. در بند پنجم هم آمده است که طرف‌های مؤثر در منطقه باید روی خطر اصلی منطقه (ایران) متمرکز شوند.

اگر آنچه به عنوان سند وزارت خارجه عربستان ســعودی منتشر شده است را در کنار تحولات دیگری مثل ســفر رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان سعودی در ماه می گذشته، تلاش‌های آمریکا برای امضای یک توافق‌نامه صلح بین عربستان و رژیم صهیونیستی، ســفر محرمانه چند هفته اخیر ولی‌عهد عربستان سعودی به سرزمین‌های اشغالی و دیدارهای مقامات سیاسی و اقتصادی سعودی و صهیونیستی و حمایت‌های رژیم صهیونیســتی از اقدامات داخلی و خارجی اخیر مرتبط با عربســتان قرار دهیم، پیوند بین آنها قابل درک خواهد بود.

به نظر می‌رسد مقامات سعودی به واســطه نگرانی‌هایی که از نفوذ منطقه‌ای روزافزون جمهوری اسلامی ایران دارند، در درک مسیر صحیح دچار مشکل شده‌اند و به همین دلیل است که از هر ابزاری بهره می‌گیرند تــا حامیان خود را بــرای مقابله با ایران پشــت سر خود داشته باشند. طبیعی اســت که برای این منظور بهتر از آمریکا و رژیم صهیونیستی طرف بهتری برای ریاض پیدا نخواهد شد؛ چرا که هر سه به دنبال مقابله با حضور ایران در منطقه هســتند و در این مســیر این آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند که از عربستان ســعودی برای محقق کردن اهداف خــود بهره‌بــرداری خواهند کرد و نتیجه آن هم جز ضرر و زیان برای کشــورهای عربی و از دست رفتن آرمان فلسطین نخواهد بود.

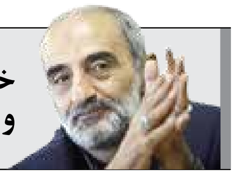

خلاف مصالح و منافع ملی

حسین شریعتمداری نوشت: پرسشی از شورای عالی امنیت ملی، هیئت نظارت بر مطبوعات و دادستانی تهران مطرح است و آن اینکه نزدیک به ۱۰ میلیون نفر از مردم که عمدتاً از اقشار محروم و شریف کشورمان هستند؛ یعنی قریب به ۱۲/۵ درصد جمعیت کشور در ساختمان‌ها و مجتمع‌های مسکن مهر ساکنند. سؤال این است که آیا ایجاد دلهره و ترس از تخریب احتمالی مسکن و فرو ریختن آوار بر سرشان که روزنامه‌های زنجیره‌ای آن را در شیپورهای فریب خود می‌دمند، «خلاف مصالح و منافع ملی» نیست؟!

انعکاس

مدیریت دانش ـ ۵
ویژگی‌های دانش

□ **مهرداد تاجیک/** در ادامه مبحث مدیریت دانش، در این شماره به ویژگی‌های دانش می‌پردازیم.

«الی» ویژگی‌های زیر را برای دانش برشمرده است:

۱ـ دانش، نامرتب و به هم ریخته است. این ویژگی از خصلت انتزاعی بودن دانش نشأت گرفته است. با وجود به هم ریختگی دانش، در جست‌وجوی نوعی وحدت و انسجام است. در حقیقت این ویژگی دانش تابعی از یک نوع نظم غایی است.

۲ـ دانش خود سامانده است. دانش برخلاف اطلاعات، قدرت سازندگی خود را نیز دارد. دانش شبیه موجود زنده‌ای است که در تعامل با محیط رشد می‌کند.

۳ـ مهم‌ترین عامل انتقال دانش، زبان است. برخلاف اطلاعات و داده‌ها که از طریق سامانه‌های رایانه‌ای و اسناد و مدارک و کتاب‌ها انتقال می‌یابند، زبان، مهم‌ترین عامل انتقال دانش است. این ویژگی اهمیت تعامل‌های رودررو، تیم‌ها و گروه‌های کاری را در سازمان آشکار می‌سازد.

۴ـ دانش مانند ماهی لغزنده است. ضرب‌المثل معروفی می‌گوید که نگه داشتن ماهی آسان‌تر از گرفتن آن است. سازو کارهای لازم برای حفظ و نگهداشت دانش باید در سازمان‌ها تعبیه شوند.

۵ـ دانش چند بعدی است. چند بعدی بودن دانش سبب پیچیدگی این مفهوم شده است. برای درک دانش باید ابعاد مختلف آن از جمله فردی، گروهی، سازمانی، فنی و تکنولوژیکی، نهفته و عینی را مدنظر گرفت.

۶ـ دانش یک پدیده اجتماعی است. دانش پیش از آنکه یک پدیده فنی و تکنولوژیکی باشد، یک پدیده اجتماعی است، یعنی انسان‌ها مهم‌ترین عامل شکل‌گیری و انتقال آن هستند.

۷ـ رشد دانش خود به خود اتفاق نمی‌افتد. رشد دانش در افراد، گروه‌ها و همچنین سازمان‌ها مستلزم وجود بسترهای مناسب است.

۸ـ احتمال از دست دادن دانش زیاد است. سازمان‌ها باید به این نکته مهم توجه کنند که اگر نتوانند دانش‌های نهفته افراد را مورد شناسایی قرار داده و به دانش آشکار تبدیل کنند، در اثر فراموشی این دانش‌ها را از دست خواهد داد؛ بنابراین باید در کدگذاری و دانش‌نگاری تبحر پیدا کنند.

زنجیره دانش

مسئله اساسی در تعریف کاربردی مدیریت دانش، مفهوم زنجیره دانش است. زنجیره دانش را ابتدا «کولوپولوس»، «تامز» و «اسپینلو» مطرح کردند.

چهار رابطه در زنجیره دانش وجود دارد که انسجام و بقای هر سازمانی را تعیین می‌کند. آنها عبارتند از:

آگاهی درونی (داخلی)، پاسخگویی درونی (داخلی)، پاسخگویی بیرونی (خارجی) و آگاهی بیرونی (خارجی)

توانایی عبور سریع از چهار لایه زنجیره به دانش، مهم‌ترین مزیت و فایده مدیریت دانش است.

پاسخگویی درونی:

پاسخگویی درونی (داخلی)؛ توانایی بهره‌برداری آگاهی درونی است. پاسخگویی داخلی به این موضوع توجه می‌کند که چگونه قابلیت‌ها به سرعت در سازمان به عمل تبدیل می‌شوند تا بتوانند محصول را وارد بازار کرده یا به نیاز مشتری پاسخ دهند.

پاسخگویی بیرونی:

به بیان ساده، پاسخگویی بیرونی؛ توانایی پاسخ دادن به نیازهای بازار است. وقتی که همه کارها انجام گرفت توانایی سازمان برای هرچه بهتر شدن این بخش از زنجیره دانش بیش از رقبا، میزان موفقیت یا شکست سازمان را در تحقق اهداف تعیین خواهد کرد.

آگاهی بیرونی(خارجی):

آگاهی بیرونی؛ تصویر آیینه مانند آگاهی درونی است. آگاهی بیرونی، نشان‌دهنده توانایی سازمان در شناخت و درک این موضوع است که چگونه بازار ارزش‌های موجود در محصولات و خدمات را درک می‌کند، مشتریان او چه کسانی هستند، این مشتریان چه چیزی می‌خواهند، رقبای آنها چه کسانی هستند، قابلیت‌های این رقبا چیست، نشانه‌ها و علائم بازار چیست، اقدامات رقابتی کدامند و همچنین قوانین دولتی و دیگر نیروهای مرتبط بازار که بیرون از سازمان وجود دارند. (سیف‌اللهی، ۱۳۸۸، ۴۵ـ۴۲)

کنکاش

گزارشی از موکب‌داری ایرانی در اربعین حسینی
در کنار چای عراقی، چلوکباب ایرانی توزیع نکنیم!

□ **علی محمدی*/** دو سال پیش یک پروفسور فرانسوی سخنرانی کرده و گفته بود پیش از اینکه بیایم و اینجا را ببینم، فکر می‌کردم اربعین را دولت‌های دو کشور ایران و عراق اداره می‌کنند؛ ولی در حال حاضر همه از حسین(ع) صحبت می‌کنند. هیچ کس از خودش نمی‌گوید. همه از حسین(ع) می‌گویند. وقتی به چشمان آنها نگاه می‌کنم، با همه وجودشان از حسین(ع) می‌گویند.

شروع کار موکب‌داری

از یک ماه پس از پایان اربعین جلسات خود را دایر کرده، محاسن و معایب کار خود را بررسی می‌کنیم. آنگاه شروع به جمع‌آوری نذورات و این‌طور کارها می‌کنیم و آماده می‌شویم تا یک ماه پیش از اربعین وسایل را کم‌کم خرید کنیم. وسایل در ایران ارزان‌تر است. برای آوردن وسایل با عتبات هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهیم. موکب‌های ما زیر نظر هیئت رزمندگان اسلام است. اگر موکبی بخواهد تشکیل شود، در تهران طی هماهنگی‌های صورت‌گرفته زیر پوشش ما قرار می‌گیرد و به آنها برنامه داده می‌شود و بقیه کارها را خودشان انجام می‌دهند. مکان استقرار موکب از سوی هیئت رزمندگان مشخص و هماهنگ می‌شود و بقیه کارها را خود اشخاص انجام می‌دهند. روادید آنها را هم ما برای‌شان می‌گیریم. این حرکت بسیار عظیم و ارزشمند است؛ از این رو تلاش می‌کنیم کمترین آسیبی به آنها نرسد؛ یعنی واقعاً در اربعین همه برای امام حسین(ع) که آن همه عظمت به درگاه خدا دارد خاضعانه خدمت می‌کنند.

انتخاب اسم احباب الامام رضا(ع)

انتخاب نام مواکب هیئت رزمندگان اسلام به پیشنهاد یکی از دوستان عراقی به نام آقای ابوعلی، نماینده سابق نجف انجام شد که در حال حاضر وزیر ورزش عراق است. او پیشنهاد داد که نام موکب‌های هیئت رزمندگان اسلام به نام «احباب الامام رضا(ع)» باشد که همه بدانند موکب‌های حال حاضر برای ایرانی‌ها است.

تدابیر رهبر معظم انقلاب درباره اربعین حسینی

تدبیر اول: رهبر معظم انقلاب فرمودند: «این سنت حسنه اربعین و پذیرایی از زائران از آن مردم عراق بوده و باید ما در کنار آنها در پذیرایی از زائرین ایشان را همراهی کنیم.»

تدبیر دوم: ایشان فرمودند که عکس من را پخش نکنید. به دنبال آن، آیت‌الله سیستانی هم تأیید کردند که از توزیع عکس ایشان هم جلوگیری شود.

تعداد موکب‌ها

چهارده موکبی که زیر نظر ستاد مرکزی هیئت رزمندگان اسلام کار می‌کنند، با نام موکب احباب الامام رضا(ع) شناسایی می‌شود. کار دومی که هیئت رزمندگان اسلام انجام داده، این است که حدود ۳۰ مرکز به نام مراسمات که آن را آقای مداحی مدیریت می‌کند، فعالیت‌های فرهنگی انجام می‌دهند. موکب‌های احباب الامام رضا(ع) در کربلا و نجف قرار دارند.

وظایف موکب‌ها

بعضی از موکب‌های موجود ما در مسیر به جز کار عمومی غذا درست می‌کنند؛ برای نمونه، موکب نجف اشرف که از شهرستان ساوه است، در هر وعده غذایی حدود سه هزار غذا بین مردم توزیع می‌کند. دانشگاه امام حسین(ع) در صبح نزدیک به دو هزار وعده آش بین مردم توزیع می‌کند. موکب ورامین روزی پنج هزار غذا در هر وعده توزیع می‌کند. در کربلا موکب هیئت رزمندگان یزد روزی حدود ۶۰ هزار غذا بین مردم توزیع می‌کند. در مسیر کربلا نیز موکب شهرستان خشت فارس بهترین خرما را توزیع می‌کند.

خدمات ایرانی در طول مسیر بسیار زیاد است؛ ولی متأسفانه درباره اسکان و سرویس بهداشتی تدبیر لازم صورت نمی‌گیرد و باید در این زمینه با همکاری شهرداری کربلا مکان‌هایی برای استراحت و سرویس بهداشتی مهیا شود.

چلوکباب ندهیم

اگر بخواهیم نگاه واقع‌بینانه‌ای به این حرکت عظیم و ارزشی داشته باشیم، باید دل‌های‌مان به یکدیگر نزدیک باشد تا کارهای‌مان خوب پیش برود. عراقی‌ها در مکان‌های که موکب زدیم، بسیار استقبال کردند و با بچه‌های ما دوست شدند. آنها پس از اربعین به ایران می‌آیند؛ از این رو باید این حرکت جامع‌تر و وسیع‌تر باشد و توسعه پیدا کند. برای نمونه، یک موکب در عمود ۶۵۵ که آن را هیئت رزمندگان اداره می‌کرد، با دیگر مواکب‌ها تا حدود ۵۰ متر جلوتر ارتباط برقرار می‌کرد. کار خوب دیگری که باید ایرانی‌ها به آن دقت داشته باشند، این است که خیلی غذای خود را تشریفاتی نکنند؛ چون عراقی‌ها فقیر هستند و امکانات کشور ما را ندارند. باید سطح خود را با عراقی‌ها نزدیک کنیم؛ چون در این مورد عراقی‌ها ناراحت هستند و می‌گویند قبیله‌ای هستیم که در اینجا فقط زمین داریم؛ به همین دلیل حداکثر می‌توانیم بین مردم چای توزیع کنیم؛ اما وقتی شما کنار ما چلوکباب می‌دهید، به طور مسلم مردم به چلوکباب نگاه می‌کنند. یکی از کارهای خوب دیگری که صورت گرفت، بحث رفتن هیئت‌ها به داخل حرم امام حسین(ع) بود. در شب اربعین هیئت رزمندگان اسلام دسته خود را به سمت حرم امام حسین(ع) به راه انداخت. عراقی‌ها در شب اربعین هیچ دسته‌ای را به داخل حرم راه نمی‌دهند و دو شب قبل این کار را می‌کنند؛ دلیل آن هم به ترافیک زیاد مردم برمی‌گردد. معمولاً بعضی از هیئت‌های ایرانی از جاهای دیگر کشور با مجوز وارد عراق می‌شوند؛ ولی قوی‌ترین و بزرگ‌ترین دسته عزاداری، متعلق به هیئت رزمندگان اسلام است که به مرقد امام حسین(ع) و حضرت عباس فرستادیم که حرکت خیلی خوبی بود. دسته عزاداری‌های ایرانی به صورت سالیانه صورت می‌گیرد.

هزینه‌های موکب‌داری

بیشتر هزینه هیئت‌های رزمندگان به صورت مردمی است. در مراسم اربعین هیئت رزمندگان اسلام برای ۱۴ موکب نزدیک به ۵۰۰ میلیون تومان هزینه کرده است؛ ولی شهرستان ورامین خودش به تنهایی به جز ۵۰ میلیون تومانی که از طرف ما هزینه کرده، به تنهایی حدود ۴۰۰ میلیون تومان کمک‌های مردمی آورده و هزینه کرده است. برای نمونه یک نفر بانی می‌شود و مبلغ ۵۰ میلیون تومان کمک می‌کند. در همین موکب فردی گفت که حاضرم کل هزینه را پرداخت کنم.

برای نمونه شخصی برای اسکان در چادر مبلغ ۳۰ میلیون تومان هزینه می‌کند. مردم در این زمینه هزینه می‌کنند که دلیل آن به باورهای مردم برمی‌گردد. در این زمینه سپاه، بسیج و اوقاف یک ریال هزینه نکرده‌اند. آنها بودجه خارج از شمول ندارند که اینجا هزینه کنند. ممکن است بعضی از شرکت‌ها هزینه کنند؛ چون خصوصی هستند و بودجه خود را در دست دارند. وقتی بودجه دولتی است، کسی نمی‌تواند در این مسیرها هزینه کند. وقتی اعتبار مشمول قانون شد، باید به ذی‌الحساب جواب دهد.

حضور کم‌رنگ شهرداری تهران

شهرداری تهران در بحث‌هایی که با شورای تهران اختلاف پیدا کرده بود، در اربعین حسینی امسال حضوری کم‌رنگ داشته است.

***عضو مرکزی هیئت رزمندگان اسلام**

نیم‌نگاه

بازی‌های صهیونیسم در دوران پساداعش

□ **ابوذر احمدی /** با شکست پروژه صهیونیستی ـ سعودی داعش و گروه‌های تکفیری در منطقه، جریان صهیونیسم بین‌الملل برای پیشبرد مقاصد سلطه‌طلبانه خود و نیز ملتهب ساختن معادلات امنیتی غرب آسیا دامن‌زدن به اختلافات و مناقشات قومی، مذهبی و سیاسی را در دستور کار قرار داد و در ابتدا با پیش کشیدن مسئله همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق تلاش داشت تا وضعیت سیاسی و داخلی را متشنج و بحرانی نگه دارد. با نگاهی به اقدامات تجزیه‌طلبانه، خودسرانه و بدون پشتوانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مسعود بارزانی، می‌توان این مسئله را به وضوح دریافت که هر عقل سلیم و منطقی می‌توانست از همان روز اول متوجه غایت این برنامه شود که هیچ‌گونه افق روشنی دال بر موفقیت همه‌پرسی و خودمختاری مدنظر خاندان بارزانی وجود ندارد.

جریان صهیونیسم و نظام سلطه پس از ناکامی در سناریوی همه‌پرسی استقلال در کردستان عراق، تلاش کردند تا در راستای استمرار آتش خشونت، جنگ، ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه، با آوردن جوان جاهل و ناپخته سعودی به میدان و باز کردن پرونده‌های جدید در پازل سیاسی لبنان، غائله‌ای جدید به پا کنند و معادلات سیاسی و امنیتی منطقه را عوض کنند. استعفای ناگهانی سعد حریری، نخست‌وزیر سعودی لبنان، شیوه و مکان قرائت استعفانامه وی، لحن و شتابزدگی وی، محتوای سرشار از اتهام‌زنی و افترایی که متن استعفای حریری از آن برخوردار بود، همگی حکایت از آن دارد که این مسئله نمی‌تواند بدون هماهنگی برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بوده باشد.

اما آنچه در این میان اهمیت دارد و عمده تحلیلگران سیاسی بر آن تکیه دارند آن است که جریان صهیونیسم با ایجاد ائتلافی عبری ـ سعودی به دنبال آن است که برای جبران شکست‌هایش در منطقه، با ایجاد کانون‌هایی بحران‌ساز در غرب آسیا، محور مقاومت منطقه را همچنان در فشار و شکنندگی نگه دارد؛ بنابراین، مسئله‌سازی‌های اخیر در اقلیم کردستان عراق و لبنان در همین راستا ارزیابی می‌شود.

حال جای دارد تا با نگاهی موشکافانه‌تر، رویکرد جریان صهیونیسم در دوران پس از داعش در منطقه راهبری غرب آسیا بررسی و تحلیل شود. در همین راستا، ذکر چند نکته مهم ضرورت می‌یابد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

اول اینکه، با پیروزی مقاومت و رسیدن جبهه حق به پشت مرزهای اراضی اشغالی، جریان صهیونیسم تلاش دارد تا به هر نحوی، حزب‌الله لبنان، بازوی قدرتمند مقاومت منطقه را محدود و در وضعیت شکننده و جنگ داخلی قرار دهد؛ بنابراین با توجه به حمله شدید سعد حریری به حزب‌الله، می‌توان گفت؛ این سناریو، مقدمه‌ای است برای تضعیف هر چه بیشتر حزب‌الله که با محوریت عربستان و همراهی غرب و رژیم غاصب صهیونیستی کلید خورده است.

دوم اینکه، به دنبال شکست پروژه داعش و به آتش کشیدن منطقه، تمامی تلاش‌های نظام سلطه بر افزایش فشار بر ایران و بازوی توانمند آن در منطقه، یعنی حزب‌الله لبنان تمرکز یافته که با هدف محدودسازی نفوذ و قدرت مقاومت در غرب آسیا صورت می‌گیرد این مسئله را می‌توان بارزترین ویژگی اقدام اخیر حریری دانست.

نکته پایانی اینکه، همان‌طور که سید مقاومت در سخنرانی اخیر خود گفت؛ رژیم تکفیری سعودی به دنبال ناکامی‌هایش در یمن، از مقامات صهیونیستی خواسته به لبنان حمله کند و رژیم صهیونیستی هم‌اکنون در حال بررسی این مسئله است و جالب توجه اینکه، سران جانی صهیونیستی به این مسئله پاسخ مثبت نداده‌اند؛ اما فرصت را غنیمت شمرده و در تلاشند با استفاده از ابزارهای علنی و سرّی خود، لبنان را وارد بحران سیاسی کنند و حزب‌الله را در دل این هرج‌ومرج سیاسی زمینگیر کنند. روزنامه صهیونیستی «معاریو» در این باره در گزارش اخیر خود نوشته است: «اسرائیل بیشترین بهره را از حوادث لبنان می‌برد.»

روزنه

دانسته‌ها و بایسته‌های حقوقی ـ ۶۳
اهلیت چیست؟

□ **شهریار اقتصاد /** یکی از اصطلاحات حقوقی «اهلیت» است.

اهلیت در لغت به معنای شایستگی است و در اصطلاح حقوق عبارت است از توانایی قانون شخص برای انجام اعمال حقوقی.

اهلیت بر دو نوع است: ۱ـ اهلیت تمتع؛ ۲ـ اهلیت استیفاء.

اهلیت تمتع: عبارت است از شایستگی شخصی برای دارا بودن حق یا توانایی قانونی برای دارا شدن حق که هر انسان زنده‌ای از اهلیت تمتع برخوردار خواهد بود. اهلیت تمتع را حق تمتع نیز می‌گویند.

ماده ۹۵۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد:

اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.

اهلیت استیفاء: عبارت است از توانایی قانونی برای اجرای حق و انجام اعمال حقوقی به طور مستقیم. ممکن است کسی اهلیت تمتع داشته باشد؛ ولی اهلیت استیفاء نداشته باشد؛ برای نمونه صغیر و محجور اهلیت تمتع دارند؛ ولی اهلیت استیفاء ندارند.

به استناد ماده ۲۱۰ قانون مدنی، متعاملان باید برای معامله اهلیت داشته باشند و هر کجا قانون از اهلیت نام می‌برد، منظور اهلیت استیفاء است، مگر آنکه قرینه‌ای برخلاف آن وجود داشته باشد و با عنایت به ماده ۲۱۱ قانون مدنی برای آنکه متعاملان اهل محسوب شوند، باید بالغ، عاقل و رشید باشند.

به موجب ماده ۲۱۱ قانون مدنی، اهلیت در صورتی محقق می‌شود که شخص بالغ، عاقل و رشید باشد که اکنون هر یک از شرایط سه‌گانه ذکر شده را بررسی می‌کنیم.

بلوغ: بلوغ کلمه‌ای عربی و در لغت «رسیدن» را گویند؛ ولی در اصطلاح فقهای اسلام عبارت است از رسیدن ذکور یا اناث به سنی که تمایل جنسی دارند. در اصطلاح حقوقی بلوغ عبارت است از رسیدن شخص به سن معین که در آن عادتاً شخصیت او شکل می‌گیرد و از نظر جسمی و روحی یک انسان کامل می‌شود و با احراز رشد در این سن از حجر خارج می‌گردد و می‌تواند مستقلاً در اموال و حقوق مالی خود تصرف کند. با استناد به تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.

عقل: عقل اولین شرط تحقق اهلیت است و عبارت است از نیروی فکری که شخص به کمک آن می‌تواند رفتار و اداره امور خود را به‌طور متعادل تنظیم کند و شخصی که عقل نداشته باشد، مجنون نامیده می‌شود. رشید: رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی باشد؛ یعنی عقل معاش داشته باشد و هرگاه اداره دارایی‌اش به او واگذار شده باشد، در اموال خود تعدی و تفریط نکند. ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد، غیررشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد.

برای حصول اهلیت اجتماع دو مؤلفه لازم است؛ بلوغ و رشد.

بنابراین اگر شخص به سن بلوغ رسیده باشد، طبق تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی باید رشدش ثابت شود تا بتوان اموالش را به او تسلیم کرد. در واقع، هرگاه پس از رسیدن به سن بلوغ رشد ثابت نشده باشد، شخص نمی‌تواند اموال خود را از منصرف بگیرد.

همچنین هرگاه رشد شخص پیش از رسیدن به سن بلوغ اثبات شده باشد، از او رفع حجر به عمل نخواهد آمد تا اینکه به سن بلوغ برسد. پس هرگاه پیش از بلوغ رشد او احراز شود، محجور تلقی خواهد شد تا اینکه به سن بلوغ برسد. پس برای رفع حجر احراز رشد و بلوغ ضروری است.

تکاپو

حسین حسینی بازنشسته فعال اقتصادی
دو هزار قطعه بوقلمون گوشتی پرورش می‌دهم

□ **اکبر کریمی/** در کشور ما به دلیل مصرف بالای گوشت مرغ، وقتی سخن از پرورش طیور به میان می‌آید، بی‌درنگ ذهن‌مان به سمت پرورش گوشت مرغ می‌رود، در حالی که ما پرندگان زیادی داریم که هم نسبت به مرغ دارای مقاومت بالایی هستند و هم گوشت باکیفیت‌تر و باارزش غذایی بالاتری دارند. پرندگانی مانند بلدرچین، کبک و بوقلمون از این دسته هستند. در گزارش‌های قبلی به شیوه پرورش برخی از این پرندگان پرداخته شد، در این شماره با حرفه پرورش بوقلمون گوشتی آشنا خواهید شد.

شاید در ابتدای امر سهم ارزش ریالی این پرنده در میزان درآمد اقتصادی کشور خیلی کمتر تصور شود، ولی اگر بدانیم که کشوری چون آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده بوقلمون در جهان مطرح است و نیمی از احتیاجات جهانی به گوشت بوقلمون را این کشور تأمین می‌کند، می‌توانیم به اهمیت تجاری‌سازی و ارزآوری این حرفه به ظاهر ساده و کم‌اهمیت پی ببریم.

حسین حسینی یکی از فعالان عرصه پرورش بوقلمون است که پس از بازنشستگی و برای تأمین بخشی از هزینه‌های زندگی به این شغل روی آورده است. او اکنون پنج سالی می‌شود که در شهر بوئین‌زهرا بوقلمون گوشتی پرورش می‌دهد.

او که ۶۵ سال دارد ابتدا قصد راه‌اندازی گاوداری گوشتی را داشته، اما به توصیه کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی به این حرفه روی آورده است.

حسینی از همان ابتدای شروع فعالیت، مجوز پرورش ۲۰۰۰ قطعه‌ای بوقلمون را از سازمان نظام مهندسی جهاد کشاورزی می‌گیرد و با دریافت ۴۰ میلیون تومان تسهیلات، این فعالیت را در سالنی ۴۰۰ متری شروع می‌کند. او اکنون سالن پرورش خود را به ۵۵۰ متر توسعه داده است.

حسینی درباره نحوه یادگیری و شروع این حرفه می‌گوید: «این فعالیت برای من یک فعالیت کاملاً جدید بود و من نه آموزش عملی در این زمینه دیده بودم و نه تجربه قبلی داشتم. با مطالعه و مشاهده سی‌دی‌های آموزشی و کمک گرفتن از افراد کاربلد توانستم این حرفه را شروع کنم.» وی برای افراد مبتدی و علاقه‌مند به این حرفه پیشنهاد می‌کند حداقل یک دوره عملی پرورش را نزد پرورش‌دهندگان بوقلمون، آموزش ببینند.

حسینی به همراه یک کارگر دائمی تمامی کارهای لازم سالن پرورش ۲۰۰۰ قطعه‌ای بوقلمون را انجام می‌دهد. او به دلیل شرایط سنی و نداشتن سرمایه مورد نیاز قصد توسعه بیشتر فعالیتش را ندارد، ولی درباره میزان درآمد در این رشته می‌گوید: «درآمد این شغل به میزان زیادی به تقاضای بازار بستگی دارد. اگر تقاضای بازار برای گوشت بوقلمون در حد متعارف و متوسط باشد، درآمد خوبی می‌توان در این حرفه کسب کرد.»

نحوه پرورش بوقلمون گوشتی

در روش تجاری، دوره پرورش بوقلمون گوشتی (جنس نر) چهار ماه است که پس از این مدت و با رعایت استانداردهای لازم، بسته به نژاد بوقلمون، وزن آن به ۱۳ تا ۱۸ کیلو می‌رسد.

در پرورش بوقلمون گوشتی، از هورمون استفاده نمی‌شود، چرا که ساختار بدنی این پرنده به صورتی است که استفاده از هورمون سبب فلج شدن آن می‌شود. به همین دلیل گوشت آن یکی از پاک‌ترین گوشت‌هاست. گوشت بوقلمون به نسبت گوشت مرغ کلسترول بسیار پایینی دارد و پروتئین و فسفر موجود در آن حتی از ماهی و میگو نیز بیشتر است.

وسایلی که برای پرورش و نگهداری جوجه بوقلمون به کار می‌رود، تقریباً شبیه همان وسایلی است که برای پرورش جوجه‌های مرغ به کار می‌رود.

پیش از جوجه‌ریزی در سالن پرورش، مثل پرورش مرغ گوشتی، باید تمام وسایل نگهداری و حتی کف، سقف و دیوارهای سالن کاملاً شست‌وشو و ضدعفونی شود. همچنین در زمان پرورش نیز سالن باید دستگاه گرمایشی و تهویه مناسبی داشته باشد. برای جلوگیری از تلفات و رشد مناسب جوجه‌ها باید از افزودن جوجه‌ها به تعداد بیش از حد استاندارد در هر متر مربع خودداری کرد.

مصرف دان بوقلمون گوشتی طی یک دوره ۱۵۰روزه، ۳۰ تا ۳۵ کیلوگرم است که به چهار دسته تقسیم شده و در چهار مرحله به بوقلمون خورانده می‌شود.

بوقلمون پرنده سخت‌جانی است و حساسیت‌های مرغ را ندارد و پرورش آن هم مانند پرورش مرغ، تخصصی نیست، بیماری خاصی هم آن را تهدید نمی‌کند تا نیازی به دریافت واکسن داشته باشد.

تنها موضوعی که در پرورش بوقلمون باید رعایت شود این است که محیط آنها باید از ترس و اضطراب به دور باشد. تا وقتی که مکان پرورش بوقلمون گرم و نرم باشد و ترسی به بوقلمون وارد نشود، حیوان آرام و بی‌دردسری است. دشمن اصلی سلامتی بوقلمون گرد و خاک است؛ چرا که خاک ریه‌های این حیوان را سفت کرده و کم‌کم به بیماری برونشیت و تنگی‌نفس مبتلا می‌شود. جوجه بوقلمون حتماً باید از شرکت‌های معتبر خریداری شود؛ چون جوجه بوقلمون‌های شرکت‌های نامعتبر اغلب نطفه ضعیفی دارند و زود می‌میرند.

بوقلمون تنها حیوانی است که دو نوع گوشت دارد؛ گوشت سینه این پرنده، سفید و گوشت رانش قرمز است و به طور کلی از هر بوقلمون آماده برای کشتار، ۶۵ درصد گوشت به دست می‌آید. از چرم خام پاهای این پرنده نیز برای تکه‌دوزی روی انواع کیف و کفش استفاده می‌شود.

نقص عمده پرورش بوقلمون در ایران

تجاری‌سازی بوقلمون به پرورش گونه‌هایی با وزن بالاتر نیاز دارد. بوقلمون‌های محلی موجود در کشور در طول دوره پرورش و در بهترین حالت به هشت کیلو می‌رسند که در مقایسه با نژادهای خارجی بین ۴۰ تا ۵۰ درصد کم وزن هستند. یکی از نواقص عمده در حوزه پرورش بوقلمون گوشتی در کشور نبود مراکز تولید تخم نژادهای برتر بوقلمون است و تمامی نیاز کشور در این حوزه از طریق واردات برطرف می‌شود. در حال حاضر کشورهای آلمان و فرانسه تنها تولیدکنندگانی هستند که تخم بوقلمون از این کشورها به ایران صادر می‌شود. در نژاد فرانسوی، بوقلمون نر، ۱۵ تا ۱۷کیلو و در نژاد آلمانی، بوقلمون نر، ۱۸ تا ۲۰ کیلو در یک دوره چهار ماهه رشد می‌کند.

تخم این پرنده پس از ورود، در کشور به مرحله جوجه‌کشی می‌رسد و تنها در اختیار سالن‌هایی قرار می‌گیرد که مجوز پرورش بوقلمون داشته باشند.

وارداتی بودن تخم این پرنده مشکلات بسیاری را برای فعالان این حوزه ایجاد کرده است. تغییر قیمت تخم و جوجه پرنده به تناسب نوسان قیمت ارز و کمبود جوجه و دسترسی نداشتن آسان و روزانه به آن از جمله مشکلات پرورش‌دهندگان در این حوزه است.

برای تهیه گزارش از فعالیت‌های اقتصاد مقاومتی در استان خود با شماره تلفن ۰۹۱۹۳۴۷۲۹۸۱ تماس بگیرید.

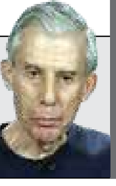

استعفایی برای جبران شکست

«استفن لندمن» تحلیلگر ارشد آمریکایی گفت: استعفای نخست‌وزیر لبنان بخشی از چیزی است که توطئه عربستان و اسرائیل برای بی‌ثبات کردن ایران و لبنان به شمار می‌رود، احتمالاً واشنگتن نیز در این توطئه نقش دارد... از سوی دیگر طرح راهبردی عربستان در منطقه با شکست روبه‌رو شده و ایران و دمشق در حال ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود هستند. شاید شکست طرح راهبردی ریاض، علت اصلی استعفای اجباری حریری، سرکوب و بازداشت گسترده شاهزادگان سعودی و اتهامات خصمانه عربستان علیه ایران و لبنان باشد.

سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی مسلمانان ــ ۴۱۸

فرقه‌های انحرافی زمانه ملااحمد نراقی و نحوه رویارویی

□ فتح‌الله پریشان/ مرور تاریخی دوره‌های سلسله شاهی در ایران، حاکی از طراحی و زمینه‌سازی همیشگی استعمارگران ملک و دشمنان ملت و اسلام برای فرقه‌سازی و انحراف مردم ایران از مسیر حق و اسلام بوده است. این موضوع به تناسب زمان‌ها و موقعیت‌ها در برخی دوره‌ها، مانند قاجار و صفویه که شیعه قدرت بیشتری کسب می‌کند، بیشتر مجال بروز و ظهور پیدا می‌کند.

سده سیزده هـق. مسلک‌ها و مذهب‌های سست‌بنیاد انحرافی و فتنه‌انگیز در جای جای سرزمین ایران وجود داشتند و در ایجاد باورهای فاسد خرافی و بدعت‌ها وارد میدان اندیشه و سیاست شده، در بین خانواده‌ها و بخشی از جامعه اختلاف پدید آوردند و پایه‌های امنیت جامعه را سست کردند و جامعه را از ترقی و پیشرفت باز داشتند.(۱)

این موضوع زمانی خطرناک می‌شد که این انحراف و بدعت‌ها در ساحت اندیشه و فرهنگ سیاسی و اعتقادی با حمایت و نقش‌آفرینی دشمنان بیرونی و بیگانه از اسلام مواجه می‌شد که نقش عالمان بزرگ شیعه در این آوردگاه کاری است بس عظیم و در عین حال دشوار و نیازمند به اشراف علمی و توان مباحثه و قدرت اقناع‌سازی کسانی که دل در گرو اندیشه‌های بیرونی دارند. جیمز موریه، کاردار وقت سفارت بریتانیا می‌نویسد: «تنها تعدیل‌کننده قدرت بی‌حد و حصر شاه روحانیون بوده‌اند.»(۲)

بررسی تاریخی نشان می‌دهد، عواملی، چون ناآگاهی و خردگریزی، باورهای درست تبیین نشده، تکلیف‌گریزی، تمایل دربار به کاهش نقش علما و فقها و نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی زمینه‌ساز رشد این ویروس‌های انحراف در عقاید و روش درست زیست مسلمانی محسوب می‌شوند که تنها علما و فقهای بیدار با درک اهمیت مقابله با آنها به رویارویی با این بدعت‌ها و کژی‌ها برخاستند. برخی از این انحراف‌ها و بدعت‌ها در عصر و زمانه مرحوم نراقی وجود داشت و وی با تمام وجود و دانش خود از راه تبیین درست اسلام و نقد اندیشه‌های انحرافی به مقابله با آنها برخاست و کتاب‌هایی مانند سیف‌الامه را در نقد اندیشه‌های مارتین، کشیش تبشیری انگلیسی به چاپ رساند که می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

۱ـ تصوّف: این مشرب که هیچ پیوندی با تشیّع و ائمه شیعه(ع) و علمای شیعه نداشت کم‌کم در بین شیعه راه یافت و در زمان صفویه به اوج اقتدار رسید، امّا از آنجا که برخلاف مسیر فطرت سیر می‌کرد و به احکام شریعت بی‌توجه بود و راه رسیدن به حقیقت را راه دل و تهذیب نفس قرار داده بود، آن هم بدون در نظر گرفتن سیره عملی رسول اکرم(ص) و دستورها و آیین‌های شرع و بدون انجام فرایض! به باتلاق فرو افتاد و مورد نقد جدی علمای دین از جمله نراقی قرار گرفت.(۳)

۲ـ شیخیه: پیروان شیخ‌احمد احسایی را شیخیه گویند که با باورهای نادرست اعتقادی به ویژه در مباحث معاد و جانشینی نبوت، خود را در منجلاب گمراهی گروه‌هایی، مانند بابیت و بهائیت گرفتار کردند.

۳ـ اسماعیلیه: اسماعیل فرزند بزرگ امام صادق(ع) در دوران حیات پدر دیده از جهان فرو بست و حضرت او را در برابر چشم مردم به خاک سپرد.(۴) ولی گروهی خود را به سلک هواداری از اسماعیل درآوردند و مدعی شدند وی نمرده و وارث امام است. اسماعیلیّه در روزگار پادشاهی فتحعلی‌شاه به رهبری آقاخلیل محلاتی و فرزندش آقاخان محلاتی که مستمری‌بگیر انگلیسی‌ها بود، روشی غیر از امامیه در پیش گرفتند.

۴ـ وهابیت: این فرقه در دوران قاجار در خارج از ایران از فکر شیطانی محمدبن‌عبدالوهاب تراوش کرد و به رویارویی مستقیم با اندیشه زلال و روحانی تشیّع پرداخت و با قدرتی که به دست آورد، مزارهای امامان معصوم(ع) را ویران کرد.(۵)

۵ـ جنبش تبشیر: پیشقراولان استعمار تباهی‌آفرین غرب گروه تبشیر و مبلغان آیین مسیحیت بودند. یکی از آنها کشیش پروتستان مذهبی بود به نام مارتین که در پناه قدرت خارجی و داخلی با زیر سؤال بردن سندیت قرآن و خشن خواندن احکام اسلام علیه مقدسات اسلام لجن‌پراکنی می‌کرد که مرحوم نراقی با نگارش کتاب سیف‌الامه و در پرتو سه مقدمه منطقی، به شبهات و انتقادات مارتین به اسلام پاسخ قوی داد.

بنابراین روش علما و فقهایی، نظیر ملااحمد نراقی در مقابله با گروه‌های انحرافی در وهله اول شناخت دقیق پیرامون آن گروه منحرف بود و سپس تبیین منطقی و مستدل اصول دین مبین اسلام تا زمینه‌های بازگشت منحرفان به رهیافت‌ها و زندگی دینی فراهم شود و شبهات و سؤالات از اذهان زدوده شود؛ زیرا نراقی جهل و ناآگاهی مردم به دین، ترویج خرافه‌پرستی و عقاید انحرافی تحمیلی از بیرون را که متأسفانه در سایه همکاری و تساهل حاکمان و شاهان برای منافع زودگذر حکومتی خود مجال فتنه و بدعت می‌یافتند؛ ریشه‌های اصلی انحراف می‌دانست و پادزهر آن را روشنگری ذکر می‌کرد. برای نمونه، نراقی در کنار نقد عالمانه مبانی فکری و به چالش کشیدن اصلی‌ترین شعارهای منحرفانی، مانند صوفیان، بارها در کتاب‌ها و رساله‌های خود یادآور شده است که برای بندگی خالص و پیمودن مقام‌های معنوی تنها باید در پی راه امامان بود.(۶) وی در راه حتی از نارسایی‌های دانش‌های رایج در حوزه برای مقابله با انحرافات و بدعت‌های فکری و فرهنگی غافل نبوده و هشدار می‌دهد، روش کنونی درس‌ها و تکیه یکسویه به متون گذشته و کندوکاو در یافته‌های ذهنی نمی‌تواند در جلوگیری از گسترش کژدینی و فساداندیشی کارگر افتند.(۷)

*** پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.**

کتابخوان

منظومه فکری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای

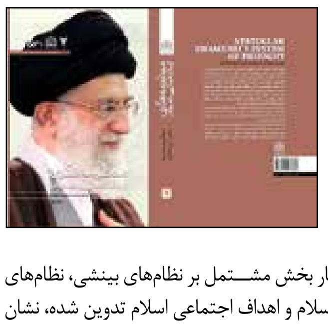

کتاب فاخر «منظومه فکری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای» محصول یک کار جمعی با مدیریت و همت دانشمند فرزانه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه و جمعی از پژوهشگران (۲۳ محقق) است پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی آن را منتشر کرده است. این کتاب که در دو جلد و چهار بخش مشتمل بر نظام‌های بینشی، نظام‌های منشی و رفتاری، نظام‌های اجتماعی اسلام و اهداف اجتماعی اسلام تدوین شده، نشان می‌دهد، بیانات معظم‌له در ادامه سیره سیاسی و اجتماعی بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) و علمای عظام شیعه از یک منطق واحد و پیکره‌بندی منسجم برخوردار است. نظام بینشی شامل منطق فهم اسلام، خداشناسی توحیدی، ولایت‌شناسی، اسلام‌شناسی، جهان‌شناسی اسلامی و انسان‌شناسی اسلامی است. نظام‌های منشی و رفتاری شامل نظام معنویت اسلامی، اخلاق اسلامی، نظام تربیتی اسلامی و نظام عبادی اسلامی است. نظام‌های اجتماعی اسلام شامل نظام فرهنگ اسلامی، نظام علمی اسلامی، نظام مدیریت اسلامی، نظام سیاست اسلامی، نظام اقتصاد اسلامی، نظام حقوق اسلامی و نظام امنیتی ـ دفاعی اسلامی است و اهداف اجتماعی اسلام شامل استقلال اسلامی، عدالت اسلامی و پیشرفت اسلامی می‌شود.

این اثر نشان می‌دهد، بیانات معظم‌له از نظام هماهنگی برخوردار است؛ به گونه‌ای که اجزای آن یک کل نظام‌مند را تشکیل می‌دهد، ادامه‌دهنده گفتمان فکری علمای گذشته و استمراربخش گفتمان امام خمینی (ره) است که با رویکرد اجتهادی مسائل معاصر را بررسی می‌کند. تمدن اسلامی مبتنی بر منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، توحیدمحور است؛ توحیدی که نه تنها در عقیده و قلب آدمیان حضور دارد؛ بلکه همانند روحی، همه ساحت‌های فردی و اجتماعی، مُلکی و ملکوتی انسان را احاطه کرده است. آزادی، استقلال، دانش، قدرت، سیاست، قضاوت، امنیت، دفاع و... جملگی توحیدی هستند.

منبع اصلی این کتاب، مجموعه مکتوبات، منشورات و بیانیه‌های رهبر معظم انقلاب است که در آن سعی شده است به دو پرسش کلیدی «نظام فکری مطلوب نزد رهبر معظم انقلاب در سه عرصه بینشی، ارزشی و کنشی چیست؟» و «اصول راهبری رسیدن به این نظام چه می‌باشد؟» پاسخ داده شود. گفتنی است، مراسم رونمایی این مجموعه ۲۲ مهر امسال در همایش «زعیم ذوفنون» انجام شد و به زودی چاپ دوم آن را دانشگاه آزاد اسلامی منتشر خواهد کرد. پیش از این نیز پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منظومه فکری حضرت امام‌خمینی(ره) را منتشر و رونمایی کرده بود.

جریان‌شناسی فکری ـ فرهنگی ایران معاصر ـ ۹۳

زمینه‌های گسترش نفوذ بهائیت در دوره پهلوی دوم

□ جعفر ساسان- داوود عسگری/ در شماره گذشته در پرتو آشنایی با روش‌های فعالیت فرقه ضاله بهائیت که در سه روش نفوذ در حکومت، فعالیت علنی و تبلیغ به ترویج و توسعه فرقه بررسی شد، این نکته را متذکر شدیم که دوران پهلوی دوم از منظر سران گمراه فرقه به سبب وسعت نفوذ و قدرتی که در ساختار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به دست آورده بودند، عصر طلایی بهائیت از ابتدای شکل‌گیری تا آن مقطع تلقی می‌شود، به گونه‌ای که شوقی افندی، پرده از اهداف شوم این فرقه برمی‌دارد و با مقایسهٔ عصر طلایی بهائیت با عصر حاکمیت مسیحیت در قرن چهارم، چنین می‌گوید:

دوره مجهولیت که نخستین مرحله در نشو و نمای جامعهٔ اهل بهاست و مرحلهٔ ثانیهٔ مظلومیت و مقهوریت، هر دو منقضی گردد؛ دورهٔ ثالث که مرحلهٔ انفصال شریعهٔالله از ادیان عتیقه است، چهره بگشاید و این انفصال، بنفسه مقدمهٔ ارتفاع عَلَم استقلال دین‌الله و اقرار و اعتراف به حقوق مسلوبهٔ اهل بها و مساوات پیروان جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان و این استقلالْ مُمهّد سبیل از برای رسمیت آیین الهی (و ظهور نصرتی عظیم، شبیه و نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح، در عهد قسطنطین کبیر نصیب امت مسیحیه گشت و این رسمیت، به مرور ایام، مبدل و منجر به تأسیس سلطنت الهیه و ظهور سلطهٔ زمنیهٔ شارع این امر عظیم گردد و این سلطنت الهیه، مآلاً به تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوهٔ سیطرهٔ محیطهٔ ظاهری و روحانی مؤسس آیین بهائی و تشکیل محکمهٔ کبری و اعلان صلح عمومی، که مرحلهٔ سابع و اخیر است) منتهی گردد.(۱)

بنابراین خیزی که بهائیت با روی کار آمدن حکومت پهلوی برای سلطه بر ایران برداشته بود، در دورهٔ پهلوی دوم سریع‌تر شد، که علل این رشد سریع و بی‌سابقه را می‌توان در چند مؤلفه زیر برشمرد:

الف ـ برکناری رضاشاه و روی کار آمدن محمدرضاشاه

با عزل و تبعید رضاشاه در سال ۱۳۲۰ از سوی متفقین، آنها قدرت را به پسر او واگذار کردند تا هر چه بیشتر تأمین‌کنندهٔ منافع بیگانگان در ایران باشد. محمدرضا نیز اگرچه مانند پدر با پشتوانهٔ بیگانگان به قدرت رسیده بود، اما به دلیل جوانی و کم‌تجربگی، بی‌لیاقتی و ضعف نفس، مانند پدرش اقتداری نداشت و برای تداوم و تمرکز قدرت، به تکیه‌گاهی مطمئن نیاز داشت و بهائیت نقش این تکیه‌گاه را برای او داشت. انتخاب بهائیت به عنوان تکیه‌گاه نیز به دلیل ارتباط گستردهٔ آنها با بیگانگان و مقابلهٔ جدی آنان با نیروهای مذهبی و روحانیت بود که شاه زهر چشم آنان را در ملی شدن صنعت نفت و قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ دیده بود و آنها را برای خود تهدید می‌دانست. بنابراین، برای تداوم قدرت خود، مجبور به اعطای امتیازات به بهائیان بود و بهائیان نیز وی را در رأس قدرت نگه داشته بودند، ولی عملاً همه کارهٔ ایران بودند؛ چنانکه از نخست‌وزیری و وزارتخانه‌های مهم گرفته، تا ارتش، ساواک، نفت، تلویزیون و گلوگاه‌های مهم اقتصادی، در اختیار آنان بود.

ب ـ تشکیل رژیم صهیونیستی

با تشکیل رژیم جعلی صهیونیستی

در اوایل حکومت محمدرضاشاه، یعنی در سال ۱۳۲۸، ستارهٔ بخت بهائیان طلوع کرد و کشوری که رهبران بهائیت به آن تبعید شده بودند و تشکیلات بهائیت در آن قرار داشت، به دست متحدان و دوستان نزدیک آنها، یعنی صهیونیست‌ها افتاد. این حادثه، چنان برای بهائیان خوشایند و مهم بود که شوقی افندی، رهبر بهائیت، به فاصلهٔ کوتاهی پس از آن، بیت‌العدل اعظم بهائیت را زیر سایهٔ این رژیم جعلی در خاک فلسطین تشکیل می‌دهد و نقش اصلی آن را ارتباط با اولیای اسرائیل اعلام می‌کند.(۲)

رژیم پهلوی نیز از نخستین کشورهایی بود که این رژیم جعلی را به رسمیت شناخت؛ کنسولگری ایران را در فلسطین تأسیس کرد؛ نفت مورد نیاز این رژیم را تأمین نمود و روابط تنگاتنگ سیاسی، نظامی و اقتصادی با آن برقرار کرد. این اشتراک نظر رژیم پهلوی و بهائیت در به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و ارتباط با آن، ارتباط تنگاتنگ این دو را با هم نشان می‌داد؛ در واقع، از این تاریخ به بعد، بهائیت به مثابهٔ عامل رژیم صهیونیستی در ایران عمل می‌کند و زمینهٔ نفوذ گستردهٔ آن را در ایران فراهم می‌آورد.

ج ـ ورود جدی آمریکا به عرصهٔ سیاسی ایران

آمریکا که در قرن نوزدهم چندان در عرصهٔ جهانی حضور نداشت، از اوایل قرن بیستم، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، به طور جدی وارد معادلات سیاسی جهان شد و در این عرصه، استعمار روس و انگلیس را پشت سر گذاشت. با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، آمریکا نیز به همراه دیگر متفقین، ایران را اشغال کرد و رئیس‌جمهور این کشور، روزولت، به همراه استالین و چرچیل وارد تهران شدند تا تکلیف حکومت پس از رضاشاه و مسائل جنگ را حل‌وفصل کنند. نتیجهٔ تصمیم این سه نفر، سلطنت محمدرضاشاه بر ایران شد. از این به بعد تا انقلاب اسلامی، آمریکا را می‌توان بازیگر اصلی عرصهٔ سیاسی ایران دانست که در مسائلی مانند کودتای ۲۸ مرداد، تحکیم پایه‌های رژیم پهلوی و سرکوب نیروهای مذهبی، نقش اصلی را بر عهده داشت. ابزار نفوذ آمریکا در ایران نیز بهائیان بودند که از دورهٔ عباس افندی با این کشور رابطه داشتند و در دورهٔ پهلوی اول، کاردار ایران در آمریکا، نبیل‌الدولهٔ بهائی بود. بنابراین، شاه که تاج و تخت خود را به کودتای انگلیسی آمریکایی ۲۸ مرداد مدیون بود، عرصه را برای تاخت‌وتاز آمریکایی‌ها و عوامل آنها فراهم کرد و بهائیت با پشتوانهٔ آمریکا و رژیم صهیونیستی، مقدّرات ایران را به دست گرفت.

د ـ سرکوب روحانیت و نیروهای مذهبی

اقدامات سرکوبگرانهٔ رضاشاه در قبال روحانیت و نیروهای مذهبی که در قضایایی مانند تبعید و شهادت آیت‌الله مدرس، نماد روحانیت انقلابی و مبارز، حذف روحانیت از نظام آموزشی و قضایی، کشف حجاب، و قتل‌عام قیام گوهرشاد نمایان شد، جریان مذهبی را برای مدتی به حاشیه راند و مانع از ظهور و بروز آن شد. با تبعید رضاشاه نیز اگرچه فضا برای فعالیت این جریان کمی بهبود یافت، اما با کودتای ۲۸ مرداد و تحکیم قدرت محمدرضا به دست بیگانگان، دوباره جریان مذهبی تحت فشار قرار گرفت، که اعدام فدائیان اسلام، نمونه‌ای از آن بود. تا آغاز دههٔ ۴۰، به‌جز چند حرکت محدود، مانند سخنرانی‌های آقای فلسفی، تخریب حظیرةالقدس بهائیان و تشکیل انجمن حجتیه، این جریان حرکتی مبنایی برای مقابله با بهائیت نداشت و ایران عرصهٔ تاخت‌وتاز بهائیان شد. حرکت حضرت امام(ره) در مقابله با بهائیت نیز اگرچه مبنایی و ریشه‌ای بود، اما با تبعید ایشان، به تعویق افتاد و با پیروزی انقلاب اسلامی به ثمر نشست و ریشهٔ این فتنه را در ایران خشکاند.

از بُعد تشکیلاتی و تحولات درونی نیز فعالیت بهائیت در این دوره، به دو مقطع تقسیم می‌شود. مقطع اول، از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۶ است. در این مقطع، رهبری فرقه ـ که در دست شوقی افندی قرار داشت ـ به دنبال گسترش ساختار تشکیلاتی آن در سطح جهانی و ترویج این فرقه بود. مهم‌ترین اقدام در این زمینه، تهیه و تدوین نقشه ده سالهٔ بهائیت بود که بر اساس آن، افزایش کمّی و کیفی فعالیت‌های تبلیغاتی، تشکیلاتی و سازمانی بهائیت و دستیابی به حاکمیت سیاسی یا دوران طلایی، طراحی شده بود:

این نقشه، موسوم به «نقشهٔ بدیعهٔ جهاد کبیر اکبر الهی»، خود به چندین طرح متعدد کوچک‌تر تقسیم شده بود که می‌بایست یکی پس از دیگری تا سال ۱۳۴۲ به اجرا گذارده شود. بر اجرای این نقشه‌ها، مرکز جهانی بهائی، واقع در عکا، نظارت داشت.(۳)

***پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.**

آفاق

تحلیلی بر نسل نوین جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی ـ قسمت هشتادویکم

کارویژه‌های نفوذ جریانی در عرصه فرهنگی

□ دکتر سیامک باقری‌چوکامی/ نفوذ جریانی برخلاف نفوذ موردی به صورت شبکه‌ای، جمعی و تشکلی عمل می‌کند. اگر در نفوذ موردی یک فرد محوریت دارد، در نفوذ جریانی شاهد نفوذگرانی به‌هم‌پیوسته، زنجیره‌ای، دارای یک تشکل و شبکه هستیم که یک فکر، اندیشه، نماد، سبک رفتاری و هنجاری را برخلاف نظام ارزشی حاکمیت سیاسی در جامعه ترویج و گسترش می‌دهد. به بیان دیگر، هویت اصلی نفوذ جریانی، شبکه‌سازی در جامعه هدف برای مقاصد خاص در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؛ در حالی که هویت اصلی نفوذ موردی، رخنه فرد تربیت‌یافته در سیستم یا جلب فرد مستعد در سیستم برای اهداف چندمنظوره است.

البته ناگفته پیدا است که بین نفوذ موردی و نفوذ جریانی رابطه وجود دارد؛ نفوذ جریانی ممکن است برای دستیابی به توسعه اهداف خود به نفوذ موردی متوسل شود یا ممکن است از تلاش‌ها و فعالیت‌های نفوذ موردی شکل بگیرد. با وجود این، نفوذ جریانی ویژگی‌هایی دارد که تأثیرگذاری آن را بر جامعه هدف بسیار بیشتر می‌کند. به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب این نوع نفوذ را خطرناک‌تر توصیف کرده‌اند.

۱ـ از رهگذر نفوذ جریانی تلاش می‌شود بین گروه نخبگان کشور اختلاف و انشقاق ایجاد شود یا جناحی در درون نخبگان تقویت و رشد کرده و ارتقا یابد و در مقابل جناح دیگری تضعیف و از عرصه سیاست حذف شود. ایجاد جریان‌های مجازی برای فریب و سرگرم کردن و ایجاد جریان‌های موازی برای اشباع کاذب تقاضاها و نیازمندی‌های سیاسی ـ فکری و نفی فلسفه وجودی جریان‌ها در قدرت یا خنثی کردن توان و قدرت حریف از سوی جریاناتی از درون خود حریف (مشغول کردن حریف به خود)، ایجاد جریان تبلیغی و رسانه‌ای زنجیره‌ای علیه مبانی و سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، شبکه‌سازی فکری ـ فرهنگی بدیل، ایجاد شبکه‌های هنجارشکن، شبکه‌سازی برای ترویج سبک زندگی غربی از ویژگی‌های نفوذ جریانی است. ایجاد جریان گفتمانی نوع دیگری از نفوذ جریانی است که به طور کامل ذهنی و نرم‌افزارانه است. در این روش به جای صرف انرژی برای رویارویی با گفتمان مسلط، بازیگران جنگ نرم تلاش دارند با ایجاد جریان‌های گفتمانی، زیرساخت‌های گفتمان مسلط را دچار سستی و زوال کرده و به صورت تدریجی و بطئی گفتمان مسلط را از درون تهی کنند.

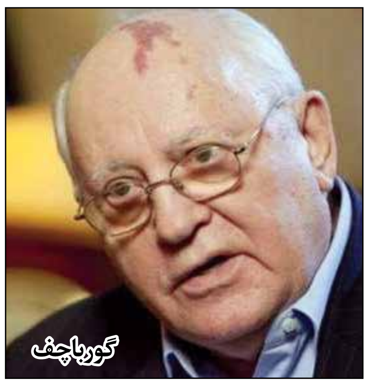

گورباچف

نفوذ معرفتی یا گفتمانی در عصر پساجنگ سرد به صورت فزاینده‌ای مکتب اسلام را آماج خود قرار داد. به دلیل جاذبه‌ای که اسلام پس از انقلاب اسلامی در میان جوامع از جمله غرب پیدا کرده است، پروژه نفوذ و دگرگون‌سازی اسلام سیاسی از شدت و حدّت بیشتری برخوردار شده است. استاد شهید مطهری گفته بود: «هنگامی که یک نهضت اجتماعی اوج می‌گیرد و جاذبه پیدا می‌کند و مکتب‌های دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوساندین آن از درون، اندیشه‌های بیگانه را که با روح آن مکتب مغایرت دارد، وارد آن مکتب می‌کنند و آن مکتب را به این ترتیب از اثر و خاصیت می‌اندازند یا کم‌اثر می‌کنند. نفوذ و نشر اندیشه‌های بیگانه خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند.»(مطهری، ۱۳۶۶، ص ۹۲ـ۹۰)

۲ـ الگوی جنگ نرم مبتنی بر نفوذ جریانی و شبکه‌ای در کشورهای مختلف مورد تجربه و آزمون قرار گرفته است. اتحاد جماهیر شوروی سابق یکی از آنها است. برخی از مصادیق نفوذ جریانی در این کشور عبارتند از:

۱ـ۲ـ شبکه‌سازی روشنفکران: در کتاب «جنگ سرد فرهنگی» به راه‌اندازی شبکه‌ای از روشنفکران لیبرال برای مقابله با ایدئولوژی مارکسیستی اشاره شده است. ساندرس مؤلف این کتاب تصریح می‌کند روشنفکران با نفوذ لیبرالیسم در چارچوب یک شبکه به‌هم‌پیوسته، روشنفکران مخالف کمونیسم را در سراسر جهان تغذیه فکری می‌کردند و از این رهگذر موفق شدند جریان فکری مخالف گسترده‌ای را علیه شوروی ایجاد و مدیریت کنند.

ساندرز

۲ـ۲ـ شبکه‌سازی طرفداران غرب و آمریکا در جامعه شوروی: غرب و آمریکا برای ایجاد شبکه‌ای از طرفداران غرب در اتحاد جماهیر شوروی هزینه‌های مالی، تبلیغاتی و فرهنگی بسیاری را متقبل شدند. «آلن دالس» از کارشناسان و مسئولان سیاسی آمریکا می‌گوید: «ما پول و هزینه بسیاری پرداختیم تا دوستان خود را در شوروی یافتیم و کسانی را که به آنها نیاز داشتیم، خریدیم. بر طبق آماری که داده‌اند، برای مقابله تبلیغاتی در جنگ سرد بین آمریکا و شوروی آنها چیزی حدود ۶ تریلیارد دلار پول خرج کردند. امروز، آمریکایی‌ها اعتراف می‌کنند که چندان پول زیادی برای پیروزی خود خرج نکرده‌اند، معتقدند برای دستیابی به این پیروزی، پولی که هزینه کرده‌اند، ارزش آن را داشت.»(واعظی، ص ۱۳۶)

۳ـ۲ـ شبکه‌سازی برای الگوها و نمادهای غربی در جامعه شوروی: «مدتی گذشت، سیل تبلیغات غربی و فرهنگ غربی و نمادهای غربی سمبل‌های لباس و «مکدونالد» و از این چیزهایی که در واقع جزء سمبل‌های آمریکایی است در شوروی راه پیدا کرد.» گورباچف طی مصاحبه‌ای یکی از علل فروپاشی شوروی را همین موضوع دانسته بود.

۴ـ۲ـ شبکه‌سازی رسانه‌ای: رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند: «این طرح آمریکایی یا غربی یک طرح نظامی نبود، در درجه اول یک طرح رسانه‌ای بود که عمدتاً به وسیله تابلو، پلاکارد، روزنامه، فیلم و... اجرا شد. اگر کسی محاسبه کند، می‌بیند که حدود پنجاه شصت درصد آن مربوط به تأثیر رسانه‌ها و ابزارهای فرهنگی بود.»(۱۳۷۹/۴/۱۹) بخشی از این جریان‌سازی رسانه‌ای غرب به گورباچف اختصاص داشت، به گونه‌ای که هم او و هم اطرافیانش را تحت تأثیر خود قرار داده، ادبیات نظری و اقدامات عملی وی را مورد حمایت و تشویق قرار می‌دادند. آنها برای ترغیب وی، او را مرد سال و چهره محبوب جهان معرفی می‌کردند که بزرگ‌ترین گام‌های عملی را برای صلح و دموکراسی در تاریخ معاصر برداشته است. رهبر معظم انقلاب در تحلیل این موضوع چنین می‌فرمایند:

«در یکی دو سال اول، به وسیله رسانه‌ها، آواری از حرف و تحلیل و تفسیر و تشویق و جهت‌دهی و پیشنهاد بر سر گورباچف فرو ریخت و کار به جایی رسید که توسط مراکز آمریکایی، گورباچف به عنوان مرد سال معرفی شد!... قبل از گورباچف، اگر واقعیت‌های خوبی هم در شوروی وجود داشت، به شدت آن را انکار می‌کردند و علیه آن تهاجم تبلیغاتی راه می‌انداختند، اما ناگهان نسبت به گورباچف چنین وضعی را پیش گرفتند! تشویق‌ها و تمجیدها کار خود را کرد.»(همان)

براثر جریان‌سازی و شبکه‌سازی‌های فکری، تبلیغی، فرهنگی و علمی، به تدریج شکاف فکری ـ فرهنگی و سپس سیاسی در درون نظام اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شد؛ به گونه‌ای که برای مارگارت تاچر، نخست‌وزیر وقت انگلیس باورپذیر نبود. وی در خاطرات خود می‌نویسد: «نظام آزادی غربی که رونالد ریگان و من برای بلوک شرق تجویز می‌کردیم، به طور فزاینده‌ای در حال پیشرفت بود. نظام شوروی داشت شکاف‌های درونی خود را نشان می‌داد. من احساس کردم که دگرگونی بزرگی در راه است، اما هرگز نمی‌توانستم حدس بزنم که به این سرعت اتفاق خواهد افتاد.» (تاچر، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷۷)

پردازش

ارمغان آمریکا برای شرق آسیا

□ شهاب زمانی/ هفته گذشته سفر دوره‌ای دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا به شرق آسیا از ژاپن آغاز شد و در فیلیپین به پایان رسید. ترامپ زمانی که وارد توکیو شد، در نشست خبری گفت: «تسلیحات آمریکا امنیت را برای ژاپن و کار را برای کارگران آمریکایی به ارمغان آورده است.» حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا واقعاً تسلیحات آمریکایی امنیت را برای شرق آسیا به ارمغان آورده است یا خود به دومینویی از مسابقه و تهدیدات جدید در منطقه شرق و جنوب شرق قاره کهن دامن زده است؟

آنچه این روزها به منزله سیاست رسمی و راهبرد دیپلماسی خارجی آمریکا در این منطقه مشاهده می‌کنیم، این است که سیاست واقعی آمریکا در شرق و جنوب شرق آسیا برجسته کردن تهدیدی غیر واقعی به نام کره شمالی است تا بتواند تسلیحات خود را به این کشورها بفروشد. این همان کار و راهبردی است که تراست‌ها و کارتل‌های بزرگ اسلحه‌سازی آمریکا در دیگر مناطق بحران‌زده جهان، از جمله منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در حال انجام آن هستند.

به اعتقاد تحلیلگران، فروش تسلیحات و تحریک کشورهای منطقه علیه کره شمالی سبب شده است این کشور نیز برای حفظ امنیت و ارتقای قدرت بازدارندگی خود و همچنین جا نماندن از این رقابت تسلیحاتی، اقدام به توسعه برنامه نظامی هسته‌ای خود کند. به طور مسلم حضور آمریکا در منطقه و فروش سامانه دفاع موشکی تاد از سوی آمریکا به کره جنوبی و استقرار در این کشور برای این است که از منافع آمریکا محافظت کند؛ اما در عمل جز دامن زدن به تنش در منطقه فایده دیگری ندارد. بر این مبنا، ترامپ با دو هدف به شرق آسیا آمد؛ اول، منافع شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی آمریکا را با فروش اسلحه بیشتر تأمین کند و دوم، از منافع آمریکا در شرق آسیا حمایت کند.

این اهداف در هر یک از این کشورها با ابزارهایی انجام می‌شود؛ برای نمونه شاید تعجب‌برانگیز باشد که بدانید قانون کاپیتولاسیون درباره مصونیت قضایی سربازان آمریکایی در برخی از کشورهای شرق آسیا، مانند ژاپن هنوز وجود دارد یا از رهگذر حضور نظامیان آمریکایی در این منطقه و حتی کشوری، مانند کره جنوبی که هم‌پیمان آمریکا به شمار می‌آید، میلیون‌ها برده جنسی از شرق و جنوب شرق آسیا وارد چرخه روسپی‌گری منطقه، اروپا و آمریکا شده است. زمانی که آمریکایی‌ها به بهانه صدور دموکراسی و نجات مردم کره جنوبی از تعدی و ظلم ژاپن وارد شبه‌جزیره کره شدند، دولت وقت سئول که دست‌نشانده خود آمریکایی‌ها بود، کمپ‌هایی را در اطراف پایگاه‌های نظامی آمریکا ایجاد و زن‌های جوان در مناطق روستایی را شناسایی و جمع‌آوری می‌کرد تا به سربازان آمریکایی خدمات جنسی بدهند. به همین دلیل، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی تجاوز، خشونت و قتل زنان کره‌ای به دست سربازان آمریکایی به شدت شایع شد. گفتنی است، زمان و علت تبدیل شدن برخی کشورهای شرق آسیا به مرکز بین‌المللی فحشا به آغاز حضور نظامیان آمریکایی در این منطقه برمی‌گردد.

نکته

ریشه تحول!

مرور زمان دغدغه‌ها و خواسته‌های انسان‌ها، اعم از مثبت و منفی را تغییر می‌دهد. گاهی بشر امروز غصه چیزی را می‌خورد که در گذشته اصلاً مهم نبود. علت این موضوع را می‌توان در چهار مبحث به اجمال بررسی کرد: ۱ـ پیشرفت علم؛ با پیشرفت علوم و فنون انسان‌ها به یافته‌هایی می‌رسند که در گذشته نسبت به این مسائل جاهل بوده‌اند؛ از این رو ذائقه خود را متناسب با آنها تغییر می‌دهند. ۲ـ تغییرات زیست‌محیطی؛ آدم‌ها مجبورند خود را با تغییر و تحول زیست‌محیطی سازگار کنند؛ برای نمونه در زمان کمبود آب، کشاورزان باید برای ممانعت از هدر دادن آب، از آبیاری‌های نوین بهره‌مند شوند. ۳ـ غریزه راحت‌طلبی؛ این مسئله نیز سبب تحول در زندگی می‌شود و زندگی بشر بنا به غریزه راحت‌طلبی روزبه‌روز متحول شده، به سمت راحتی بیشتر کشیده می‌شود. ۴ـ مدگرایی و تبعیت کورکورانه؛ این موضوع دغدغه برخی اشخاص است که منافع‌شان در گرو همین تبعیت‌هاست.

۲۰ میلیون تفنگدار

مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد. تعلیمات نظامی داشته باشد... یک مملکت بعد از یک چند سالی بشود یک کشوری با ۲۰ میلیون جوان که دارد بیست میلیون تفنگدار داشته باشد. بیست میلیون ارتش داشته باشد و این یک همچه مملکتی آسیب‌بردار نیست.

(حضرت امام خمینی، ۱۳۵۸/۹/۴)

دشمنان نجیب و بی‌ضرر

مروری بر حوادث قتل‌های زنجیره‌ای و تحلیل رهبر معظم انقلاب اسلامی از این ماجرا

□ **محمد گنجی/** در شامگاه یکم آذر سال ۱۳۷۷ هجری شمسی، داریوش فروهر، رهبر حزب ملت ایران و همسرش پروانه مجد اسکندری در منزل مسکونی‌شان در خیابان هدایت تهران به قتل رسیدند. این پرونده چند روز بعد با کشف اجساد محمدجعفر پوینده و محمد مختاری و مرگ مشکوک مجید شریف وارد مرحله جدیدی شد. ۱۴ آذرماه بود که آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، در دیدار گروهی از روحانیون و مبلغان دینی خواستار «پیگیری جدی قتل‌های اخیر از سوی دولت و قوه قضائیه» شدند. رئیس‌جمهوری وقت هم با حکمی مسئولان وزارتخانه‌های کشور و اطلاعات را مأمور بررسی این پرونده کرد و چند روز بعد در روز ۲۳ آذر ماه سال ۱۳۷۷ کمیته‌ای با نام کمیته تحقیق قتل‌های مشکوک اخیر به دستور وی تشکیل شد.

در آن ایام که چگونگی مواجهه با این ماجرا خود به مسئله مهمی در بین نیروهای انقلاب و توده‌های مردم بدل شده بود، رهبر معظم انقلاب اسلامی بخش مهمی از بیانات در خطبه‌های نمازجمعه تهران در تاریخ ۱۸ دی ماه سال ۱۳۷۷ را به بررسی این مسئله اختصاص دادند و سخنان مهمی ایراد فرمودند که در تاریخ انقلاب اسلامی جاودانه ماند. معظمله این رخداد را حادثه بی‌سابقه‌ای برای کشور دانستند و به شرح ابعاد آن پرداختند و چنین فرمودند:

«اوّلاً این قتل‌هایی که اتّفاق افتاد، حوادثی بسیار بد، زشت، نفرت‌آور و حقیقتاً در خور محکوم کردن بود. کسانی که اینها را محکوم کردند، بجا محکوم کردند. اینها علاوه بر اینکه قتل بود، جنایت بود؛ با روش‌های بد و غیر قانونی بود. علاوه بر این، موجب درگیر شدن نظام جمهوری اسلامی- با این همه مسائلی که دارد- به مسائل بی‌خودی و بیهوده شد. الآن ما مسائل اقتصادی داریم، مسائل گوناگون داریم، مسئله نفت داریم، مسئله تجارت خارجی داریم، مسئله صادرات غیرنفتی داریم، مسئله پول داریم، مسئله ارز داریم، مسائل سیاست خارجی داریم؛ حالا در لابه‌لای این همه مشکلاتی که دولت با اینها درگیر است و دست و پنجه نرم می‌کند و همه مسئولان دولتی هم برای کارهای خودشان مشغول تلاشِ سختند، ناگهان یک قضیه این‌طوری هم برای نظام درست کنند؛ این زشتیِ چنین حادثه‌ای را چند برابر می‌کند؛ بنابراین، این حوادث، واقعاً حوادث بدی بود.

نکته دوم، این است که من باید از وزارت اطّلاعات- از مدیران وزارت، از وزیر و معاونان و مسئولان، از هیئت سه نفره‌ای که رئیس‌جمهور برای پیگیری این حادثه معین کردند- تشکّر کنم. اینها واقعاً زحمت کشیدند و حقیقتاً این روزها تجربه سختی را از سر گذراندند. این شوخی نیست. انسان یک نقطه ضعفی را در پیکره خودش احساس کند، صادقانه آن را با مردم در میان بگذارد و بگوید این‌جایم این اشکال را دارد، این ضعف را دارد. هر کسی این کار را نمی‌کند. شما بدانید از این‌گونه قضایا، تا آنجایی که ما می‌شناسیم، در همه سرویس‌های امنیتی دنیا- حتّی چندین برابر- اتّفاق می‌افتد. اگر بدانید که سازمان «سیا» آمریکا و «موساد» صهیونیست‌ها و «اینتلیجنت سرویس» انگلیس- حالا این سه سازمانی که از اینها ماجراهای زیادی را اطّلاع داریم- چقدر دست‌شان درگیر قتل‌ها و جنایت‌ها و خباثت‌ها و بمب‌گذاری‌ها و آدم‌کشی‌ها و مثله‌کردن‌ها و ترورها و ایجاد وحشت‌هاست- که البته ما هم یقیناً همه‌اش را اطّلاع نداریم؛ گوشه‌هایی از آن را فقط اطّلاع داریم- واقعاً دچار بهت و حیرت می‌شوید! منتها آنها نمی‌آیند این‌طور صریحاً اعلام کنند. یک نفر جاسوس در داخل دستگاه امنیتی کشوری از همین کشورهای معروف پیدا شد؛ اوّلاً تا ماه‌ها که به کسی چیزی نگفتند- همین‌طور کتمان کردند- بعد که دیدند طرفِ مقابل افشا کرد، اینها هم مجبور شدند و افشا کردند؛ آنها هم بنا کردند یک طوری رفع و رجوع کردن! البته محاکمه‌اش کردند؛ لیکن از لحاظ تبلیغاتی، این‌طور چیزها را به رو نمی‌آورند و نمی‌گویند. شما ببینید درباره این قضیه ما که خودِ وزارت اطّلاعات پیش‌قدم شد و مطلب را بیان کرد، چه جنجالی راه انداخته‌اند! انگاری که وزارت اطّلاعات جمهوری اسلامی، در مقابل ده‌ها سازمان جاسوسیِ پاک و نورانی و پاکدامن(!) مثل «موساد» و «سیا» و «اینتلیجنت سرویس» یک مجرم است! آنها مرکز فسادند. گاهی اوقات چیزهایی از آنها بیرون آمده که دنیا را متوجّه کرده است؛ از جمله کتابی است که به فارسی هم ترجمه شده و چند سال پیش منتشر گردیده است. در این کتاب توضیح می‌دهد که یک نفر از افراد ظاهراً «MI۶» انگلیس- حالا من درست یادم نیست - که مربوط به مجموعه همین «اینتلیجنت سرویس» انگلیس است، از کارهایی که در آنجا انجام میگرفته و فجایعی که می‌شده است، گزارشی می‌نویسد. در مقدّمه ترجمه فارسی این کتاب نوشته بودند که این کتاب در انگلستان ممنوع‌الانتشار است؛ فروشش را هم ممنوع کرده‌اند و کسی اجازه ندارد آن را منتشر کند! با اینکه سال‌هاست این کتاب نوشته شده، اما شاید تا به حال هم همین‌طور باشد. هر ترجمه‌ای که از این کتاب بشود، آن ترجمه هم در داخل انگلیس ممنوع است! از این حرف‌ها فراوان بوده است؛ بنابراین، شجاعتِ این برادران ما در خور تحسین است که این مطلب را بیان کردند...

نکته بعدی این است که این قضیه تمام نشده است. به نظر ما، این رشته هنوز سرِ درازتر از این دارد. با توجّه به تجربه خودم در زمینه‌های گوناگونِ اداره کشور در طول این ۲۰ سال و آشنایی با جریان‌های سیاسی داخلی و خارجی، من نمی‌توانم باور و قبول کنم که این قتل‌هایی که اتّفاق افتاد، بدون یک سناریوی خارجی باشد؛ چنین چیزی ممکن نیست. این قتل‌ها به ضرر ملت ایران بود، به ضرر دولت بود، به ضرر حکومت بود. یک گروه داخلی که جزو وزارت اطّلاعات هم باشند، هر چه هم حالا فرض کنید که متعصّب باشند و بنای این کار را داشته باشند، در سطوحی از وزارت اطّلاعات که اهل تحلیلند، امکان ندارد دست به چنین قتل‌هایی بزنند. این افرادی که کشته شدند، بعضی‌ها را ما از نزدیک می‌شناختیم. اینها کسانی نبودند که یک نظام، اگر بخواهد اهل این حرف‌ها باشد، سراغ اینها برود. اگر نظام جمهوری اسلامی اهل دشمن‌کُشی است، دشمنان خودش را می‌کُشد؛ چرا سراغ فروهر و عیالش برود؟! مرحوم فروهر، قبل از انقلاب دوست ما بود؛ اوّلِ انقلاب همکار ما بود؛ بعد از پدید آمدن این فتنه‌های سال ۶۰ دشمن ما شد؛ اما دشمن بی‌خطر و بی‌ضرر.

بینی و بین‌الله، فروهر و همسرش- این دو مرحوم- دشمنان ما بودند؛ اما دشمنان بی‌ضرر و بی‌خطر. اینها هیچ ضرری نداشتند. نه به جایی وابسته بودند- که ما آن را می‌دانستیم- (الآن کسانی در داخل فعّالیت می‌کنند که یقیناً به دستگاه‌های خارجی وابستگی دارند؛ اما دستگاه با اینها کاری ندارد و به سراغ کسی می‌رود که واقعاً دشمنش بوده است) و نه اقتداری داشتند. حزبی با عناصر خیلی معدودی داشتند که سال‌های متمادی این حزب بود. اینچنین دشمنی که در داخل کشور هست، مرتّب علیه نظام اطّلاعیه هم می‌دهد، دیگران هم می‌گویند که بله؛ در داخل ایران مثلاً آقای فروهر اطّلاعیه داد- داده باشد- اما کسی از مردم که او را نمی‌شناخت؛ کسی که با او آشنایی نداشت؛ کسی که تحت نفوذ و تأثیر حرف‌های او نبود. ایشان معروفیتی در میان مردم نداشت؛ نفوذی نداشت؛ دشمن بی‌خطری بود؛ انصافاً آدم نانجیبی هم نبود؛ البته ما دشمنانی هم داریم که انصافاً نجیب نیستند؛ اما مرحوم فروهر و مخصوصاً عیالش نه؛ آدم‌های نانجیبی نبودند. حالا شما فکر کنید، کسی که مثل فروهر را می‌کشد، آیا می‌تواند دوست نظام باشد؟! می‌تواند برای نظام کار کند؟! چنین چیزی معقول است؟! من این را باور نمی‌کنم. آشنایی من با مسائل سیاسیِ این ۲۰ ساله و قبل از این، در دورانِ انقلاب- آشنایی با اشخاص، آشنایی با جریانات سیاسی، آشنایی با توطئه‌های گوناگونی که از اطراف دنیا همیشه در جریانش بوده‌ایم- اجازه نمی‌دهد که من باور کنم این کارِ عناصری است که با نظام مسئله‌ای ندارند و نمی‌خواهند علیه نظام کار کنند.

بعضی از این دو، سه نفر نویسنده‌ای هم که متأسّفانه در این حادثه کشته شدند، اسم‌شان را بنده هم نشنیده بودم. الآن بنده غالباً مجلات و کتاب‌ها و تازه‌های فرهنگ را می‌بینم. من آدمی نیستم که یک نویسنده و روشنفکر معروفی در کشور باشد و او را نشناسم؛ البته شاید مثلاً در بعضی از محافل فرهنگی یا غیرفرهنگی خارجی، اینها را می‌شناختند؛ اما در داخل آنقدر معروف نبودند که بنده اسم اینها به گوشم خورده باشد. بعضی‌های‌شان را هم که اسم‌های‌شان را شنیده بودم، جزو روشنفکران درجه یک این کشور نبودند. افرادی که مردم اینها را نمی‌شناسند، مردم از کتاب‌ها و نوشته‌ها و آثار فکری‌شان هیچ خبری ندارند و کسی از اینها حرفی نمی‌شنود، بُرد تبلیغی ندارند. آن دستی که به فکر می‌افتد بیاید اینها را تصفیه کند و به قتل برساند- یا در داخل خانه‌های‌شان، یا در میان راه، یا در خیابان، یا در بیابان- مگر می‌تواند بیگانه نباشد و تابع یک نمایشنامه از پیش طراحی شده‌ای نباشد؟!

باید بگردند اینها را پیدا کنند. من به شما برادران وزارت اطّلاعات می‌گویم؛ البته خصوصی هم پیغام داده‌ام و از شما خواسته‌ام. به آقای رئیس‌جمهور هم تأکید کرده‌ام، به مسئولان وزارت هم گفته‌ام، حالا هم به این وسیله در حضور مردم از آنها می‌خواهم که این قضیه را دنبال کنند و سرنخ‌ها را بیابند. باید هوشیاری به خرج دهند. ممکن است عواملی که جزو وزارت بوده‌اند، افرادی باشند که فریب خورده باشند و تحت تأثیر آنها قرار گرفته باشند؛ باید گشت و عوامل و سرنخ‌ها را پیدا کرد و نباید به این آسانی از آن گذشت. من عقیده دارم که دستگاه اطّلاعاتی ما بحمدالله این ظرفیت را دارد. تا به حال نشان داده است که قدرت دارد، ظرفیت دارد و می‌تواند کارهای بزرگ را انجام دهد؛ این کار هم از همان کارهاست.»

روایت یار

امام خامنه‌ای در گذر زمان ـ ۱۶۵

پشت پرده جریان دوم خرداد

□ **سید مهدی حسینی/** سال ۷۶ سرآغاز تشکیل جریان جدیدی بود که به دوره اصلاحات مشهور شد؛ دوره‌ای که وقایع جدیدی را رقم زد. در دوم خرداد سال ۱۳۷۶ با برگزاری انتخابات هفتمین دوره ریاست‌جمهوری و رقابت پرشور انتخاباتی بین علی‌اکبر ناطق‌نوری و سیدمحمد خاتمی دو نامزد این انتخابات فضای جدیدی در جامعه ایجاد شد. سیدمحمد خاتمی با رأی بالایی پیروز این انتخابات شد و زمام امور ریاست‌جمهوری را به دست گرفت. در جریان انتخابات برخی از طرفداران خاتمی در قالب گروه‌ها و تشکل‌های حامی ایشان شروع به تخریب جریان رقیب کردند، اما امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) با تلاش فراوان در این مقطع و با تبیین موضوع مشارکت سیاسی مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران، آنها را به شرکت در موضوع تعیین سرنوشت خود و آینده کشور فراخواندند و حضور گسترده مردم در انتخابات را حضوری برای حمایت از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران و رأی آنها را رأی به نظام جمهوری اسلامی دانستند و طی بیاناتی درباره اصلاحات با ارائه مفهوم آن در مقابله با توطئه‌ها، رهنمودهای مهمی دادند، ایشان فرمودند: «اگر کسانی بیایند با عدم اعتقاد به اساس ارزش‌ها دم از تحول بزنند، معلوم است که تحول مورد نظر آنها، یعنی تحول نظام اسلامی به نظام غیر اسلامی، تحول مورد نظر آنها یعنی حذف تام اسلام، حذف حقیقت اسلام... ساختار قانون اساسی بایستی به طور کامل در اصلاحات حفظ بشود.» معظمله این جریان را در غیر این صورت اصلاحات آمریکایی نامیدند.

جریان دوم خرداد به گونه‌ای پیش می‌رفت که آقای منتظری هم در ۲۳ آبان ۷۶ در حسینیه خود در شهر قم سخنان وهن‌آلودی ایراد کرد و اظهارات او با صراحت برخلاف نظرات حضرت امام بود، به خصوص آنجا که گفت: «من به آقای خاتمی هم گفتم اگر من به جای شما بودم می‌رفتم پیش رهبر می‌گفتم شما مقامت و احترامت محفوظ، ۲۲ میلیون نفر به من رأی دادند و از من انتظاراتی دارند. اگر قرار باشد در نصب استانداران و وزرا دخالت کنند و افرادی را به من تحمیل کنند، من نمی‌توانم کار کنم، بنابراین من ضمن تشکر از مردم استعفا می‌کنم، آقای خاتمی باید این‌گونه برخورد می‌کرد...» البته این اظهارات ایشان اعتراضات خودجوش و گسترده مردمی را به دنبال داشت و جماعت‌هایی به خیابان‌ها آمدند و ضمن محکوم کردن سخنان منتظری و با صدور اطلاعیه‌ها و بیانیه‌ها، گردهمایی‌ها و تظاهرات‌های خیابانی در شهرها با ولایت فقیه و رهبر فرزانه انقلاب تجدید عهد کردند. این ماجرا چند روز ادامه داشت، در پشت پرده جریان دوم خرداد و اصلاحات توطئه‌های انحرافی در دستور کار بود؛ اما امام خامنه‌ای هوشمندانه انقلاب اسلامی را از آن به سلامت عبور دادند.

درنگ

طرح ادغام بسیج در سپاه

در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۷ از سوی عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طرح قانونی ادغام سازمان بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود که به کمیسیون امور دفاعی ارجاع شد، در این کمیسیون و نیز کمیسیون امور داخلی مورد رسیدگی و بحث قرار گرفت. در جلسه ۵۷ مجلس شورای اسلامی دو فوریت طرح واگذاری وظیفه بسیج مستضعفین به عهده سپاه پاسداران رد شد. این طرح پس از اصلاحات در جلسه کمیسیون مشترک امور دفاعی و داخلی به تصویب می‌رسد و در جلسه ۷۶ به بحث گذاشته می‌شود که به علت ناتمامی به جلسه روز بعد، یعنی جلسه ۷۷ (سه‌شنبه مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱) موکول می‌شود که در جلسه، نماینده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (محمدزاده) و رئیس سازمان بسیج مستضعفین (مجد) صحبت می‌کنند که با کلیات طرح ادغام موافقت می‌شود. این قانون با سه ماده در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و شورای نگهبان آن را تأیید می‌کند. وقتی این طرح در دی ماه سال ۵۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

تاریخ جهان

پیشگام مبارزه با صهیونیسم

□ **مرتضی دخیلی/** عزالدین قسام سوری‌الاصل و از وکلای شهر لاذقیه، سوریه بود. در سال ۱۸۷۱ در روستای «جبلة» در جنوب لاذقیه در خانواده‌ای متدین و اهل علم و ادب و فضیلت به دنیا آمد. در ۱۴ سالگی پدرش برای ادامه تحصیل، او را به دانشگاه الازهر مصر فرستاد. او به همراه برادرش فخرالدین به آنجا رفت و در محضر استادان بزرگی همچون «شیخ‌محمد عبده» علوم دینی را فرا گرفت.

سال‌های تحصیل او با مبارزات مردم مصر بر ضد استعمارگران انگلیس مصادف بود که این امر او را به شدت تحت تأثیر قرار داد. شیخ عزالدین در سال ۱۹۰۳ به کشورش بازگشت و امام جماعت «مسجد منصوری» در جبلة شد و از طریق ایراد خطبه و سخنرانی و تدریس توانست نزد مردم آنجا، احترام فراوانی کسب کند و به مقام و موقعیت والای اجتماعی دست یابد؛ به طوری که عده بسیاری خواستار برقراری روابط دوستانه با او شدند. شیخ قسام در کنار فعالیت‌های علمی و درسی، به فعالیت‌های سیاسی نیز پرداخت.

او هنگام اقامت در سوریه، به دنبال حمله ایتالیا به لیبی، مردم را به جنگ علیه سلطه ایتالیا دعوت کرد و در تظاهراتی که در سوریه به همین منظور برپا شد، فعالانه شرکت کرد و برای تأمین بخشی از نیروی رزمی اقدام به فراخوانی نیروهای داوطلب و تهیه وسایل و امکانات برای خود و خانواده‌شان کرد؛ ولی مقامات دولت عثمانی مانع از سفر آنها به لیبی شدند.

در سال ۱۹۲۰- ۱۹۱۹ به گروه «عمرالبیطار» پیوست که در شمال سوریه در کوه‌های صهیون علیه سلطه فرانسوی‌ها می‌جنگیدند. او در رأس مجاهدان این گروه قرار داشت که پرچم مخالفت علیه فرانسوی‌ها را برافراشت. شیخ قسام در این راه مجبور به ترک زادگاهش شد و با فروش اسباب و اثاثیه‌اش، خانواده‌اش را به روستای دیگری که از نظر راهبردی موقعیت مهمی در انقلاب داشت، نقل مکان داد.

وقتی فرانسوی‌ها از جلب رضایت و همکاری او ناامید شدند، حکم اعدام او را از طریق دیوان لاذقیه صادر کردند. شیخ قسام پس از آگاهی از حکم دیوان، تصمیم گرفت به فلسطین مهاجرت کند. بعد از مدتی خانواده‌اش نیز به او پیوستند.

وی مرحله دوم مبارزات سیاسی ـ فرهنگی خود را در حیفا بر ضد استعمار انگلیس و به منظور دفاع و کمک به مردم مظلوم فلسطین آغاز کرد.

شیخ عزالدین فعالیت علمی ـ فرهنگی خود را با تأسیس یک مدرسه شبانه برای سوادآموزان عرب ادامه داد. شیخ قسام به دنبال تداوم مبارزات سیاسی‌اش، اقدام به تأسیس «جمعیت جوانان مسلمان» در سال ۱۹۲۷ کرد و در سمت رئیس این جمعیت، توانست با مردم تماس بیشتری داشته باشد. شیوه او برای تهیه ساز و برگ نظامی سازمان و گروه‌های تشکیل شده، این بود که هر عضو با پول خودش اسلحه تهیه کند و هر کس به اندازه توانایی مالی خود به گروه کمک مالی کند و با جمع‌آوری اعانه از سوی مردم از روی اکراه و اجبار مخالف بود.

شاید بتوان گفت؛ شیخ قسام اولین کسی بود که معتقد بود؛ برای پیشبرد اهداف سیاسی و جلوگیری از تشکیل میهن قومی برای یهودیان،

باید جنگ مسلحانه کرد. وی این مطلب را در جلسات گروه‌ها مطرح می‌کرد. او همچنین معتقد بود؛ باید با استعمار انگلیس مبارزه کرد. در واقع نوک پیکان حمله را متوجه انگلیس می‌کرد، نه یهودیان؛ زیرا می‌دانست که امتیازات و امکاناتی که در اختیار یهودیان قرار می‌گیرد همه از سوی حکام انگلیس است.

شیخ عزالدین تصمیم گرفت که جهاد را علنی سازد و مردم را در جریان عملیات سازمان قرار داده و روحیه آنها را تقویت کند. به ویژه که سیل انتقال یهودیان و تجهیز مخفیانه آنان از سوی حکومت انگلیسی و اوضاع بد سیاسی، اجازه بیشتر برای پنهان کردن انقلاب را نمی‌داد؛ بنابراین شیخ قسام آخرین جلسه گروه را در حیفا در شب ۱۲ نوامبر سال ۱۹۳۵ در خانه «محمودسالم مخزومی» تشکیل داد و خطوط کلی و عملکرد هر یک از افراد گروه را تعیین کرد. یارانش با پولی که از فروش اثاثیه منازل خود تهیه کردند، اسلحه خریداری کردند و بدون توجه به قدرت نظامی بریتانیا و سپاه اندک خود به طرف کوه‌های «یعبد» که در نزدیکی شهر حیفا و ناوگان انگلیس قرار داشت، حرکت کردند.

بعد از اینکه مقامات انگلیسی از کار شیخ قسام مطلع شدند و مکان او را پیدا کردند، نیروهای بسیاری را در تاریخ ۱۹۳۵/۱۱/۱۵ برای یافتن او فرستادند. نیروهای انگلیسی با نیروهای شیخ قسام در نزدیکی روستای «البارد» درگیر شدند. همین منبع نقل می‌کند که اوضاع به شدت تغییر کرد و هنگامی که شیخ عزالدین و ۱۱ نفر از یارانش در روستای «شیخ زاید» داخل بیشه یعبد بودند، نیروهای انگلیسی آنها را محاصره کرده و ارتباط‌شان را با روستاهای مجاور قطع کردند. آنها وارد جنگی نابرابر شدند که شش ساعت به طول انجامید. عده‌ای از نیروهای انگلیسی به هلاکت رسیده و شیخ قسام و یکی از یارانش شهید شده و بقیه اسیر و مجروح شدند.

قیام و شهادت عزالدین قسام و یارانش تمام فلسطین را غرق در ماتم و اندوه کرد و آنچنان اثری در دل و جان مردم گذاشت و احساسات‌شان را برانگیخت که بی‌توجه به سختگیری حکومت، به خیابان‌های حیفا ریخته و دست به تظاهرات بزرگ و گسترده‌ای زدند که تا آن زمان حیفا به خود ندیده بود. همه شهر تعطیل شد و نیروهای انگلیسی ناگزیر شدند جنازه شهدا را به خانواده‌شان تحویل دهند. شیخ قسام با شهادت خود فلسطین را از خواب غفلت بیدار کرد و با مبارزه‌اش هرچند که طولانی نبود، توانست بر اعماق دل مردم فلسطین تأثیر گذارد و راه را به آنها نشان دهد.

تاریخ ایران

جبهه ملی چهارم

□ **اکبر ادراکی/** در سال ۱۳۵۶ که محمدرضا پهلوی به اشاره آمریکا، فضای باز سیاسی جدید خود را اعلام کرد، جبهه ملی چهارم با پیشگامی شاپور بختیار در ۲۸ آبان با عنوان اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران و همکاری سه حزب ایران، حزب ملت ایران و جبهه سوسیالیست‌های نهضت ملی ظاهر شد.

این جبهه در خرداد ۱۳۵۶ با امضای سه نفر از سران جبهه ملی، یعنی دکتر کریم سنجابی، داریوش فروهر و شاپور بختیار نامه‌ای به شاه نوشته و از او خواستند برای نجات کشور به حکومت استبدادی پایان داده، به اصول مشروطیت تمکین کند.

جبهه ملی، تشکلی که پیش از این حدود سه بار نیروهایش را جمع‌آوری و سازماندهی کرده بود، در فضای باز سیاسی ناشی از فشارهای کارتر بر دولت ایران و شکست برنامه انقلاب سفید شاه و ملت، فعالیت‌هایش را در آبان ۱۳۵۶ از سر گرفت و روز ۲۸ آبان ماه، اتحاد نیروهای جبهه ملی طی بیانیه‌ای اعلام موجودیت کرد.

به موجب این اعلامیه، جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران، حزب ایران و حزب ملت ایران جبهه ملی چهارم را تشکیل دادند.

حسیبی برای ریاست شورای مرکزی و سنجابی، بختیار، فروهر، رضا شایان و مشیری به منزله اعضای کمیته مرکزی انتخاب شدند. از اعضای برجسته دیگر جبهه ملی می‌توان کاظم سامی، حسن نزیه، علی‌اصغر صدر، حاج سیدجوادی، مهدی بازرگان، اللهیار صالح، حسین مکی، ابوالحسن بنی‌صدر و... را نام برد.

جبهه ملی چهارم را با توجه به مواضع و تفکرات سیاسی رهبران و اعضای تشکیل‌دهنده و ساختار سازمانی‌اش می‌توان جبهه‌ای تلقی کرد که خواستار مبارزه در رژیم است، نه با رژیم.

این جبهه ضمن انتقاد از عملکرد دولت در اوایل شکل‌گیری، هنوز امیدوار بود که شاه بتواند با اعمال مدیریت، اصلاحات لازم را انجام دهد؛ اما روند تحولات سیاسی به گونه‌ای پیش رفت که این سیاست کجدار و مریز به اختلافات گسترده در جبهه منجر شد.

هرچند جبهه ملی ایران در جلسه شورای مرکزی خود تصویب کرده بود دریافت هر گونه حکم نخست‌وزیری از شاه برای اعضا ممنوع است و طی ماه‌های مهر تا آذر ۵۷ غلامحسین صدیقی و کریم سنجابی درخواست شاه برای پذیرش این پست را نپذیرفته بودند، شاپور بختیار بدون اطلاع اعضای جبهه ملی حکم نخست‌وزیری خود را از شاه دریافت کرد و برای تأیید به مجلسین برد.

مواضع بختیار و اختلاف وی با دیگر رهبران جبهه درباره نحوه مبارزه با رژیم به انشعاب فکری بین رهبران جبهه ملی دامن زد تا جایی که کریم سنجابی همزمان با نخست‌وزیری بختیار به پاریس رفت و پس از ملاقات با امام(ره)، رژیم سلطنتی را غیر قانونی دانسته و در اعلامیه‌ای با آن مخالفت کرد.

هیچ یک از اعضای جبهه ملی با توجه به تخلف آشکار بختیار از مصوبه جبهه، حاضر به همکاری با وی نشدند و در اولین جلسه شورای مرکزی جبهه ملی ایران پس از این واقعه که با حضور همه اعضای قدیمی و ذی‌نفوذ، مانند اللهیار صالح، مهدی آذر، غلامحسین صدیقی، کاظم حسیبی، مسعود حجازی، کریم سنجابی، ذوالنور، اصغر پارسا، احمد زیرک‌زاده، شمس‌الدین امیرعلایی، پرویز ورجاوند، ادیب برومند، حسین شاه‌حسینی و... برگزار شده بود، به اتفاق و حتی بدون رأی ممتنع، اخراج شاپور بختیار را به تصویب رساندند.

در بیانیه جبهه ملی ایران درباره برکناری شاپور بختیار آمده بود: «طبق گزارش‌های رسیده، بختیار عضو جبهه ملی ایران بدون رعایت انضباط سازمانی مأموریت تشکیل دولت را پذیرفته‌اند. جبهه ملی ایران آن سان که اعلام داشته است نمی‌تواند با وجود نظام سلطنتی غیر قانونی با هیچ ترکیب حکومتی موافقت نماید. شورای مرکزی جبهه ملی ضمن مخالفت شدید با اقدام آقای دکتر شاپور بختیار به آگاهی همگان می‌رساند که در این شرایط تشکیل دولت از طرف ایشان به هیچ روی با مصوبات آرمانی و سازمانی جبهه ملی ایران سازگاری ندارد و به همین دلیل از عضویت جبهه ملی ایران برکنار می‌شود.»

تاریخ حماسه

آغاز عملیات‌های غیر کلاسیک

□ **حمیدرضا میری/** پس از آنکه فرماندهان ایرانی دریافتند که با جنگ‌های کلاسیک و شیوه‌های شناخته شده نمی‌توان کاری از پیش برد، طرح عملیات‌های چریکی و غیر کلاسیک را به اجرا گذاشتند. اولین عملیات، عملیات امام مهدی(عج) بود که در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۵۹ در غرب سوسنگرد انجام شد. از این عملیات تا عملیات «ثامن‌الائمه» که در تاریخ پنجم مهر ماه سال ۱۳۶۰ انجام شد، حدود ۱۰ عملیات محدود در جبهه‌های گوناگون رخ داد که عملیات «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا»، عملیات «رمضان» و «شهید مدنی» از آن جمله‌اند.

براساس طرحی به نام «امام مهدی(عج) » که شهید حسن باقری طراحی کرده بود، مقرر شد تا سپاه با استعداد ۲۰۰ حمله‌ور و با سلاح‌های معمولی و آرپی‌جی، از چهار محور به نیروهای عراقی در غرب سوسنگرد حمله کنند. حمله در ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح آغاز شد. دشمن غافلگیر شده و عملیات با سرعت غیر قابل تصوری پیش می‌رفت.

با انهدام یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه دشمن، نیروهای خودی به پیروزی رسیدند. اما به دلیل نداشتن تجربه کافی در این گونه عملیات‌ها و فقدان نیروی جایگزین برای تثبیت مواضع آزاد شده، پس از گذشت یکی دو روز، عراقی‌ها به مواضع پیشین خود بازگشتند.

در اوایل سال ۱۳۶۰ طرح عملیات دیگری تهیه شد که بعدها به عملیات در تپه‌های الله‌اکبر شهرت یافت. بر اساس این طرح، رزمندگان اسلام مرکب از تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی ارتش به همراه یک گردان از سپاه پاسداران و یک گردان از گروه جنگ‌های نامنظم شهید چمران می‌بایست به هدف تصرف و تأمین تپه «الله‌اکبر» تک کنند. همچنین تیپ ۲ احتیاط نیروی زمینی ارتش در جنوب و تیپ یک آن لشکر به پدافند در مواضع خود در جنوب غربی اهواز ادامه دهند و نیروهای زرهی پس از یگان‌های پیاده وارد عمل شوند.

سرانجام در ساعت ۴ بامداد روز ۳۱ اردیبهشت، عملیات آغاز شد. توپخانه رزمندگان اسلام آتش انبوه خود را بر روی مواضع دشمن گشود. غرش توپ‌ها در دل شب، شادی رزمندگان اسلام و وحشت فریب‌خوردگان عراقی را به دنبال داشت. آتش انبوه به مدت ۳۰ دقیقه اجرا شد و سپس با شدتی کمتر ادامه یافت.

پس از اجرای آتش تهیه در ساعت ۴ بامداد روز ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰، رزمندگان اسلام که تا نزدیکی مواضع دشمن پیشروی کرده بودند، تکبیرگویان به سنگرهای عراقی‌ها هجوم برده و دشمن را غافلگیر کردند.

نبرد رزمندگان اسلام تا ساعت ۱۲ همان روز با شدت تمام ادامه داشت و در آن ساعت یگان‌ها مواضع خود را تحکیم کردند تا آمادگی لازم را برای مقابله با پاتک احتمالی دشمن داشته باشند.

نظر شهید دکتر چمران این بود که همان روز تپه شهیطیه از وجود دشمن پاک شود. تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ داوطلب شد تا این منطقه را از وجود دشمن پاک کند، اما در ساعات اولیه بعد از ظهر همان روز نیروهای دشمن در زمین‌های غرب الله‌اکبر، آماده پاتک شدند، در چنین شرایطی نگهداری تپه الله‌اکبر برای رزمندگان اسلام ارزش حیاتی‌تری از تپه شهیطیه داشت.

در پنجم خرداد رزمندگانی از گروه جنگ‌های نامنظم شهید چمران برای تصرف تپه شهیطیه اعزام شدند. آنها توانستند این مأموریت را با موفقیت به انجام رسانند، در نتیجه تپه تصرف شد. پایان این عملیات که به مدت ۶ روز به طول انجامید در روز پنجم خرداد ماه ۱۳۶۰ اعلام شد. این عملیات پس از گذشت تقریباً هشت ماه از آغاز جنگ فتح‌البابی برای رزمندگان اسلام شد و سد دفاعی دشمن را که روز به روز مستحکم‌تر می‌شد، شکست. در طی عملیات یاد شده صدها نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند و ۲۸۰ نفر از آنها کشته و صدها نفر زخمی شدند، همچنین بسیاری از تجهیزات آنها منهدم شد.

ضرورت وقف متناسب با نیازهای روز

آیت‌الله طبرسی گفت: انسان پس از مرگ بعد از چند سال نام و یادش فراموش می‌شود، اما نام واقف پس از مرگش به واسطه موقوفه‌ای که بر جای گذاشته هیچ‌گاه نمی‌میرد. فناناپذیری در ذات بشر است و واقفان با وقف اعمال خود به این مسئله دست پیدا کرده و خود را ماندگار کردند. نیت وقف‌های جدید باید به سمت نیازهای روز جامعه سوق داده شود و در این راستا باید فرهنگ‌سازی صورت گیرد. برای مثال زمین‌های بلااستفاده موقوفه باید احیا شده و با تبدیل به احسن موقوفات در مواقع ضروری به کار گرفته شوند.

آیینه خواص

هاشم‌بن‌عتبه_۶

شهید و پدر شهید

یعقوب‌بن‌سفیان از طریق زهری نقل کرده است، عماربن‌یاسر و هاشم‌بن‌عتبه در جنگ صفین به شهادت رسیدند. ابن‌السکن از أبی‌عبدالرحمن‌سلمی نقل کرده است، ما در صفین در رکاب حضرت علی(ع) حاضر بودیم، هر دو نفر بر یک اسب سوار می‌شدیم و با هم به دشمن حمله می‌کردیم، کسی بر نمی‌گشت؛ مگر اینکه شمشیرش را از خون آغشته می‌کرد. «عمار» در آن روز جلودار اصحاب رسول خدا(ص) بود؛ چنانکه در هیچ وادی از وادی‌های صفّین قدم نمی‌گذاشت، مگر اینکه اصحاب رسول خدا پشت سر او بودند. آن روز در مسیر خود به «هاشم بن‌عتبهٔ بن‌ابی‌وقّاص» که پرچمدار حضرت علی(ع) بود، رسیدیم. «عمار» به او گفت: ای هاشم اعور! تو و ترس؟! خیری نیست در اعوری که نتواند مردم را به شور و هیجان درآورد. «هاشم» ناراحت شد، پرچم را برافراشت و گفت:

أعور یبغی أهلی محلا/ قد عالج الحیاه حتی ملا/ لا بد أن یفل أو یفلا

اعور کسی است که برای کسان خود محل و مقامی می‌طلبد و زندگی را تا آنجایی سپری کرده که اظهار خستگی می‌کند، اکنون چاره‌ای ندارد از اینکه شمشیر بکشد و دشمن را شکست بدهد یا شکست بخورد.

عمّار گفت: اکنون پیشتازی کن که ورود به بهشت در سایه شمشیرهاست و حورالعین همراه پیغمبراکرم(ص) و همدستان پاکیزه سرشتش، خود را برای هرگونه پذیرایی در رفیق اعلی آماده کرده‌اند.

گفته شده است در میان جنگ پای او قطع شد؛ با وجود این با هر کسی که به او نزدیک می‌شد، می‌جنگید و او را به زمین می‌زد و زیر سینه‌اش قرار می‌داد و می‌گفت:

مرد از بستگان خود دفاع می‌کند، حتی اگر در بند باشد.

هاشم آنقدر جنگید که به شهادت رسید. ابوطفیل عامربن‌وائله درباره او سروده است:

یا هاشم الخیر جزیت الجنه/ قاتلت فی الله عدو السنه/ أفلح بما فزت به من منه

ای هاشم نیکوکار، پاداشت بهشت باشد. تو در راه خدا با دشمنان سنت جنگیدی، چقدر مایه رستگاری است، آن منتی که تو به آن دست یافتی.

درباره جایگاه هاشم نزد امیرالمؤمنین علی(ع) همین قدر بس که هنگامی که خبر شهادت محمدبن‌ابی‌بکر، استاندار مصر به حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) رسید، حضرت سوگند یاد کرد که در نظر داشتم هاشم مرقال را برای حکومت مصر بفرستم، اگر او به مصر رفته بود، نمی‌گذاشت عمروبن‌عاص و یارانش بر مصر مسلط شوند.

پس از شهادت هاشم مرقال حضرت علی(ع) بر بالین او و یاران شهیدش توقف کرد و برای آنها دعا کرد و چنین سرود:

جزی الله خیراً عصبه أسلمیه/ صباح الوجوه صُرِّعوا حول هاشم

«خدا گروه اسلمیان را جزای خیر دهد که با چهره‌های تابناک پیرامون هاشم به خاک افکنده شده‌اند.»

با وجود اینکه شهادت هاشم در صفین قطعی است؛ اما برخی منابع متأخر از شخصی به نام هاشم‌بن‌عتبه در واقعه کربلا یاد کرده‌اند که در روز عاشورا به شهادت رسیده است. شهید مطهری جریان شهادت وی در کربلا را از تحریف‌های لفظی واقعه عاشورا می‌داند. برخی دیگر از دو نفر به این نام یاد کرده‌اند که یکی در صفین و دیگری در کربلا به شهادت رسیده‌اند.

بنا بر گزارشی، هاشم فرزندی به نام عبدالله داشته است که به دستور معاویه، زیادبن‌ابیه او را به زنجیر کشید و به شام فرستاد و گفت‌وگوی تندی بین او و عمروبن‌عاص صورت گرفت.

پس از شهادت هاشم در صفین، عبدالله پسرش عَلَم پدر برگرفت و بر اهل شام حمله کرد و چند کس را کشت و عاقبت او نیز شربت شهادت چشید و به پدر بزرگوار خود رسید.

آیت‌الله محمدرضا ناصری

دشواری استقامت جمعی همراه با رهبری الهی

آیات ۲۳ تا ۲۶ سوره انسان، دهر، هل اتی؛ که هر سه اسم بر این سوره اطلاق می‌شود، مورد بحث ماست.

خداوند خطاب به رسولش می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْقُرْآنَ تَنْزِیلاً، فَاصْبِرْ لِحُکْمِ رَبِّکَ وَ لا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِماً أَوْ کَفُوراً (۲۳و۲۴)

ما قرآن را بر تو نازل کردیم. در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکیبا باش و از هیچ گنهکار و کافری از آنان اطاعت مکن.

در این سه آیه خطاب به پیامبر(ص) به چند دستور سخت اشاره می‌فرماید:

۱ـ اینکه پیامبر اکرم(ص) باید استقامت کند.

۲ـ غیر از خداوند از دیگران تبعیّت نکند.

۳ـ حرکتش باید بر اساس اطاعت و عبادت خدا بوده و مسیرش، مسیر خدایی باشد.

در آیه ۲۳ با تأکید فراوان می‌فرماید: فقط ما قرآن را برای تو نازل کردیم! این در مورد کسانی است که به پیامبر(ص) می‌گفتند؛ اینهایی که تو می‌گویی شعر است و به صورت شعر و داستان از کتب یهود و نصاری برداشتی و نمی‌خواستند قبول کنند که سخنان پیامبر(ص) از ناحیه خدا نازل شده و خدای متعال به او وحی کرده است.

همچنین از آیات بعد معلوم می‌شود که تأکید است برای پیامبر(ص) که ای پیامبر بدان! ما قرآن را برای تو نازل کردیم و در مقابل این نزول قرآن، از تو چیزهایی را می‌خواهیم. قرآن را برای تو فرستادیم، نه برای اینکه نگاهش کنی و بخوانی! نه برای اینکه ابزار دست داشته باشی! چون پیامبر(ص) مسئولیت‌پذیر است. قرآن، احکام خدا در مقابل مشرکان و دنیای جهالت و انسان‌های لجوج و متعصّب است، حال پیامبر(ص) چه باید بکند و چه توقّعاتی از پیامبر اکرم(ص) هست؟ مسئولیت خیلی مهمّی است.

صبر در اجرای احکام

لذا آیه بعد می‌فرماید: «فَاصْبِرْ لِحُکْمِ رَبِّکَ» اولین دستور اینکه تو باید صبور باشی و مقاومت کنی در مقابل حکم پروردگارت؛ آن کسی که تو را آفریده و تربیت کرده ا ست. رهبر و مسئول یک امت باید خیلی صبور باشد و در مقابل مشکلات شرح صدر داشته باشد.

مخصوصاً در پیاده کردن احکام و اجرای فرمان و دستور الهی صبور باشد و پافشاری و ایستادگی و مقاومت کند تا درست اجرا بشود.

خیلی موارد ما دیدیم که حکمی می‌دهند و رها می‌کنند، یا قانونی را می‌گذراند و دنبال نمی‌کنند، یا خوب به آن عمل نمی‌شود. گرفتاری ما در کشور این است که ممکن است یک دستور از احکام الهی به عنوان قانون تصویب یا ابلاغ شود، ولی برای اجرای حکم خدا پافشاری نمی‌کنیم! رها می‌کنیم. چرا که گاهی راحت‌طلبی کرده و در توجیه آن گفته می‌شود: شرایط ندارد، نمی‌شود، مقدور نیست. گاهی هم تنبلی و بی‌حالی است، یا گاهی از عواقب آن می‌ترسد. شاید این اجرا علیه خودم باشد یا علیه من موضع بگیرند.

خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید: حکم را اجرا کن. حکم دیگران و هوای نفس و ترس از عدم پذیرش دیگران و نه برای رضایت دیگران، دشمنی خدا را انتخاب نکن؛ «مَنِ التَمَسَ رِضَی النّاسِ بِسَخَطِ اللهِ سَخَطَ اللهُ عَلَیهِ و أسخَطَ عَلَیهِ النّاسَ»؛ هرکس رضای مردم را طلب کند به وسیله کاری که موجب سخط و خشم خداست؛ خدای تعالی بر وی خشم گیرد و مردم را بر وی به خشم آورد. روایت هم دارد؛ کسی که رضایت خدا را بر رضایت مردم انتخاب کند و اگر دشمنی مردم به دست بیاورد، غصه‌ای ندارد که خداوند او را کمک می‌کند. بنابراین کسی که حکم خدا را اجرا کند و رضایت خداوند را داشته باشد، خداوند او را در برابر مخالفان یاری می‌کند.

حالا در کارهای ما رضایت خدا کجاست؟ همین مسئله هسته‌ای، واقعاً «فَاصْبِرْ لِحُکْمِ رَبِّکَ» خطاب به کیست؟ دستور پروردگار را در اجرای آن به کار گیرید، و رضایت خدا را جلب کنید، چرا که اگر بخواهیم رضایت دیگران را جلب کنیم، موجب خشم پروردگار می‌شویم.

نمونه‌ای از استقامت امام(ره)

امام(ره) در اجرای فرمان خدا صبور و مقاوم بود. قبل از رفتن به سفر کویت سروان شاکر مسئول استخبارات عراق، با پنجاه نفر به دیدن امام(ره) آمد که امام(ره) اوّل اجازه نمی‌دادند. بالاخره وقت گرفته شد، این سروان گفت: ما با دولت و شاه ایران قرار گذاشتیم که شما دیگر در عراق فعالیتی به جز درس و بحث نداشته باشید. میهمان ما باشید و ما پذیرایی می‌کنیم، اما امام(ره) فرمودند: «من به ملّتم و مردم تعهد دارم و کارم را انجام می‌دهم.» خیلی به اینها برخورد. آن کسی که رئیس استخبارات آن روز عراق بود جهنمی درست کرده بود که واقعاً کسی جرئت نفس کشیدن نداشت؛ امّا امام ایستادند، نترسیدند و فرمودند من کاری به شما ندارم، من با مردم هستم. ما از شجاعت و جرئت امام در مقابل این شرور، تعجب کردیم، نگران شدیم که اینها قرار است چه بکنند؟ نقشه هم کشیدند و فردا خانه امام(ره) را محاصره و تلفن‌ها را قطع کردند و به ما همراهان امام اجازه ورود ندادند، حتی مانع حاج‌احمد آقا شدند. بعد مردم وارد شدند که تلفن‌ها را وصل کردند.

در پاریس وقتی رفتیم و یک مقدار کارهای نهضت شروع شده بود و در نوفل لوشاتو مردم جمع شده بودند، شاه احساس خطر کرده بود که تمام دنیا توجه‌شان به آنجا جمع شده است. در آنجا وزیر خارجه فرانسه و برخی دیگر آمده بودند و گفتند که آقا ما تحت فشار آمریکاییم و شما میهمان ما هستید، سعی کنید که شما کار به مسائل ایران نداشته باشید. امام(ره) فرموده بودند: «من فکر می‌کردم که فرانسه یک کشور دموکراسی است. فکر نمی‌کردم که فرانسه هم مستعمره ایران باشد!» این حرف خیلی برای آنها سنگین تمام شد. آنها دیدند فایده ندارد و رفتند. بعد در پیام خصوصی به حاج‌احمد آقا گفته بودند به آقا بگویید هر کار می‌خواهند بکنند.

استقامت جمعی با رهبر الهی

در ارتباط با استقامت و بیان قرآن و احکام آن در سوره شورا آمده است؛ «واسْتَقِمْ کَما أُمِرْتَ»؛ ای پیامبر! همانطور که مأمور شدی استقامت کن و بایست؛ یعنی همان‌طوری که ما به تو دستور دادیم به دستورهای ما عمل کن؛ نه کم نه زیاد. در سوره هود می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ کَما أُمِرْتَ وَ مَنْ تابَ مَعَکَ» اینجاست که پیامبر(ص) می‌گوید: «شَیَّبَتنی سُورَةُ هُودٍ». یعنی در مسیر اسلام با همراهانت تو باید مقاومت کنی، در مسیر پیاده کردن دین، از هیچ چیز نترسی و همه آنهایی که همراه تو هستند «مَنْ تابَ مَعَکَ».

این همراه کردن همراهان به مراتب سخت‌تر است؛ یعنی وقتی بخواهد انسان خودش یک کاری بکند، ممکن است بخواهد که دیگران را هم وادار و مأمور به استقامت بکند و آنها را هم بیاورد در راه. این خیلی سخت است. دیگران را هدایت کردن و دیگران را وادار به استقامت و مقاومت کردن، سخت است. تا حدی که فرمود: «شَیَّبَتنی سُورَةُ هُودٍ»؛ سوره هود مرا پیر کرد! علمایی مانند امام(ره) می‌فرمایند که این مربوط به همین «مَنْ تابَ مَعَکَ» است.

امام(ره) خیلی خوب از پیامبر اکرم(ص) یاد گرفت و خیلی خوب این دستور را اجرا کرد. طوری عمل کرد، طوری تربیت کرد، طوری بیداری در جامعه ما دمید، با آن اخلاص خودش، با آن ارتباطش با خدا، انسان‌هایی را تربیت کرد که مقاومت کردند، ایستادند و می‌ایستند در مقابل حمله‌های دشمن و هجمه‌های بیگانه، مشکلاتی که دشمن ایجاد می‌کند، مردم واقعاً مقاومت می‌کنند. در برابر این همه خباثت‌هایی که دشمن بر سر راه پیشرفت انسان و پیاده شدن احکام قرآن ایجاد می‌کند، ملت ایستاده است.

نقطه نظر

قدرت خدا در جماعت

□ احسان آیتی / در اسلام بر اجتماع و همدلی مؤمنان بسیار تأکید شده و اعتصام به ریسمان الهی و تشویق مؤمنان به شرکت در کارهای گروهی از توصیه‌های روشن قرآن و روایات است.

امیرالمؤمنین علی(ع) در کلامی نورانی می‌فرماید: «اِنَّ یَدَ الله (عَلی) مَعَ الْجَماعَهْ وَ إِیّاکُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشّاذَّ مِنَ النّاسِ لِلشَّیْطانِ کَما أَنَّ الشّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ»؛ دست خدا با جماعت است و از تفرقه حذر کنید؛ زیرا کسانی که از جماعت کناره می‌گیرند، طعمه شیطانند مانند گوسفندی که از گله جدا می‌افتد و گرگ او را می‌درد. آگاه باشید.»

در تفسیر آیه شریفه «یدالله فوق ایدیهم» (فتح/ ۱۰)، از آنجا که بیشتر مسلمانان اعتقاد دارد خداوند جسمانی نیست، دست را به معنای قدرت الهی معنا کرده‌اند، چنانکه در «تفسیر نمونه» آمده است: «عضوی که انسان با آن اعمال قدرت می‌کند دست‌های اوست، به همین جهت ید (دست) کنایه از قدرت است، مثلاً کسی می‌گوید؛ فلان منطقه در دست من است، یعنی در سیطره قدرت من قرار گرفته» با این بیان هرگاه مؤمنان با هم اجتماع داشته باشند و از جدایی و اختلاف دوری کنند، در آن اجتماع قدرت خداوند جلوه‌گر خواهد شد و به یقین در این صورت هیچ قدرتی یارای مقابله با مؤمنان را نخواهد داشت. از آن‌سو تفرقه و پراکندگی، امت اسلام را از نعمت والای قدرت خداوند به حضیض دامان شیطان می‌اندازد.

به همین دلیل است که حضرت با هشدار شدید امت را از افتراق نهی می‌کند و در ادامه درباره کسانی که با وحدت مخالفت می‌کنند و شعارهای تفرقه‌آمیز می‌دهند، بیان می‌دارد: «هر که مردم را به این شعار دعوت کند، بکشیدش اگر چه زیر این عمامه باشد.» این تعبیر شدید نشان از این دارد، هر رفتار و گفتار تفرقه‌آمیزی باید فوری از بین برود، هر چند ظاهر مقدس و وجیه داشته باشد.

گزارش ویژه

فرماندهان میدانی سپاه در مناطق زلزله‌زده در گفت‌وگو با صبح صادق

سپاه سخت‌ترین بخش امدادرسانی را برعهده گرفت

□ علی‌رضا جلالیان / پس از حضور در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه که با همت لشکر نبی‌اکرم(ص) توانستیم عازم این مناطق شویم، سردار ریحانی فرمانده سپاه نبی‌اکرم(ص) اولین مسئولی بود که توانستیم با وی پس از جلسه‌ای که با دهیاران روستاهای منطقه داشت به گفت‌وگو بنشینیم. وی که از روز اول حادثه در قرارگاه سپاه در این منطقه مستقر شده بود، درباره فعالیت‌های امدادی سپاه در این حادثه گفت: «اولین اقدامات سپاه اعزام رده‌ها و یگان‌های همان محل‌ها برای کمک به مصدومان و مجروحان و آواربرداری بود که در ساعات اولیه لشکر نبی‌اکرم(ص) با همه تجهیزات مهندسی و عمده نیروهای سپاه در منطقه فعال شدند.»

سردار ریحانی در توضیح اقدامات صورت گرفته در شهرها و روستاهای استان گفت: «گردان‌های بیت‌المقدس، امام حسین(ع) و رده‌های لشکر نبی‌اکرم(ص) در شهرهای استان در آواربرداری و انتقال مجروحان به بیمارستان و تدفین و غسل کشته‌شدگان حادثه که کار دشواری هم بود، با همکاری عده‌ای از روحانیون فعال شدند.

البته عمق فاجعه در روستاها بود و این موضوع کار را برای ما سخت‌تر می‌کرد. در تقسیم کار هم به سبب عمق زیاد حادثه در روستاها و استقرار نیروهای ارتش در اطراف شهر سرپل‌ذهاب شهر سرپل‌ذهاب قرار شد به ارتش واگذار شود و سپاه، حومه و روستاها و سایر مناطق را پوشش بدهد.»

وی افزود: «در اقدام بعدی، بیمارستانی را که در مهران برای ایام اربعین مستقر شده بود، فراخوان کردیم تا در منطقه مستقر شود. در کمتر از ۲۴ ساعت کار انتقال مجروحان به بیمارستان انجام شد و تا الآن روزانه حدود ۳۷۰۰ نفر مراجعه به این بیمارستان وجود داشته است. البته بهداری نیروی زمینی سپاه در این حوزه فعالیت چشمگیری داشته است.

فرمانده سپاه نبی‌اکرم(ص) در ادامه گفت: «اقدام بعدی تأمین امنیت مناطق و حفاظت از اموال مردم بود که از گردان‌های بیت‌المقدس برای تأمین امنیت و گشت‌زنی در شهرها استفاده کردیم؛ چرا که همیشه پس از بلایای طبیعی از این دست برخی افراد سودجو وجود دارند که از شرایط سوءاستفاده می‌کنند؛ لذا امنیت نسبی به وجود آمد و این امر با همکاری نیروی انتظامی بسامان‌تر شده است.»

وی خاطرنشان کرد: «گردان‌ها و نیروهای ما علاوه بر روستاها در شهرها نیز کمک کار دیگر دستگاه‌ها و همکاران ارتشی نیز هستند.»

سردار ریحانی افزود: «ما در روستاها استقرار موقت داشتیم؛ اقدامی که بسیار مهم است. الآن در این قرارگاه ۱۶۵ روستا تحت پوشش هستند و دهیاران یا مسئول شورای روستا را فراخوان کردیم و در حال توجیه آنها برای ادامه کار امداد و اسکان هستیم. هدف اولیه ما هر خانواده یک چادر و تأمین سایر امکانات حداقلی است.»

وی ادامه داد: «متأسفانه به دلیل نبود مدیریت در بحث اختصاص کمک‌ها از سوی دستگاه‌های متولی، در روزهای اول حادثه برخی از مردم بدون چادر مانده بودند، علیرغم اینکه تعداد چادرهای فرستاده شده به منطقه بیشتر از تعداد مردم بود، در این میان عده‌ای سودجو و فرصت‌طلب هم وجود دارند. البته با مدیریت نیروهای سپاه بر روند توزیع امکانات، چادر را به همه رساندیم. در این زمینه دهیاران بازوان اصلی ما برای توزیع درست و عادلانه امکانات هستند.»

فرمانده سپاه نبی‌اکرم(ص) در ادامه افزود: «در مواردی هم ما در جاده‌های منتهی به منطقه یا خود منطقه اقداماتی چون حمله به کاروان‌های تجهیزات و کمک‌ها را داشتیم که عمدتاً برخی مردم منطقه به جهت نیاز یا در برخی موارد گروه‌های موتورسوار به کاروان یورش برده و اموال آن را غارت کردند که دو مورد را بنده خودم شاهد بودم؛ لذا با اجرای اسکورت برای کاروان‌ها تا پیش از حضور نیروی انتظامی در منطقه توانستیم به این امر نظم بدهیم. ما کاروان‌های امکانات سپاه و غیر سپاه را پشتیبانی امنیتی کردیم و الآن وضعیت عادی است.

سپاه از دقایق اولیه در کلیه مناطق وارد شد. پیش از تقسیم مناطق و حتی پس از آن در سرپل‌ذهاب گردان‌های بیت‌المقدس بسیج و نیروهای سپاه وارد عمل شدند و هنوز هم حضور دارند و در شهرها هم کمک‌کار ارتش هستند

وی تأکید کرد: «جامعه هدف ما در این قرارگاه حدود ۲۰ هزار نفر است که جمعیت آسیب‌دیده روستاها و حومه شهر سرپل‌ذهاب را شامل می‌شود.»

سردار ریحانی گفت: «در بحث پشتیبانی از مردم، مؤسسات قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) با تعیین ده سر حد در منطقه در سه وعده ده هزار غذا را پخت کرده و توزیع می‌کنند. در قصر شیرین نیز روزانه پنج هزار غذا توزیع می‌شود. »

وی با بیان اینکه آنچه در توان مجموعه سپاه برای پشتیبانی در منطقه وجود داشت، به طور کامل استفاده شده است، افزود: «برای امدادرسانی بهتر با کمک سه بالگرد نیروی هوافضای سپاه امکانات را از ستاد لشکر نبی‌اکرم(ص) به مناطق منتقل می‌کنیم و در این کار از همکاری‌های خوب نیروی هوافضا و نیروی زمینی سپاه بهره می‌بریم. الآن پایگاه‌های گردان‌های ما در مناطق مرزی همگی افزون بر مأموریت تأمین امنیت مرزها، مقری برای امدادرسانی شده است. رده‌هایی از توپخانه سپاه، تیپ انصارالرسول(ص) و چند رده دیگر همکاران لشکر نبی‌اکرم(ص) هستند.»

وی افزود: «منطقه دالاهو، سرپل‌ذهاب، ثلاث باباجانی، قصر شیرین و گیلان‌غرب درگیر زلزله شده‌اند که افزون بر شهرها، حدود ۱۹۰۰ روستا را شامل می‌شوند.»

فرمانده سپاه نبی‌اکرم(ص) ادامه داد: «الآن دهیاران توجیه شده‌اند که آمارگیری دقیقی انجام بدهند و پس از کارهای اولیه امداد باید به مسائل مهم مردم توجه شود. شروع بارندگی و سرما، نگهداری دام‌ها، آغاز بازسازی خانه‌ها و... همگی از دغدغه‌های بعدی مردم است که ما سعی داریم خود مردم را در این امر دخالت بدهیم و خودشان مدیریت کنند. در این زمینه دهیاران و مسئولان شوراهای روستاها کمک‌کار ما خواهند بود.»

سردار ریحانی در پایان تأکید کرد: «الآن عمده همت سپاه حل مشکلات مردم منطقه است و برای این منظور عده زیادی از فرماندهان و مسئولان سپاه در منطقه حضور یافته و بررسی‌های میدانی را صورت داده‌اند.»

تعیین چهار محور عملیاتی برای امدادرسانی سپاه

سردار احمدزاده، فرمانده لشکر عملیاتی نبی‌اکرم(ص) کرمانشاه هم که در محل قرارگاه تاکتیکی سپاه در شهرستان سرپل‌ذهاب در مقر گردان تکاور لشکر نبی‌اکرم(ص) مستقر است، با بیان اینکه مردم ولی‌نعمتان انقلاب و در واقع اصل انقلاب و کشور هستند، گفت: «مرزنشینان ما هم همواره حافظ کشور بوده‌اند و در این حادثه نیز عمدتاً مرزنشینان ما درگیر مصیبت شده‌اند. سپاه که از جنس مردم و با مردم است وظیفه خود می‌داند که تا آخرین لحظه و تا پایان دردها و آلام مردم با آنها باشد و امدادرسانی کند.»

سردار احمدزاده تأکید کرد: «عمق فاجعه بیشتر در روستاها بوده و عمده مشکلات هم در روستاها است؛ از این رو سپاه روستاها را برای امدادرسانی انتخاب کرد که کار بسیار سختی است.»

یک بیمارستان فوق تخصصی مجهز در دانشگاه پیام‌نور سرپل‌ذهاب برپا شده است و روزانه هزاران نفر از مردم این منطقه را که مصدوم و بیمارند، ویزیت می‌کند. همچنین اکیپ‌های پزشکی و حدود ۴۰ دستگاه آمبولانس را تقسیم‌بندی کرده و به مناطق آسیب‌زده فرستادیم

وی افزود: «سپاه از دقایق اولیه در کلیه مناطق وارد شد. پیش از تقسیم مناطق و حتی پس از آن در سرپل‌ذهاب گردان‌های بیت‌المقدس بسیج و نیروهای سپاه وارد عمل شدند و هنوز هم حضور دارند و در شهرها هم کمک‌کار ارتش هستند.»

احمدزاده افزود: «در کل مناطق درگیر با زلزله ما چهار محور را برای ارائه خدمات و امدادرسانی در روستاها که عمق فاجعه بیشتر در آنجا است، مشخص کردیم که نیروهای لشکر نبی‌اکرم(ص) با یگان‌های دیگر سپاه در منطقه اقدامات خود را به سرعت شروع کردند.»

وی ادامه داد: «توان مهندسی سپاه به سرعت عازم مناطق شده است. مهندسی لشکر، گروه‌های تخصصی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) و دیگر یگان‌های مهندسی سپاه مستقر در منطقه کار آواربرداری، دفن احشام تلف شده و اصلاح فیزیکی جاده‌های مسیر را شروع کردند.»

احمدزاده در پایان گفت: «در حوزه بازسازی روستاها برادران عزیز ما در بسیج سازندگی گویا در حال بررسی وضعیت و نحوه کار هستند تا بتوانند با همکاری نهادها این کار را به سرعت انجام دهند.»

سردار ریحانی افزود: «یک بیمارستان فوق تخصصی مجهز در دانشگاه پیام‌نور سرپل‌ذهاب برپا شده است و روزانه هزاران نفر از مردم این منطقه را که مصدوم و بیمارند، ویزیت می‌کند.»

وی عنوان کرد: «ما خود باید به سراغ بیماران می‌رفتیم؛ چون برخی از بیماران و حادثه‌دیدگان نمی‌توانستند به مراکز درمانی مراجعه کنند؛ به همین منظور اکیپ‌های پزشکی و حدود ۴۰ دستگاه آمبولانس را تقسیم‌بندی کرده و به مناطق آسیب‌زده فرستادیم تا همراه با اکیپ‌هایی که کار پشتیبانی را انجام می‌دادند، کار را انجام دهند.»

فرمانده سپاه نبی‌اکرم(ص) اظهار داشت: «بسیج این‌گونه برنامه‌ریزی کرده است که هر چند استان، مسئولیت چند روستا را برعهده بگیرند که حدود چند صد روستا خواهد بود. به این ترتیب، خود استان‌ها مدیریت روند امدادرسانی منطقه تحت مدیریت خود را برعهده می‌گیرند که این به روند کمک‌رسانی و بازسازی مناطق زلزله‌زده کمک شایانی خواهد کرد.»

وی افزود: «نیروهای سپاه کرمانشاه به ویژه یگان‌هایی که در مناطق زلزله‌زده خدمت و زندگی می‌کنند، دو چندان متحمل رنج و سختی شده‌اند؛ زیرا در وضعیتی که خانواده‌های خودشان هم دچار رنج و مصیبت زلزله بودند، همگی در چند روز در محل یگان‌ها یا روی دستگاه‌های مهندسی حاضر بودند و اقدام به خدمت‌رسانی به دیگر هموطنان‌شان می‌کردند که ما در این میان حتی نیروهایی از گردان تکاوری داریم که همزمان با زلزله فرزندش هم به دنیا آمده و هنوز نتوانسته است فرزندش را ببیند.»

ریحانی در پایان تأکید کرد: «سپاه حافظ امنیت کشور و نگهبان انقلاب است و همه امکانات و توان خود را برای رفع رنج‌های مردم گذاشته است. در این میان همکاران بنده در سپاه نبی‌اکرم(ص) صحنه‌هایی از خدمت را آفریدند که باید به همه این عزیزان خسته نباشید و خداقوت بگوییم.»

یادداشت

نیروهای مسلح و حوادث غیر مترقبه

□ **علیرضا جلالیان** / زلزله کم‌سابقه اخیر در استان کرمانشاه بار دیگر ضرورت توجه به مسئله مدیریت بحران‌های غیر مترقبه و اهمیت آن را به مسئولان کشور گوشزد کرد. در این میان تجربه‌ای تکرار شد که همه کشور باید از آن درس بگیرند. با وجود تجهیز و سازماندهی نهادهای خدمت‌رسان در چنین بحران‌هایی؛ اما به علت ناکارآمدی این دستگاه‌ها، در مراحل اولیه بحران باز این نیروهای مسلح بودند که وضعیت منطقه را از لایه بحرانی خارج کرده و با امدادرسانی فوری وضعیت را به یک لایه پایین‌تر از بحران رساندند و در تداوم کار در کنار نهادهای امدادی در حال مدیریت وضعیت هستند. با وجود اینکه حجم عظیمی از امکانات در اختیار دستگاه‌های دولتی مستقر در استان‌ها است؛ اما عملاً در گیرودار دیوان‌سالاری اداری، عمده این توان در زمانی که به آن نیاز است بی‌استفاده باقی می‌ماند و باز نیروهای مسلح به دلیل ماهیت مأموریت واکنش سریع، اولین گروه‌هایی هستند که به منطقه بلادیده می‌رسند. این ناکارآمدی دستگاه‌های امدادی در لحظه‌های ابتدایی بلایا، چند علت دارد که مهم‌ترین آن آمادگی نداشتن برای مقابله است. انجام ندادن رزمایش‌های لازم، بررسی نشدن تجهیزات برای لایه‌های مختلف یک بلا و...

بر این اساس به نظر می‌رسد واگذاری مدیریت نهادهای امدادرسان به نیروهای مسلح، راهکار مناسبی برای عملیاتی شدن و بالا رفتن توان آنها در حوادث و بلایا است. سازمان پدافند غیر عامل می‌تواند مدیریت مطلوبی بر نهادی همچون هلال‌احمر داشته باشد؛ البته هلال‌احمر، سازمانی وابسته به دولت است؛ اما به همان نسبت که نیروی انتظامی بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هستند که در اختیار وزارت کشور قرار گرفته‌اند، می‌توان مدیریت هلال احمر را با مالکیت دولت به ستاد کل نیروهای مسلح یا سازمان پدافند غیر عامل واگذار کرد تا بتواند عملیات واکنش سریع صورت داده و تجهیزات نیروهای مسلح را در ایام صلح برای تمام کشور به خدمت گرفته یا کمک کار امداد غیر نظامی باشد.

در کنار این مسئله واحدهای بهداشت و درمان نیروهای مسلح به ویژه سپاه، بسیج جامعه پزشکی و بهداری ارتش هم می‌توانند با هم‌افزایی با هلال احمر، بزرگ‌ترین سازمان امدادی منطقه و جهان را برای مقابله با هرگونه بلایایی سامان دهند که حتی می‌تواند در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی حضور مقتدرانه‌ای داشته باشند. هلال احمر و نیروهای مسلح هیچ‌یک نهادهای سیاسی و حیاط خلوت احزاب و جریان‌های سیاسی نیستند و موضوع مدیریت واحد دستگاه‌های امدادی در نیروهای مسلح را نباید با نگاه سیاسی تخریب کرد؛ چرا که صحنه عمل، کارایی این مدل را اثبات کرده و تخریب چنین موضوعی بیشتر به حماقت شبیه است تا یک تحلیل سیاسی. این مهم هم باید مورد توجه قرار گیرد که زلزله‌های اخیر عملاً نشان داده که سازمانی به نام «سازمان مدیریت بحران» هیچ نقشی در مهار بحران‌های این‌چنینی نداشته و تنها یک نقش تشریفاتی است؛ بنابراین بازنگری در این سازمان و قرار گرفتن مدیریت بحران در دست مردانی که در نیروهای مسلح از دل بحران فرصت می‌سازند، یک الزام است.

نقطه سرخط

«هیچ کس نبود این آمد»

یک برنامه یک هفته‌ای تدارک دیده بودیم. قرار بود در پنج روز از این برنامه که صبح تا شب ادامه داشت، یک نشست دو ساعته برگزار شود. برنامه‌ریزی کردیم، اما یک روز خالی موند، هرچه تلاش کردیم نه سخنران پیدا شد و نه موضوعی برای برگزاری نشست. اما دم دست‌مون توی همکاران برگزارکننده یک رزمنده جانباز دفاع مقدس که هم مدافع حرم و هم راوی دفاع مقدس بود، داشتیم و از او غافل شده بودیم. سریع پیشنهاد دادیم با موضوع مدافعان حرم خود او سخنرانی کند. خودش همانجا گفت کار شما مصداق این است که می‌گویند: «هیچ کس نبود این آمد.»

بسیج امکانات سپاه برای زلزله‌زدگان

فرماندهان سپاه از اولین ساعات وقوع زلزله در مناطق زلزله‌زده غرب کشور حضور یافتند و یگان‌های عمل‌کننده در امدادرسانی به مردم زلزله‌زده استان کرمانشاه را سازمان‌دهی و مدیریت کردند. هواپیماها و بالگردها، تعداد شش بیمارستان مجهز سیار، امکانات مهندسی و چندین یگان واکنش سریع به منظور امدادرسانی و کمک به زلزله‌زدگان از نخستین ساعات وقوع زلزله در منطقه حضور داشته و همچنان به به مردم منطقه خدمت‌رسانی می‌کنند.

گفت‌وگوی صبح صادق با رزمنده مدافع حرم تیپ زینبیون در آستانه هفته بسیج

جبهه مقاومت هر روز گسترده‌تر می‌شود

□ **حسن ابراهیمی** / **شیعه نیجریه‌ای که در سفر اربعین حاضر شده بود، از شیخ ابراهیم زکزاکی و ارادتش نسبت به او صحبت می‌کرد. او می‌گفت: شیخ ابراهیم، شاگرد مکتب امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای است. بسیار مشتاق تفکر بسیج بود. جوان دیگری هم از یمن در این سفر بود که تفکرش کاملاً انقلابی و با روحیه جهاد و مبارزه بود و اعتقاد فراوانی به بسیج داشت. جوانان عراقی هم امروز هویت جهادگرانه خود را در حشدالشعبی یافته‌اند. بسیجیان سوریه نیز به مدد همت شهید همدانی، حماسه‌ها آفریده‌اند. رأس همه اینها رزمندگان حزب‌الله لبنان هستند. پاکستانی‌ها و افغانستانی‌ها همگی گل کاشته‌اند؛ اما همه اینها یک وجه مشترک دارند، همه خود را بسیجیان انقلاب امام خمینی(ره) می‌دانند که می‌خواهد مقدمه‌ساز انقلاب امام مهدی(عج) شود و هدفش نابودی رژیم صهیونیستی است، بنا به وعده زعیم و امامشان که فرمودند تا ۲۵ سال آینده دیگر رژیم صهیونیستی وجود نخواهد داشت.**

در آستانه هفته بسیج به بهانه نگاهی به صدور انقلاب و تفکر بسیجی، پای صحبت یکی از بسیجی‌های جهان اسلام با ملیت پاکستانی از اهالی ایالت «پنجاب» نشستیم که بعد از سال‌ها مشتاقی برای جهاد توانسته در کسوت رزمنده تیپ زینبیون، مدافع حرم شود. وی را که جانباز هم شده است با نام مستعار «عمار» می‌خوانیم، به امید اینکه در آینده نزدیک دیگر مشکل بیان هویت چنین نیروهایی را نداشته باشیم.

*** برای ما از نحوه آشنایی با فرهنگ انقلاب اسلامی بگویید.**

من هشت ساله بودم که با شهدایی مانند چمران، بابایی و همت آشنا شدم و عکس‌شان را روی دیوار اتاقم می‌زدم. عکس امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای را هم همیشه داشتیم و می‌بردیم در راهپیمایی‌ها و برنامه‌های مختلفی که برگزار می‌شد، نگه می‌داشتیم. ما درباره دفاع مقدس مطالعه داشتیم. انقلاب اسلامی در واقع با دفاع مقدس و همین فرهنگ بسیجی وارد پاکستان شده است. آنجا در مساجد و حسینیه‌ها فعالیت داریم؛ ولی آنجا نمی‌گوییم «بسیج» با نام‌های دیگر این فعالیت‌ها انجام می‌شود. برای نمونه هیئت داریم و فعالیت‌های مختلف فرهنگی انجام می‌دهیم. من کتاب‌های مربوط به شهدا را از ایران می‌بردم و در پاکستان در جزوه‌هایی به اردو ترجمه می‌کردیم و می‌دادیم دیگران بخوانند.

*** پس شما هیئت هم دارید، درباره هیئت‌های‌تان بگویید.**

در پاکستان شیعه‌ها و سنی‌ها در مراسم هم شرکت می‌کنند و ما در کنار هم هستیم. ما مراسم عزاداری اباعبدالله را برگزار می‌کنیم و نسبت به ائمه(ع) تعصب بسیاری داریم. هیئت‌های ما هم درس مبارزه به ما می‌دهد، همین چیزی که شما در ایران می‌گویید؛ هیئت باید سیاسی باشد و سیاست‌زده نباشد.

*** شما در کسوت مدافع حرم هم بودید، چه اتفاقی افتاد که وارد این جرگه شدید؟**

همان‌طور که گفتم ما نسبت به ائمه(ع) تعصب بسیاری داریم. زمانی که حرم اهل بیت(ع) مورد اهانت قرار گرفت همه ما مشتاق شرکت در جهاد علیه این تکفیری‌ها بودیم و خدا نصیب ما کرد تا بتوانیم در این مسیر قدم برداریم و به هر جهت با همکاری‌هایی که سپاه داشت، توانستیم در جمع مدافعان حرم حاضر شویم.

*** در دفاع مقدس رزمندگان ایرانی حضور داشتند، عده‌ای هم از مجاهدان عراقی، عده محدودی افغانی و عده‌ای هم لبنانی، عده خیلی کمی هم پاکستانی بودند، از نظر شما چه شد که آن عده کم دیروز، امروز به تیپی به نام حضرت زینب(س) تبدیل شده است؟**

ببینید شما، یعنی ایرانی‌ها در سپاه در دفاع مقدس از لشکرهای مختلف بودید. اصفهانی، تهرانی، شیرازی، تبریزی و... محدوده مبارزه شما مرزهای خودتان بود؛ اما امروز یک جبهه گسترده به مدد فعالیت‌هایی که دفاع مقدس و فرهنگ جهاد و شهادت و انقلاب اسلامی را ترویج داد، از ملت‌های مختلف شکل گرفته است. لشکر استان‌ها تبدیل شده به سپاه ملت‌ها، یک بخش از این جبهه ایرانی‌ها، یک بخش حزب‌الله لبنان، یک بخش حشدالشعبی و نجبای عراق، یک بخش فاطمیون افغانستان، یک بخش زینبیون پاکستان و یک بخش هم انصارالله یمن است. بدانید که این جبهه روز به روز در حال گسترده‌تر شدن است.

*** امید دارید که بتوانید زینبیون را در خاک پاکستان سازماندهی کنید؟**

الان که با شما سخن می‌گویم از دو جهت مشکل دارم؛ یکی از این جهت که نباید مشخصات و هویت من فاش شود که چه کسی هستم تا بتوانم در زینبیون بمانم و دوباره به دفاع از حرم بروم و دوم اینکه اگر دستگاه اطلاعاتی پاکستان من را بشناسند، خانواده‌ام را اذیت می‌کنند و من دیگر نمی‌توانم پایم را به پاکستان بگذارم؛ اما به هر جهت چند سالی است که تحولاتی در پاکستان رخ داده و زمانی که فرماندهان ارتش پاکستان دیدند که با همکاری و همراهی با آمریکایی‌ها تنها هزینه ماجراجویی‌های آمریکایی‌ها را داده‌اند و هیچ چیز نصیب‌شان نشده، عملاً رفته‌اند در جبهه مخالفت با آمریکا و فرمانده فعلی ارتش و نفر پیش از او افرادی مخالف آمریکا هستند. مدتی است که خیلی کم در پاکستان انفجار و حرکت‌های تروریستی داریم. آنها چند ماهی است که به شدت در مخالفت با آمریکا سخن گفته‌اند و به تازگی هم به تهران آمده و برای همکاری‌های نظامی و امنیتی با ایران اعلام آمادگی کرده‌اند، حتی پیشنهاد «سردار جعفری» را برای تشکیل بسیج پذیرفته‌اند که احتمال می‌دهم تا چند سال آینده ما هم در پاکستان، بسیج داشته باشیم.

*** از اینکه مدافع حرم هستید، چه احساسی دارید؟**

هدف ما همان چیزی است که امام خامنه‌ای فرمودند، این غده سرطانی تا ۲۵ سال آینده دیگر نیست و ما می‌خواهیم این وعده را زودتر محقق کنیم که کل جهان اسلام علیه رژیم صهیونیستی اقدام کنند. این در دوران دفاع مقدس هدفی مهم بود که رزمنده‌ها داشتند. یادم می‌آید که چقدر مشتاق بودم در دوران دفاع مقدس کنار رزمنده‌ها بودم و می‌جنگیدم، امروز که در این موقعیت هستم خیلی خوشحالم و امید دارم که ان‌شاءالله مقدمات ظهور امام زمان(عج) را فراهم کنیم تا صهیونیست هر چه زودتر از صحنه روزگار محو شود.

پاسداران خورشید

همسر مدافع حرم شهید سالاری

عبدالحمید دو بار هجرت کرد

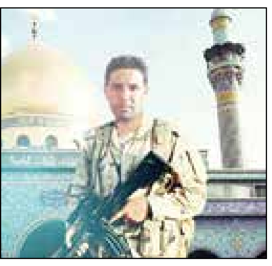

□ **احسان امیری** / عبدالحمید شیعه بود، اما از شهدای گروه نبویون (از مدافعان حرم اهل سنت سیستان‌وبلوچستان) شد. او برحسب رفاقتی که با اهل تسنن داشت همراه این گروه راهی میدان جهاد شد. مریم سالاری، همسر این شهید بزرگوار درباره وی می‌گوید:

«همسرم خیلی دوست داشت برای دفاع از حرم راهی شود، اما چون از سپاه بندرعباس اعزامش نمی‌کردند، به واسطه یکی از دوستانش از ایرانشهر اقدام کرد و همراه بچه‌های نبویون راهی میدان جهاد شد. من تا زمان شهادت همسرم اطلاعی از نبویون نداشتم. بعد از شهادت عبدالحمید متوجه شدم که نبویون رزمندگان اهل سنت سیستان‌وبلوچستان را شامل می‌شود. عبدالحمید همراه یکی از دوستان اهل تسنن که رفاقت خیلی زیادی با هم داشتند و به هم وابسته بودند، راهی شد. جز من و خواهران شهید کسی از اعزامش اطلاع نداشت. به من گفت موضوع را با بچه‌ها مطرح نکنم تا ذهن‌شان درگیر نشود. بچه‌ها تازه زمان شهادت پدر متوجه شدند که ایشان برای دفاع از حرم راهی شده است. پدر و مادرش نیز یک هفته قبل از شهادتش متوجه اعزام او شدند. عبدالحمید در آخرین روزهای حیاتش با پدر و مادرش تماس گرفته و گفته بود که در منطقه است. او برای جهاد دو بار از دیارش هجرت کرد؛ یک‌بار به سیستان رفت و بار دیگر عازم سفر سوریه شد. او پسر خاله‌ام بود. هر دو هم اهل و ساکن بندر هستیم. من متولد ۱۳۵۶ هستم و همسرم عبدالحمید سالاری متولد ۱۳۵۵ بود. سال ۱۳۷۹ با مهریه ۱۴سکه با هم ازدواج و زندگی مشترک‌مان را آغاز کردیم. ایشان نظامی بود، اما چند سالی قبل از شهادت از کارش استعفا کرده بود و شغل آزاد داشت. پدرم نظامی بود. با مسائل زندگی نظامی آشنا بودم. عموی خودم هم شهید شده است. بعد از ازدواج با عبدالحمید متوجه ارادت ایشان به شهدا شدم. خوب به یاد دارم هر سال زمان تحویل سال سفره هفت‌سین‌مان را کنار مزار عموی شهیدم پهن می‌کردیم. عمویم فرمانده گردان ادوات بود که در عملیات کربلای ۴ شهید شد. وقتی سر مزار عمو می‌رفتیم، عبدالحمید خیلی گریه می‌کرد و بی‌تاب می‌شد. همیشه به حال شهدا غبطه می‌خورد. وقتی صحبت رفتن به سوریه شد، اصلاً مخالفتی نکردم. فقط گفتم می‌ترسم اسیر شوی. ما دو فرزند داریم و همسرم خیلی روی تربیت بچه‌ها تأکید داشت. می‌گفت مراقب تربیت دینی و مکتبی بچه‌ها باش.

عبدالحمید تک‌تیرانداز بود. در مرحله عملیات و تشدید درگیری در شهرک عزیزیه همرزمانش از ایشان خواسته بودند اسلحه دیگر دست بگیرد، اما می‌گوید من تک‌تیراندازم. هوا هم تاریک بوده که داعشی‌ها مانند نقل و نبات آتش روی سر بچه‌ها می‌ریزند. در نهایت با اصابت خمپاره در نزدیکی تپه محل استقرار رزمندگان، عده‌ای از دوستان عبدالحمید زخمی می‌شوند و عبدالحمید به شهادت می‌رسد. همرزمانش در تاریکی هوا و بحبوحه عملیات پیکر شهدا را به عقب می‌آورند اما پیکر شهید عبدالحمید سالاری در منطقه می‌ماند. بعد از آمارگیری متوجه می‌شوند که عبدالحمید در میان بچه‌ها نیست و تپه هم در دست داعشی‌هاست. بعد از یک هفته که تپه آزاد می‌شود، پیکر شهید را در منطقه پیدا می‌کنند، ابتدا به تهران می‌آورند و بعد به بندرعباس منتقل می‌کنند. پیکر عبدالحمید ۱۴ آذر ۹۴ در بندرعباس و عصر همان روز در حاجی‌آباد تشییع شد. ۱۵ آذر هم در روستای سردر به خاک سپرده شد.»

گلی از باغ

داستان‌های «مردی با آرزوهای دوربرد»

کتاب «مردی با آرزوهای دوربرد» یادبودی است برای شهید حسن طهرانی‌مقدم که ناگفته‌هایی از زندگی این شهید را بیان کرده است. این کتاب را فائقه غفار حدادی تدوین کرده و انتشارات لوح‌نگار در بهار سال ۱۳۹۲ در شمارگان ۵۰۰۰ نسخه برای دومین بار به چاپ رسانده است. نویسنده در این کتاب سعی کرده در ۳۵ روایت، زندگی شهید سردار حاج حسن طهرانی‌مقدم را از جوانی تا شهادت روایت کند و البته سیر تاریخی در این نوشته‌های داستان‌گونه رعایت نشده، برای نمونه اولین روایت مربوط به روز شهادت حاج‌حسن و همراهانش است. در کتاب خبری از نام راوی خاطرات نیست؛ اما در هر روایت معلوم است که نویسنده از اطلاعات چندین راوی و از منظرهای مختلف بهره برده است. در معرفی کوتاه این کتاب آمده است: «کتاب حاضر، دربردارنده مستند نگاره‌هایی از زندگی شهید «حسن طهرانی‌مقدم»، (۱۳۹۰ـ۱۳۳۸) است.» در این کتاب بیوگرافی شهید به طور مستند، دوران نوجوانی و جوانی، شرکت در فعالیت‌های ضدّرژیم پهلوی، حضور فعّال ایشان در احداث هیئت‌های مختلف و فعالیت‌های مردمی بیان شده است. همچنین، فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی ایشان در کمیتهٔ انقلاب، جهاد سازندگی و حضور فعّال و حماسه‌آفرین شهید در جنگ و عملیات‌های مختلف جنگ تحمیلی به طور مختصر بازگو شده است. در بخش‌هایی از اثر، سجایای اخلاقی، اهداف خداپسندانه، دلاوری‌ها و رشادت‌های شهید و نحوه شهادت ایشان و حضور رهبر معظم انقلاب در مراسم تشییع ایشان و تأثیر شهادت ایشان بر مردم تهران و خانواده ایشان به تصویر کشیده شده است. کتاب، با هدف ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و ارائه الگویی مناسب به نسل جوان و نشان دادن رشادت‌ها و فداکاری‌های شهیدان ایران تهیه شده است. در بین روایت‌های کتاب، عکس‌های رنگی از مقاطع مختلف زندگی شهید طهرانی‌مقدم درج شده و کل کتاب بر روی کاغذ گلاسه به چاپ رسیده است.

قبیله عشق

طاقت دوری از جبهه را نداشت

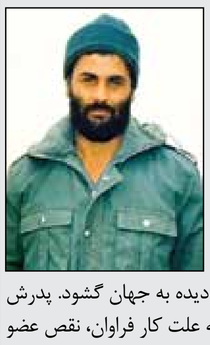

بعد از عملیات «بیت‌المقدس» ازدواج کرد؛ بنابراین به سوریه نرفت؛ اما زمانی که نیروهای لشکر از سوریه برگشتند سریع به جبهه رفت و در عملیات «رمضان» شرکت کرد. دلش طاقت نمی‌آورد در جبهه نباشد. برای انجام عملیات «زین‌العابدین» و «مسلم‌بن‌عقیل» هم همین‌طور شد، دلش طاقت نیاورد و خود را به جبهه رساند.

به نقل از همرزمان شهید علی‌اکبر حاجی‌پور

«علی‌اکبر» در سال ۱۳۳۰ در شهر «آذرشهر» از توابع «تبریز»، دیده به جهان گشود. پدرش کارگر بود. سال اول ابتدایی را با موفقیت سپری کرد اما پدرش به علت کار فراوان، نقص عضو می‌شود و از کار می‌افتد، بنابراین مجبور می‌شود هم کار کند و هم درس بخواند. او در یک کارگاه قالی‌بافی مشغول کار می‌شود. به امید یافتن کار، به تهران سفر می‌کند و وارد ارتش می‌شود. در ارتش به دلیل تقید به فرایض دینی، چند بار بازداشت می‌شود. در سال ۱۳۵۶، همراه چند نفر از دوستانش، با تعدادی اسلحه و مهمات، از ارتش فرار می‌کند. در روزهای پیروزی انقلاب فعالانه تلاش‌های انقلابی خود را گسترش می‌دهد.

مسئول کمیته مسجد قبا می‌شود. پس از تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به عضویت این نهاد انقلابی درمی‌آید و به آموزش پاسداران می‌پردازد و عازم کردستان می‌شود. پس از شروع جنگ تحمیلی، همراه با گردان تحت امر خود، عازم جبهه‌های جنوب می‌شود. در عملیات‌های «فتح‌المبین» و «الی بیت‌المقدس» با مسئولیت فرمانده گردان تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) وارد عمل می‌شود. سال ۶۱ با دختری مؤمن ازدواج می‌کند. در عملیات‌های رمضان، والفجر مقدماتی و... شرکت می‌کند تا اینکه در عملیات «والفجر ۴» در مرحله دوم عملیات که برای شناسایی مواضع دشمن رفته بود، در دشت «پنجوین» هدف تیر مستقیم تانک دشمن قرار می‌گیرد و در تاریخ ۱۴ آبان سال ۱۳۶۲ به فیض عظیم شهادت نائل می‌شود.

تریبون

امروز مهم‌ترین کارکرد بسیج چیست؟

در هفته بسیج، جمع‌بندی این شماره از هم‌اندیشی تریبونی را که به موضوع کارکردهای بسیج برای جامعه امروز اختصاص داشت، جمع‌بندی می‌کنیم.

محرومیت‌زدایی/ محرومیت‌زدایی، موضوعی بود که پاسخ به این پرسش را «غلام رسول کریمی» از دلند، «پولادوند» از قم، «رحیمیان» از شهرکرد، «محمدرضا شعبانی» از هندیجان، «شیرزاد صحرایی» از صحنه، «رضا شمسی» از شازند، «علی‌حسن زارعی» از قزوین، «سیما ساریخانی» از خرمی، «حقیقی» از سمنان و «محمد زارعی برآبادی» از خواف مطرح کرده‌اند.

اقتصاد مقاومتی/ اما اقتصاد مقاومتی و فعالیت در این باره را «حلیمه گلوی» از روستای سرسبز قلمیعلی، «شعبان» از بروجرد، «بهروز مسیب‌پور» از خلخال، «عباس حسین‌خانی» از رابر، «مجید فیاضی‌پور» از دهدشت، «محمدرضا محی‌آبادی» از کرمان، «رسول سلیمانی» از زنجان، «رضا رضایی»، «سیدحامد ارجمندپور» از بهمئی و «حلیمه عابدی» از کرمان بیان داشته‌اند.

جنگ نرم/ «محمد صابری‌فر» از کردکوی، «محمدصابر عباس‌پور» از گیلانغرب، «محسن کریمی» از کردستان، «مقصودی‌فر» از خوانسار و «نوریانی» از الوند فعالیت برای مقابله با جنگ نرم را مهم دانسته‌اند.

تربیت نیرو برای انقلاب/ «یوسف تاروردی‌زاده» و «سروری» از سلماس، مهم‌ترین مأموریت امروز بسیج را تربیت نیرو برای انقلاب می‌دانند.

دفاع از انقلاب/ «مجید پاکار» از زنجان، «حسین حسنوند» از کرمانشاه و «حسن شفیعی» از شیراز دفاع از انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن را مهم می‌دانند.

بصیرت‌افزایی/ بصیرت‌افزایی و افزایش آگاهی‌های بینشی و سیاسی مردم را هم «یاسر فولادی» از سمنان، «سیدمحمد خدایی» از اردکان، «سیدرضا موسوی‌شجاعی»، «ایمان‌آباد» از برازجان، «حسین کوشکی» از صفاشهر، «محسن کوشکی» از خرم‌بید و «قاسمی» از گناباد بیان کرده‌اند.

صدور انقلاب اسلامی/ «مصطفی صالحی» از کهنوج به موضوع صدور انقلاب اسلامی اشاره کرده است.

ولایت‌مداری و ولایت‌پذیری/ «حیدر بکاء عین‌الدین» از بستان‌آباد، «علی مجیدی» از آذرشهر و «محمود نصیری» از شاهرود هم ولایت‌مداری و ولایت‌پذیری را بیان کرده‌اند و «منصوره بخشی» از مشهد، بسترسازی تمدن بزرگ اسلامی است را مطرح کرده است.

«احمد محمدی‌فرد» از آبیک، حفظ روحیه انقلابی و حضور داوطلبانه در صحنه‌ها را مهم می‌داند. دفاع از ارزش‌ها و مقابله با ضد ارزش‌ها را «محمد کریم‌زاده» از اصفهان بیان کرده و سازندگی اقتصادی، علمی و دفاعی را «محمود لعلی» از اصفهان بیان کرده است. توانمند کردن جامعه را «ولیزاده» از ارومیه مطرح نموده است و ایجاد روحیه انقلابی را «هادی رضانژاد» از آذرشهر بیان کرده است. «ندایی» از قم، حفظ روحیه انقلابی جامعه را مهم می‌داند. شکل دادن به فضای جهاد در بین جوانان را «جمال کشاورزی» از خرامه و «سعید یزدانی» از کرمانشاه مطرح کرده‌اند. «فرهادی» از قم، حرکت جهادی در فرهنگ و دانش را مهم می‌داند.

برندگان تریبون ۱۵

«منصوره بخشی» از مشهد/ «یوسف تاروردی‌زاده»

«سروری» از سلماس

پرسش تریبون ۱۶

چرا عده‌ای به دنبال کم‌رنگ جلوه دادن نقش سپاه در امدادرسانی هستند؟

شماره پیامک ۳۰۰۰۹۹۳۳

گزارش خبری

با تفاهم قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) و بنیاد مسکن

احداث مسکن موقت زلزله‌زدگان به قرارگاه سازندگی واگذار شد

تفاهم‌نامه همکاری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) سپاه برای بازسازی مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه به امضای علیرضا تابش و سردار عباداللّه عبداللهی رسید.

در راستای اهتمام جدی دستگاه‌ها و نهادها در زمینه بازسازی مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه و کاهش آلام هموطنان عزیز آسیب‌دیده از زلزله، نشست مشترک رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) سپاه به امضای تفاهم‌نامه همکاری منجر شد.

تسریع در عملیات تخریب و آواربرداری واحدهای آسیب‌دیده، تأمین مصالح، کمک به حمل مصالح و همکاری در تأمین اسکان و سرپناه موقت از اقداماتی است که از سوی بنیاد مسکن به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) سپاه در قالب این تفاهم‌نامه سپرده شده است.

در این تفاهم‌نامه مقرر شده است؛ پس از تشکیل پرونده از سوی بنیاد مسکن، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) سپاه از طریق تأمین ماشین‌آلات سنگین مورد نیاز، تأمین نیروی انسانی متخصص، کمک به مردم برای جمع‌آوری اسباب و اثاثیه و بازیافت تفکیک مصالح، احداث اسکان موقت را انجام دهد.

فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) در این نشست با اشاره به اقدامات این قرارگاه در زمینه خدمت‌رسانی به زلزله‌زدگان، گفت: «از زمانی که نسبت به زلزله اطلاع‌رسانی شد، دستور آماده‌باش و به کارگیری ماشین‌آلات و نیروی انسانی برای امدادرسانی و خدمت‌رسانی به زلزله‌زدگان صادر شد.»

وی با بیان اینکه براساس تقسیم‌بندی مناطق بین دستگاه‌ها، نهادها و سازمان‌ها، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) عهده‌دار رسیدگی به ۷۴ روستا با جمعیتی بیش از ۱۴ هزار نفر از شهرستان سرپل ذهاب تا شهر ازگله شد، افزود: «علاوه بر مشارکت در امدادرسانی وآواربرداری، بیش از شش هزار تخته چادر، ۱۰هزار تخته پتو و روزانه ۱۲ تا ۱۵ هزار غذای گرم در بین زلزله‌زدگان از سرپل ذهاب تا ازگله توزیع شده است.»

سردار عبداللهی ادامه داد: «با توجه به استقرار کارگاه‌های ما در استان کرمانشاه به دلیل انجام پروژه طرح جمع‌آوری روان آب‌های غرب کشور و وجود ماشین‌آلات و نیروهای متخصص در آن استان، در زمینه احداث اسکان روستاییان زلزله‌زده مشکلی وجود ندارد.»

وی با اعلام آمادگی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) برای احداث همزمان اسکان موقت و اسکان دائم خانواده‌های زلزله‌زده گفت: «به فضل الهی کار احداث اسکان موقت روستاییان را آغاز خواهیم کرد.»

رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در این نشست با قدردانی از اقدامات قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) در همکاری‌های گذشته به ویژه در بازسازی مناطق زلزله‌زده «ورزقان» آذربایجان شرقی اظهار داشت: «پیرو مصوبه دولت مبنی بر واگذاری مسئولیت بازسازی مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه و تأمین اعتبار لازم در قالب وام و واگذاری آن به بنیاد مسکن، ستادها را برای تشکیل پرونده برای مناطق زلزله‌زده مستقر کردیم که با حضور در آن مناطق برای هر خانوار تشکیل پرونده می‌دهند.»

گفتنی است؛ این تفاهم‌نامه به دنبال سپرده شدن مسئولیت اسکان زلزله‌زدگان به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و اعلام آمادگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای مشارکت و نقش‌پذیری در این راستا، امضا شده است.

صبح صادق
دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۶
اول ربیع‌الاول ۱۴۳۹
سال هجدهم شماره ۸۲۵
۱۲ صفحه
Mon. 20 NOV 2017
www.sobhesadeghweekly.ir

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه
تلفن: ۱۱۰-۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)
صندوق پستی: ۱۷۳۸۵/۱۸۵
سایت اختصاصی: ssweekly.ir
رایانامه: sobhesadegh@iran.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
کانال پیام‌رسان سروش: @ssweekly
کانال تلگرام @SobheSadeghWeekly

صبحانه

فقط تو را می‌بینم

خدایا!
من چیزی نمی‌بینم، آینده پنهان است.
ولی آسوده‌ام؛ چون تو را می‌بینم
و تو همه چیز را
پروردگارا!
امروز برای همه دوستانم؛
عشق حقیقی، سلامتی،
آرامش
و نیکبختی
آرزو دارم.
خدایا عطا کن به آنان هر آنچه برای‌شان خیر است.
و دل‌شان را لبریز کن از شادی
و لبان‌شان را با گل لبخند شکوفا کن.
آمین ای مهربان‌ترین مهربانان.

صادقانه

نشانه‌های انسان صبور

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود:
نشانه‌های انسان صبور سه چیز است:
۱ـ کسل و خسته نمی‌شود.
۲ـ بی‌قراری نمی‌کند.
۳ـ از پروردگارش شکایت نمی‌کند.

چون وقتی کسل شود، حقوق را ضایع و تباه خواهد کرد و هنگامی که بی‌قراری کند، سپاسگزاری نمی‌کند و وقتی از پروردگارش شکایت کند، گناه خواهد کرد.

بحارالانوار، ج۱۷، ص ۸۶

تلخند

بدون شرح

گزارش

ادامه از صفحه۲

سریع به رفته و کامیون‌ها را به سمت روستاهای دوردست هدایت کردیم، سر یک جاده فرعی متوجه شدیم عده‌ای از کردها هستند که ماشین‌ها را به همان روستای دپوی اقلام هدایت می‌کنند.

یکی از همراهان پاسدار ما فوری تماس گرفت و خبر داد که نیروهای فلان فرد که از سران یکی از فرقه‌های اهل حق است، اقلام مردم را دپو می‌کنند و می‌خواهند بعد از ظهر به نام رئیس فرقه خود و در قالب هدیه به روستاهای اطراف ببرند؛ آنها از جیب مردم، اما به نفع خود از این وضعیت سوءاستفاده می‌کردند.

هدایت کمک‌های مردمی

بازدید ما از روستاها ادامه داشت و در مسیر سعی می‌کردیم برخی کاروان‌های کمک‌های مردمی را به سمت روستاهای دورتر راهنمایی کنیم. هرچه به ظهر نزدیک‌تر می‌شدیم، کمک‌ها بیشتر می‌شد و محل‌های ارسال متنوع‌تر. حتی از تهران برخی گروه‌های تفریحی و گردشگری با خودرو با هدف کمک‌رسانی با امکانات کامل در منطقه حضور داشتند. گروه‌های اورژانس و دانشگاه‌های علوم پزشکی برخی استان‌ها هم قابل مشاهده بودند. در راه البته تنها از هلال احمر آرم‌هایی روی چادرها وجود داشت. تعدادی هم بالگردهای‌شان را در آسمان سر پل ذهاب دیدیم. در مجموع ماشین‌های کمک‌های مردمی، ماشین‌های خدمات‌رسانی سپاه و آمبولانس‌های مراکز مختلف به جز هلال احمر جاده را پر کرده بودند.

دکتر اصفهانی غیرتمند

برای ناهار و نماز در مقر یکی از گردان‌های لشکر نبی‌اکرم(ص) در ارتفاعات منطقه که در یکی از روستاها بود مستقر شدیم. پاسداران این گردان هم از وضعیت منطقه دلی پر داشتند. یکی از مادری می‌گفت که سپر بلای دختر کوچکش شده بود، اما هر دو کشته شده بودند. دیگری از حدود ۴۲۰ کشته در حدود ۱۰ روستای اطراف این مقر صحبت می‌کرد. دکتری از بچه‌های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان هم آنجا حضور داشت که انگار ده سالی است در این منطقه خدمت می‌کند، پیگیر کار مردم بود. خودش می‌گفت ساعت ۱۲ شب با بچه‌های سپاه یکی‌یکی به خانه‌ها سرکشی کردیم و به آنهایی که پتو نداشتند پتو دادیم. می‌گفت من بانی چادر را جور کردم، فقط باید چادرها را بیاورم اینجا بعد تقسیم کنم. ما فکر می‌کردیم این بنده خدا مسئول مرکز بهداشت روستا است، بعد از اینکه گفت مسئولم می‌گوید تیم ما باید برگردد اصفهان و مأموریت ما تمام شده، اما من نمی‌خواهم برگردم تازه متوجه شدیم که دو روز است که آمده اینجا ولی با دل و جان دارد کار می‌کند. دست‌مریزاد دکتر.

ازگله یا ثلاث!

بعد از خروج از گردان باز هم در منطقه و در روستاها حاضر شدیم و روند مشکلات را دیدیم و دوستان همراه ما کمک‌ها را هدفمندتر هدایت کردند. حال می‌توانستیم هم به ازگله، یعنی نزدیک مرکز زمین لرزه برویم و هم به ثلاث باباجانی، که تصمیم بر این شد به ثلاث برویم و وضعیت مردم و نیروهای سپاه را در آنجا بررسی کنیم. جاده کوهستانی و شلوغ بود و چندین ترک بزرگ در آن ایجاد شده بود. بعد از گذر از راه‌های دشوار و دیدن سطحی روستاها که کم‌وبیش تخریب شده بودند و برخی هم سالم بود، به ثلاث باباجانی رسیدیم. خانه‌ها برق نداشتند، غروب شده بود، جلوی مقر سپاه خیلی شلوغ بود، همه درخواست چادر داشتند. پاسداران مجموعه گردان امام حسین(ع) خیلی ناراحت بودند، امکانات نرسیده بود و مردم همه ناراضی بودند. بعد از حضور در این شهر هنگام خروج از ثلاث زمانی که قصد عزیمت به سمت جوانرود و کرمانشاه داشتیم، تازه محموله‌های چادر همراه با اسکورت نیروهای سپاه رسید. مسیر شلوغ ثلاث تا جوانرود و جوانرود تا کرمانشاه را پیمودیم.

کرمانشاه محل دپوی کمک‌ها

جالب اینکه وقتی وارد کرمانشاه شدیم، وضعیت عادی بود، اما کاروان‌های کمک‌های مردمی همین طور داشت وارد شهر می‌شد. هنگام ورود به سپاه هم تعداد زیادی کامیون کمک‌های مردمی داشت وارد لشکر می‌شد تا فردا صبح با بالگرد به منطقه ارسال شود.

ما به تهران برمی‌گشتیم، اما در این میان به فکر مردمی بودیم که باید شب را در سرما صبح کنند و پاسدارانی هم هستند که از خانواده‌های‌شان بی‌خبر و مشغول کمک‌رسانی هستند، و هزاران فکر دیگر...

چه کسانی مانع پیوند سینما با جبهه مقاومت هستند؟

□ **مهدی امیدی/** خبر کوتاه، اما تأمل‌برانگیز بود؛ سینمای هند با حضور یکی از ستاره‌های خود، «سلمان خان» فیلمی درباره داعش تولید می‌کند. همچنین سینمای روسیه تصمیم دارد تا آثاری درباره نبرد نیروهای مسلح این کشور با تکفیری‌ها بسازد تا روسیه را عامل اصلی و قهرمان حقیقی سرکوب داعش معرفی کند. این در حالی است که در سینمای ما طی بیش از شش سال نبرد مستقیم قوای نظامی کشورمان با داعش، هنوز فیلم بزرگ و مطرحی درباره این موضوع دیده نشده است. هر چند که همه منتظر اثر جدید حاتمی‌کیا با داستانی مرتبط با داعش هستند؛ اما چه شده که سینمای ما از این جبهه نبرد بازمانده است؟ این مسئله به یکی از هشدارهای رهبر معظم انقلاب در ۱۰ سال پیش برمی‌گردد؛ مظلومیت فرهنگ!

انقلاب اسلامی ایران تنها انقلاب بزرگ عصر جدید است که به دنبال تاریک اندیشی غرب مدرن، ندایی نو در گوش تاریخ انداخت و فرهنگی تازه ایجاد کرد. فرهنگی که زیربنای آن کتاب آسمانی، مبنای عملش مدینه نبوی و حکومت عدل امام علی(ع)، پشتوانه حرکتش قیام امام حسین(ع) و چشم‌اندازش ظهور امام زمان(عج) بوده است. همین فرهنگ بود که راه استقلال، مقاومت و آزادی را هموار کرد و به ظهور مردان بزرگ و حماسه‌های بی‌بدیلی منجر شد. در سال‌های پیروزی انقلاب و دفاع مقدس نیز فضای فرهنگی ایران، متأثر از این جریان بود. با این حال در سال‌های پس از جنگ، این رویکرد در عرصه هنری کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد. به همین

دلیل هم رهبر معظم انقلاب اسلامی مفهومی به نام «مظلومیت فرهنگ» را مطرح ساختند؛ چرا که فرهنگ واقعی و اصیل، زیر ستم فعل و انفعالات و سودجویی‌های سیاسی و اقتصادی قرار گرفته بود. جشنواره‌های کم‌خاصیت و بدون تأثیرگذاری مثبت که بیشتر برای دستیابی به غنائم اقتصادی راه‌اندازی می‌شوند، با قدرت تمام کار می‌کنند؛ اما جشنواره‌های متعهد و انقلابی یا تعطیل می‌شوند یا در تنگنا برگزار می‌شوند؛ نشریات زرد و شبه‌روشنفکرانه یکی از پس از دیگری و با حمایت‌های خاص، روی دکه می‌آیند و حتی از سوی رسانه‌ها و صداوسیما و شبکه‌های ماهواره‌ای تبلیغ می‌شوند؛ اما نشریات ارزشی، بایکوت و منزوی می‌شوند؛ بودجه سریال‌سازی صداوسیما به طور عمده در اختیار نورچشمی‌هایی قرار می‌گیرد که انگیزه‌های انقلابی ندارند و... در این میان وضعیت سینما اسفناک‌تر است. تمام سیاست‌های دولتی و حمایت‌های خارجی و پروپاگاندای رسانه‌ای و اکران، در سلطه فیلم‌های نازل و مبتذل یا شبه‌روشنفکرانه است، حتی گروهی هم که با بودجه دولت برای حمایت از فیلم‌هایی با مخاطب خاص راه‌اندازی شده و به نام «هنر و تجربه» شناخته می‌شود نیز باز منحصر به فیلم‌های جشنواره‌ای و به ظاهر روشنفکرانه است.

نکته تأمل برانگیز این است که فرهنگ انقلاب در شرایطی در مظلومیت به سر می‌برد که هنرمندترین و فرهیخته‌ترین رهبر سیاسی در جهان، در رأس نظام ما قرار دارد. شاید در هیچ کشوری نتوان یافت که همچون امام خامنه‌ای یک رهبر تا این حد اهل فرهنگ و هنر و ادب باشد. با این حال بیشتر مدیران، به ویژه در رده‌های میانی انس و الفت پایینی با فرهنگ و هنر دارند و همین مسئله، دلیل اصلی مظلومیت فرهنگ مقاومت است.

اصلاح مدیریت فرهنگی، نخستین گام برای رفع مظلومیت از فرهنگ مقاومت است. ابتدا باید نگاه و تصور دست‌اندرکاران این عرصه در پارادایم منافع ملی شکل بگیرد. نگاه جناحی و باندی- اینکه مسئولان فکر می‌کنند فقط باید در خدمت هنرمندانی باشند که حامی سیاسی آنها هستند- و رویکرد صرفاً اقتصادی و کاسبکارانه که در سینما بیداد می‌کند، از آفت‌هایی هستند که باید زدوده شوند. قدم بعدی، تعیین راهبرد کلان برای حمایت از فرهنگ مقاومت است. برای نمونه، هنوز هم مشخص نیست که نسبت جشنواره فیلم فجر با جبهه مقاومت چگونه است! حتی در بخش مستند نیز هیچ جایگاه قابل اعتنایی برای آثاری با این رویکرد تعریف نشده است.

یکی از راه‌حل‌ها، ایجاد اتحادیه هنری بین کشورهای جبهه مقاومت است. برای مقابله با تهاجم فرهنگی آمریکایی و غربی، همان‌طور که در عرصه سیاسی پیوندی گرم بین سیاستمداران کشورمان و سیاستمداران جبهه مقاومت جهانی- عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و برخی از کشورهای آمریکای لاتین- در جریان است، در زمینه فرهنگی و هنری نیز باید این ارتباطات به وجود بیاید و استمرار یابد. باید برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌هایی با حضور اندیشمندان و هنرمندان ضد امپریالیست، ضد استکبار و ضد صهیونیست جهانی در کشورمان افزایش یابد. به خوبی به یاد داریم که برگزاری یک جشنواره در این زمینه به نام مسابقه جهانی کاریکاتور هولوکاست، تا چه حد وحشت آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها را برانگیخت. حال حساب کنید که اگر این‌گونه جشنواره‌ها در دیگر رشته‌های هنری و به ویژه در زمینه سینما برپا شود چه خواهد شد.

راش اضافه

تقدیر رهبر معظم انقلاب از فیلم ویلایی‌ها

رهبر معظم انقلاب اسلامی از کارگردان فیلم دفاع مقدسی «ویلایی‌ها» تقدیر کردند.

براساس گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، خبر تقدیر رهبر معظم انقلاب برای اولین‌بار در خط حزب‌الله منتشر شده است.

چندی پیش، رهبر معظم انقلاب پس از دیدن فیلم ویلایی‌ها، از کارگردان این فیلم سینمایی قدردانی کردند. «ویلایی‌ها» روایتی تازه از همسران فرماندهان دفاع‌مقدس است که در شهرکی اطراف جبهه، حوادث گوناگونی را تجربه و روزهای پراضطرابی را سپری می‌کنند و هر از گاهی با وقایع جنگ از جمله شهادت همسران‌شان مواجه هستند. این فیلم، اولین تجربه کارگردانی است که حالا مورد تقدیر رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است.

گفتنی است؛ «ویلایی‌ها» موفق به کسب سه سیمرغ بلورین و هشت نامزدی از سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر شده بود؛ البته این فیلم شایسته دریافت جوایز بیشتری بود؛ اما به دلیل نفوذ جریان‌های خاص در مدیریت جشنواره فیلم فجر از کسب سیمرغ‌های بیشتر بازماند. همچنین این فیلم در اکران با بی‌مهری مواجه شد، به طوری که حتی سینماهای میدان انقلاب نیز از آن دریغ کردند.

فروش آثار هنرمندان انقلاب به نفع زلزله‌زدگان

با حضور هنرمندان تراز اول هنرهای تجسمی، ورک‌شاپ خلق و فروش آثار هنری، به منظور همراهی و کمک به زلزله‌زدگان غرب کشور در کارگاه اصلی حوزه هنری برگزار خواهد شد.

سیدمسعود شجاعی طباطبایی، مدیر مرکز تجسمی حوزه هنری، در توضیح برگزاری این حراج آثار هنری اظهار داشت: «پس از این اتفاق ناگوار و مصائب و مشکلاتی که برای مردم مناطق زلزله‌زده به وجود آمد، بسیاری از هنرمندان بر آن شدند تا به نحوی ادای دینی به بازماندگان این حادثه داشته باشند.

با توجه به اعلام آمادگی این عزیزان و دغدغه‌ای که در مجموعه مدیران حوزه هنری و بنیاد روایت فتح در این باره وجود داشت، تصمیم گرفته شد تا وضعیت برای فروش آثار هنری به نفع کمک به بازماندگان زلزله کرمانشاه فراهم شود.»

وی افزود: «ان‌شاءالله سه‌شنبه ۳۰ آبان تعدادی از آثار با ارزش هنرمندان انقلاب با حداقل قیمت‌های پایه به مزایده گذاشته خواهد شد و همین‌طور آثار خلق شده در ورک‌شاپ نیز به همین صورت به فروش گذاشته می‌شوند.»

اعتراض جمعی از نویسندگان به دروغ‌پراکنی بی‌بی‌سی

گروهی از نویسندگان ایرانی، افغانستانی و تاجیکستانی که برخی از آنها پیش از این در صف مدافعان «بی‌بی‌سی» قرار داشتند، به دروغ‌پراکنی این رسانه اعتراض کردند! این نویسندگان در این نامه نوشته‌اند: «بی‌بی‌سی در اقدامی پرسش‌برانگیز، نام صفحهٔ فیس‌بوک «بی‌بی‌سی افغانستان» را به «بی‌بی‌سی دری» تغییر داده و متعاقباً بناست این رویه را در رادیو و وبگاه نیز اجرا کند. ما امضاکنندگان، این اقدام را مغایر با واقعیت‌های علمی، فرهنگی و تاریخی می‌دانیم و به آن معترضیم...» تلاش مدیران بی‌بی‌سی افغانستان برای جداسازی فارسی‌زبانان افغانستان و تقلیل آنها به جمعیتی منزوی و جداافتاده از پیکرهٔ بزرگ فارسی‌زبانان جهان، به شائبهٔ انگیزه‌های سیاسی و تفرقه‌افکنانه دامن زده است. اعتراض‌های روزهای اخیر نشان می‌دهد که گویشوران زبان فارسی این اقدام بی‌بی‌سی را تعرض به همبستگی و پیوند دیرپای تاریخی، فرهنگی و زبانی خود تلقی می‌کنند.

حیازدایی در یک نمایش

باز هم یک نمایش بدون رعایت اصول اخلاقی و قانونی کشور روی صحنه رفت. براساس گزارش منابع خبری، تئاتر «تنهایی پر هیاهو» نوشته «بُهومیل هرابال» روی صحنه رفته است و متأسفانه بازیگر زن، روی صحنه هنگام اجرا، لباس‌های نامناسبی به تن دارد. پوششی که بیشتر با هدف جذب مخاطب؛ اما از راهی غیر اخلاقی برای بازیگر زن این نمایش طراحی شده است. باید دید تا چه میزان شاهد سکوت موجود از سوی رسانه‌ها و مدیران فرهنگی در قبال پایبند نبودن نمایش‌ها به اصول و قواعد اخلاقی و نگاهی حیاورزانه خواهیم بود و وضعیت نامناسب درآمدی نمایش‌ها و وجود نداشتن موانعی در نحوه پوشش بازیگران در نهایت فضای تئاتری کشورمان را به کدام سمت می‌کشاند!

جایزه‌ای تازه برای «رهایی از بهشت»

یک افتخار دیگر برای انیمیشن دینی رقم خورد.

به گزارش مهر، فیلم انیمیشن «رهایی از بهشت» به کارگردانی علی نوری‌اسکویی، برنده جایزه بهترین فیلم انیمیشن جشنواره فیلم فورت مک‌موری (YMMIFF) شد.

این انیمیشن ایرانی در بخش «بهترین انیمیشن، اثر تجربی یا موزیک‌ویدئو» جایزه اصلی را از آن خود کرد. «رهایی از بهشت» تا به حال جوایز و افتخارات بسیاری را از آن خود کرده است.

داستان فیلم در کشوری در حال جنگ می‌گذرد که یک نویسنده زن و آموزگار باید با دو دانش‌آموز راهی سفری شود که زندگی آنها را تغییر می‌دهد.

ساخت مستند «قائم‌مقام»

مراسم رونمایی و افتتاحیه اکران‌های مستند قائم‌مقام در روزهای ۳، ۴ و ۵ آذر با حضور شخصیت‌های سیاسی و رسانه‌ای برگزار می‌شود. مستند ۱۰۰ دقیقه‌ای «قائم‌مقام» روایتی بدون سانسور و منصفانه از زندگی آیت‌الله منتظری را به تصویر کشیده است. این مستند مبارزات پیش از انقلاب تا فوت او را شامل می‌شود و برای اولین بار به طور تفصیلی به فراز و فرود وی در نظام سیاسی ایران پرداخته است.

دوران قائم‌مقامی آیت‌الله منتظری و سال‌های پس از عزل او، از مقاطعی است که به دلیل حساسیت‌های سیاسی فراوان، کمتر به آن پرداخته شده است.

مستند «قائم‌مقام» به تهیه‌کنندگی محمدمهدی صفارهرندی و با پژوهش محمدامین فرج اللهی تولید شده است.

یادداشت

نگاهی به سریال نوار زرد
پلیس نخبه‌گرا

□ **حسین کارگر/** «نوار زرد» تازه‌ترین سریال پلیسی تلویزیون بود که از شبکه دوم سیما پخش شد. معماهای کارآگاهی همواره از جذاب‌ترین سوژه‌ها برای خلق داستان، نمایش و فیلم بوده است. بسیاری از آثار مطرح تاریخ ادبیات و سینما در این حیطه هستند. صداوسیما نیز در روزگاری نه چندان دور به این موضوع توجه ویژه‌ای داشت و سریال‌های پربیننده‌ای چون «سرنخ»، «کارآگاه علوی»، «کلانتر» و... پخش شدند. با این حال در سال‌های اخیر درباره پرونده‌های قتل و جنایت کمتر کار شد. «نوار زرد» را می‌توان تلاشی برای احیای دوباره سریال‌های کارآگاهی دانست.

این سریال به کارگردانی «پوریا آذربایجانی» و با بازی «امیر آقایی» در نقش سرگرد کاوه کیهان، با الهام از پرونده‌های قتل، دزدی و قاچاق، یک درام متفاوت را خلق کرد. تقریباً همه اجزا، مؤلفه‌ها و همچنین فضای این سریال با دیگر آثار پلیسی تلویزیون متفاوت بود. شاید هدف از این همه متفاوت‌نمایی، جبران ضعف جنبه معمایی این سریال بود؛ زیرا در ماجراهای کارآگاهی این سریال، خلاقیت چندانی دیده نمی‌شود. نه شاهد حادثه غریب و شگفت‌انگیزی بودیم و نه تعلیقی در داستان‌ها وجود داشت و نه کشف خارق‌العاده‌ای از سوی پلیس‌های این سریال انجام شد؛ اما آنچه این سریال را متفاوت جلوه داده، پلیس و قهرمان این سریال بود. این «جناب سرگرد» که تا حدودی هم به یک شوفشن یا مدل لباس شباهت داشت، به جای کارت شناسایی معمولی، نشانی شبیه به پلیس‌های آمریکایی داشت، خودش تنها آن هم نیمه‌شب به در منزل قاتل‌ها می‌رفت و آنها را دستگیر می‌کرد(!) به جای فرماندهانش، از یک زندانی متهم به قاچاق خط می‌گرفت و... حتی زندگی شخصی پلیس در سریال «نوار زرد» هم متفاوت بود. او به جای مطالعه داستان‌های پلیسی بیشتر رمان‌های خاص فلسفی می‌خواند و اهل شعر و ادبیات بود و به جای خودرو پلیس با خودروی شاسی‌بلند خود رفت‌وآمد می‌کرد. به همین دلیل هم جذابیت این سریال بیش از آنکه متوجه ماجراهای پلیسی و کارآگاهی باشد، به کاراکتر اصلی فیلم، یعنی سرگرد کیهان متکی بود. شخصیتی که البته کاریزماتیک و جذاب از آب درآمد و توانست با جلب علاقه و همذات‌پنداری مخاطب، معماهای نه چندان پیچیده پلیسی این سریال را جبران کند.

اگر این سریال با هدف نزدیک‌تر ساختن طبقه متوسط و نخبگان جامعه به پلیس ساخته شده در مجموع، به لحاظ شخصیت‌پردازی موفق عمل کرده است. ظاهر متشخص، هنری و سبک زندگی نخبه‌گرای این پلیس، با روحیه و ذائقه آنهایی که بیشتر اهل آثار رمانتیک هستند و چندان به پلیس و آثار پلیسی علاقه‌ای ندارند، موافق است؛ اما به همین میزان در نشان دادن چهره یک پلیس واقعی ایرانی که مردم با آن سروکار دارند، ضعیف عمل کرد.

«نوار زرد» همچنین به لحاظ ساختار تصویری، یک قدم نسبت به آثار پلیسی سابق سیما جلوتر بود؛ قاب‌بندی، فضاسازی و زوایای دوربین به اضافه میزانسن و دکوراسیون در این سریال، بیشتر جنبه سینمایی داشت و این عامل هم به متفاوت به نظر رسیدن این سریال کمک کرد، حتی صحنه‌های خشونت‌آمیز سریال نیز به دلیل دکوپاژ خوب این سریال، تأثیر منفی نداشتند.

حسن ختام

جاری در زمان...

بشکاف این پیله هزار توی تنیده را
بال بگشا
پرواز کن
بالا برو... بالاتر
متعالی شو
مگر نگفته بودی که دلت لک زده است برای پریدن
پیله‌ها خودِ خودِ حصارند
و حصارها عاملند به محدودیت
محدود نشو به خودت
و دنیای کوچک ساختگی‌ات...
تو تنها نیستی!
کسی هست که شب و روز در کنار توست
او صاحب عصر است
و جاری در همه زمان...
او در همین حوالی است
به او اقتدا کن
و دعا کن که جلوه کند
وعده داده است که می‌آید
و زمین را پر می‌کند از نور...

یادداشت

اربعین پدیده‌ای هویت‌ساز در جهان اسلام

ادامه از صفحه۳

محتوای اصلی این حرکت عظیم فرهنگی و روح کلی حاکم بر آن، پیام اصلی حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) در نهضت خونین کربلاست که فرمودند: «هیهات منا الذّله»؛ این پیام شعار اصلی همه انسان‌های آزادی‌خواه، عدالت‌گرا، حق‌طلب، ظلم‌ستیز و عزت‌طلب است. جهان اسلام در عصر کنونی، بیش از هر زمان دیگر نیازمند الهام گرفتن از این پیام عاشورای امام حسین(ع) است. اربعین مختصاتی را در سال‌های اخیر پیدا کرده است که نشان می‌دهد قابلیت رساندن این پیام به همه انسان‌ها و به ویژه مسلمانان را دارد. غرب از همین پیام هویت‌ساز وحشت دارد؛ اما به طور قطع، پدیده عظیم اربعین هر سال نسبت به سال‌های قبل، مشعشع‌تر خواهد شد. داعش که محصول مشترک مثلث شوم آمریکا، رژیم صهیونیستی و آل‌سعود است، به عراق آمد تا به گفته صریح سخنگوی این گروه تکفیری و تروریستی، کربلا، نجف، کاظمین و سامرا را با خاک یکسان کند. این در حالی است که اکنون دوران داعش در عراق پایان یافته و عظمت کربلای حسین با پدیده عظیم اربعین بالا گرفته است. در جبهه استکبار، شاید صهیونیست‌ها بیش از همه نگران باشند. به طور قطع سردمداران رژیم صهیونیستی با مشاهده راه‌پیمایی عظیم اربعین، به یاد جمله تاریخی حضرت امام خمینی(ره) می‌افتند که فرمودند: «راه قدس از کربلا می‌گذرد.» آری، آنان باید هم بترسند؛ چرا که، روند تحولات نشان می‌دهد، قدس از هر زمان دیگر به رهایی نزدیک‌تر شده است.